

مذاهب با اهداف واحد

(بخش پنجم)

* نویسنده: حجت برزگر

* تاریخ انتشار: ۱۳۸۶/۰۳/۲۲ (۱۲/۰۶/۲۰۰۷ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

nasim@comhem.se و melh9000@yahoo.com

* ادامه مطلب پس از «انجیل یوحنا»:

صفحه	فهرست
	۴- <u>«عَهْدِ جَدِيدِ يَعْنِي انجِيلِ مَقْدَسِ» توأم با نظرات حجت برزگر</u>
۴	۱. کتاب اعمال رسولان
۶	۲. رساله اول پولس رسول بقرنتیان
۱۰	۳. رساله دوم پولس رسول بقرنتیان
۱۱	۴. رساله پولس رسول بغلاطیان
۱۳	۵. رساله پولس رسول به اَفَسُسِيَان
۱۳	۶. رساله پولس رسول به كُولَسِيَان
۱۴	۷. رساله دوم پولس رسول بتسالونیکیان
۱۴	۸. رساله اول پولس رسول به تیموتاؤس
۱۶	۹. رساله پولس رسول بتیطس
۱۷	۱۰. رساله بعبرانیان
۱۸	۱۱. رساله یعقوب
۲۰	۱۲. رساله اول پطرس رسول
۲۱	۱۳. مکاشفه یوحنا رسول

۵- قرآن توأم با نظرات حجت برزگر

صفحه	سوره ها	صفحه	سوره ها	صفحه	سوره ها
۷۵	۵۹. سوره حشر	۶۴	۲۲. سوره حج	۳۱	۲. سوره بقره
۷۶	۶۰. سوره ممتحنه	۶۵	۲۳. سوره مؤمنون	۴۶	۳. سوره آل عمران
۷۷	۶۵. سوره طلاق	۶۶	۲۴. سوره نور	۵۱	۴. سوره زنان

۷۷	۶۶. سوره تحریم	۶۸	۲۵. سوره فرقان	۵۷	۵. سوره مائده
۷۸	۶۸. سوره قلم	۶۸	۲۹. سوره عنكبوت	۵۹	۶. سوره انعام
۷۹	۶۹. سوره حاقه	۶۹	۳۳. سوره احزاب	۶۱	۷. سوره اعراف
۸۰	۷۶. سوره دهر	۷۱	۳۵. سوره فاطر	۶۱	۹. سوره توبه
۸۰	۷۷. سوره مرسلت	۷۱	۳۹. سوره زمر	۶۱	۱۰. سوره یونس
۸۰	۸۱. سوره تکویر	۷۲	۴۱. سوره حم السجدة	۶۲	۱۴. سوره ابراهیم
۸۱	۸۳. سوره مطففین	۷۲	۴۲. سوره شوری	۶۲	۱۵. سوره حجر
۸۱	۹۰. سوره بلد	۷۳	۴۳. سوره زخرف	۶۳	۱۶. سوره نحل
۸۲	۱۰۴. سوره همزه	۷۳	۴۹. سوره حجرات	۶۳	۱۷. سوره بنی اسرائیل
۸۲	۱۰۷. سوره ماعون	۷۴	۵۲. سوره طور	۶۴	۱۹. سوره مریم
۸۲	۱۰۹. سوره کافرون	۷۵	۵۸. سوره مجادله	۶۴	۲۱. سوره انبیاء

* مطالب زیرین از انجیل نمونه هایی از نوشته های افرادی است که بعد از وفات عیسی تا دوران محمد بعنوان کشیش («انبیاء») نوشتند و قرآن از محمد میباشد.

۱. کتاب اعمال رسولان

باب اول

۱ صحیفه اولرا انشاء نمودم ای تیؤفلس در باره همه اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد. ۲ تا آنروزیکه رسولان برگزیده خود را بروح القدس حکم کرده بالا برده شد. ۳ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر میشد و در باره امور ملکوت خدا سخن میگفت. ۴ و چون با ایشان جمع شد ایشانرا قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده اید. ۵ زیرا که یحیی بآب تعمید میداد لیکن شما بعد از اندک ایامی بروح القدس تعمید خواهید یافت. ۶ پس آنانیکه جمع بودند از او سؤال نموده گفتند خداوندا آیا در این وقت ملکوترا بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت. ۷ بدیشان گفت از شما نیست که زمانها و اوقاتیرا که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. ۸ لیکن چون روح القدس بر شما میآید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان. ۹ و چون اینرا گفت وقتیکه ایشان همی نگریستند بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود.

باب چهاردهم

۱ اما در ایقونیه ایشان با هم بکنیسه یهود در آمده بنوعی سخن گفتند که جمعی کثیر از یهود و یونانیان ایمان آوردند. ۲ لیکن یهودیان بی ایمان دلهای امته را اغوا نمودند و با برادران بداندیش ساختند. ۳ پس مدت مدیدی توقف نموده بنام خداوندیکه بکلام فیض خود شهادت میداد بدلیری سخن میگفتند و او آیات و معجزات عطا میکرد که از دست ایشان ظاهر شود. ۴ و مردم شهر دو فرقه شدند گروهی همداستان یهود و جمعی با رسولان بودند. ۵ و چون امته و یهود با رؤسای خود بر ایشان هجوم می آوردند تا ایشانرا افتضاح نموده سنگسار کنند. ۶ آگاهی یافته بسوی لستره و دربه شهرهای لیکائونیه و دیار آن نواحی فرار کردند. ۷ و در آنجا بشارت میدادند.

باب پانزدهم

۱ و تنی چند از یهودیه آمده برادرانرا تعلیم میدادند که اگر برحسب آئین موسی مختون نشوید ممکن نیست که نجات یابید. ۲ چون پولس و برنابا را منازعه و مباحثه بسیار با

ایشان واقع شد قرار بر این شد که پولس و برنابا و چند نفر دیگر از ایشان نزد رسولان و کشیشان در اورشلیم برای این مسئله بروند. ۳ پس کلیسا ایشانرا مشایعت نموده از فینیقیه و سامره عبور کرده ایمان آوردن امتها را بیان کردند و همه برادران را شادی عظیم دادند. ۴ و چون وارد اورشلیم شدند کلیسا و رسولان و کشیشان ایشانرا پذیرفتند و آنها را از آنچه خدا با ایشان کرده بود خبر دادند. ۵ آنگاه بعضی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند برخاسته گفتند اینها را باید ختنه نمایند و امر کنند که سنن موسی را نگاه دارند. ۶ پس رسولان و کشیشان جمع شدند تا در این امر مصلحت بینند. ۷ و چون مباحثه سخت شد پطرس برخاسته بدیشان گفت ای برادران عزیز شما آگاهید که از ایام اول خدا از میان شما اختیار کرد که امتها از زبان من کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند.

۲۲ آنگاه رسولان و کشیشان با تمامی کلیسا بدین رضا دادند که چند نفر از میان خود انتخاب نموده همراه پولس و برنابا به انطاکیه بفرستند یعنی یهودای ملقب به برسابا و سیلاس که از پیشوایان برادران بودند. ۲۳ و بدست ایشان نوشتند که رسولان و کشیشان و برادران به برادران از امتها که در انطاکیه و سوریه و قیلیقیه میباشند سلام میرسانند ۲۴ چون شنیده شد که بعضی از میان ما بیرون رفته شما را بسخنان خود مشوش ساخته دلهای شما را منقلب مینمایند و میگویند که میباید مختون شده شریعت را نگاه بدارید و ما بایشان هیچ امر نکردیم. ۲۵ لهذا ما بیک دل مصلحت دیدیم که چند نفر را اختیار نموده همراه عزیزان خود برنابا و پولس بنزد شما بفرستیم. ۲۶ اشخاصیکه جانهای خود را در راه نام خداوند ما عیسی مسیح تسلیم کرده اند. ۲۷ پس یهودا و سیلاس را فرستادیم و ایشان شما را از این امور زبانی خواهند آگاهانید. ۲۸ زیرا که روح القدس و ما صواب دیدیم که باری بر شما ننهیم جز این ضروریات. ۲۹ که از قربانیهای بتها و خون و حیوانات خفه شده و زنا بهره‌زید که هر گاه از این امور خود را محفوظ دارید به نیکوئی خواهید پرداخت و السلام. ۳۰ پس ایشان مرخص شده به انطاکیه آمدند و جماعترا فراهم آورده نامه را رسانیدند. ۳۱ چون مطالعه کردند از این تسلی شاد خاطر گشتند. ۳۲ و یهودا و سیلاس چونکه ایشان هم نبی بودند برادرانرا بسخنان بسیار نصیحت و تقویت نمودند. ۳۳ پس چون مدتی در آنجا بسر بردند بسلامتی از برادران رخصت گرفته بسوی فرستندگان خود توجه نمودند. ۳۴ اما پولس و برنابا در انطاکیه توقف نموده. ۳۵ با بسیاری دیگر تعلیم و بشارت بکلام خدا میدادند. ۳۶ و بعد از ایام چند پولس به برنابا گفت برگردیم و برادرانرا در هر شهریکه در آنها بکلام خداوند اعلام نمودیم دیدن کنیم که چگونه میباشند. ۳۷ اما برنابا چنان مصلحت دید که یوحنا ملقب بمرقس را همراه نیز بردارد. ۳۸ لیکن پولس چنین صلاح دانست که شخصی را که از

پمفلیه از ایشان جدا شده بود و با ایشان در کار همراهی نکرده بود با خود نبرد. ۳۹ پس نزاعی سخت شد بحدیکه از یکدیگر جدا شده برنابا مرقس را برداشته بقیْرُس از راه دریا رفت. ۴۰ اما پولس سیلاس را اختیار کرد و از برادران بفیض خداوند سپرده شده رو بسفر نهاد. ۴۱ و از سوریه و قیلیقیه عبور کرده کلیساها را استوار مینمود.

* کاملاً روشن است که شاگردان عیسی برای تبلیغ و ترویج تورات و ساختن کلیساها به مناطق مختلف رفتند.

۲. رساله اول پولس رسول بقرنتیان

باب اول

۱ پولس به اراده خدا رسول خوانده شده عیسی مسیح و سوستانیس برادر. ۲ بکلیسای خدا که در قُرنتُس است از مقدسین در مسیح عیسی که برای تقدس خوانده شده اند با همه کسانیکه در هر جا نام خداوند ما عیسی مسیح را میخوانند که (خداوند) ما و (خداوند) ایشان است. ۳ فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد.

باب پنجم

۶ فخر شما نیکو نیست آیا آگاه نیستید که اندک خمیرمایه تمام خمیر را مخمر میسازد. ۷ پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید چنانکه بیخمیرمایه هستید زیرا که فصیح ما مسیح در راه ما ذبح شده است. ۸ پس عید را نگاه داریم نه بخمیرمایه کهنه و نه بخمیرمایه بدی و شرارت بلکه بفطیر ساده دلی و راستی. ۹ در آن رساله بشما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید. ۱۰ لکن نه مطلقاً با زانیان اینجهان یا طمعکاران و یا ستمکاران یا بت پرستان که در این صورت میباید از دنیا بیرون شوید ۱۱ لکن الان بشما مینویسم که اگر کسیکه برادر نامیده میشود زانی یا طماع یا بت پرست یا فحاش یا میکسار یا ستمگر باشد با چنین شخص معاشرت مکنید بلکه غذا هم مخورید. ۱۲ زیرا مرا چه کار است که برآنانیکه خارج اند داوری کنم آیا شما بر اهل داخل داوری نمیکنید. ۱۳ لکن آنانیرا که خارج اند خدا داوری خواهد کرد پس آن شیر را از میان خود برانید.

باب هفتم

۱ اما در باره آنچه بمن نوشته بودید مرد را نیکو آنست که زنا را لمس نکند. ۲ لکن بسبب زنا هر مرد زوجه خود را بدارد و هر زن شوهر خود را بدارد. ۳ و شوهر حق زنا ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را. ۴ زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش. ۵ از یکدیگر جدائی مگزینید مگر مدتی برضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید و باز باهم پیوندید مبادا شیطان شما را بسبب ناپرهیزی شما در تجربه اندازد. ۶ لکن اینرا میگویم بطریق اجازه نه بطریق حکم. ۷ اما میخواهم که همه مردم مثل خودم باشند، لکن هر کس نعمتی خاص از خدا دارد یکی چنین و دیگری چنان. ۸ لکن بمجردین و بیوه زنان میگویم که ایشانرا نیکو است که مثل من بمانند. ۹ لکن اگر پرهیز ندارند نکاح بکنند زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است. ۱۰ اما منکوحانرا حکم میکنم و نه من بلکه خداوند که زن از شوهر خود جدا نشود. ۱۱ و اگر جدا شود مجرد بماند یا با شوهر خود صلح کند و مرد نیز زن خود را جدا نسازد. ۱۲ و دیگرانرا من میگویم نه خداوند که اگر کسی از برادران زنی بی ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با وی بماند او را جدا نسازد. ۱۳ و زنیکه شوهر بی ایمان داشته باشد و او راضی باشد که با وی بماند از شوهر خود جدا نشود. ۱۴ زیرا که شوهر بی ایمان از زن خود مقدس میشود و زن بی ایمان از برادر مقدس میگردد و اگر نه اولاد شما ناپاک میبودند لکن الحال مقدسند. ۱۵ اما اگر بی ایمان جدائی نماید بگذارش که بشود زیرا برادر با خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را بسلامتی خوانده است. ۱۶ زیرا که تو چه دانی ای زن که شوهرت را نجات خواهی داد یا چه دانی ای مرد که زن خود را نجات خواهی داد. ۱۷ مگر اینکه بهر طور خداوند بهر کس قسمت فرموده و بهمان حالت که خدا هر کسرا خوانده باشد بدینطور رفتار بکند و همچنین در همه کلیساها امر میکنم. ۱۸ اگر کسی در مختونی خوانده شود نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی خوانده شود مختون نشود. ۱۹ ختنه چیزی نیست و نامختونی هیچ بلکه نگاه داشتن امرهای خدا. ۲۰ هر کس در هر حالتیکه خوانده شده باشد در همان بماند. ۲۱ اگر در غلامی خوانده شدی ترا باکی نباشد بلکه اگر هم میتوانی آزاد شوی آنرا اولی تراستعمال کن. ۲۲ زیرا غلامیکه در خداوند خوانده شده باشد آزاد خداوند است و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد غلام مسیح است. ۲۳ بقیمتی خریده شدید غلام انسان نشوید. ۲۴ ای برادران هر کس در هر حالتیکه خوانده شده باشد در آن نزد خدا بماند. ۲۵ اما در باره باکره ها حکمی از خداوند ندارم لکن چون از خداوند رحمت یافتم که امین باشم رای میدهم. ۲۶ پس گمان میکنم که بجهت تنگی این زمان انسانرا نیکو آنست که همچنان بماند. ۲۷ اگر با زن بسته شدی جدائی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن مخواه. ۲۸ لکن هر

گاه نکاح کردی گناه نورزیدی و هر گاه باکره منکوحه گردید گناه نکرد ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید لیکن من بر شما شفقت دارم. ۲۹ اما ای برادران اینرا میگویم وقت تنگ است تا بعد از این آنانیکه زن دارند مثل بی زن باشند. ۳۰ و گریانان چون ناگریانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خریداران چون غیرمالکان باشند. ۳۱ و استعمال کنندگان اینجهان مثل استعمال کنندگان نباشند زیرا که صورت اینجهان در گذر است. ۳۲ اما خواهش این دارم که شما بی اندیشه باشید، شخص مجرد در امور خداوند میاندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجوید. ۳۳ و صاحب زن در امور دنیا میاندیشد که چگونه زن خود را خوش بسازد. ۳۴ در میان زن منکوحه و باکره نیز تفاوتی است زیرا باکره در امور خداوند میاندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدس باشد اما منکوحه در امور دنیا میاندیشد تا شوهر خود را خوش سازد. ۳۵ اما اینرا برای نفع شما میگویم نه آنکه دامی بر شما بنهم بلکه نظر بشایستگی و ملازمت خداوند بی تشویش. ۳۶ لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکره خود ناشایستگی میکند اگر بحد بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن آنچه خواهد بکند گناهی نیست بگذار که نکاح کنند. ۳۷ اما کسیکه در دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اداره خود مختار است و در دل خود جازم است که باکره خود را نکاح دارد نیکو میکند. ۳۸ پس هم کسیکه بنکاح دهد نیکو میکند و کسیکه بنکاح ندهد نیکوتر مینماید. ۳۹ زن مادامیکه شوهرش زنده است بسته است اما هرگاه شوهرش مُرد آزاد گردید تا بهر که بخواهد منکوحه شود لیکن در خداوند فقط. ۴۰ اما بحسب رای من خوشحالتتر است اگر چنین بماند و من نیز گمان میبرم که روح خدا را دارم.

* این هم نمونه ای از تغییر در احکام یهوه پس از تقریباً ۱۲۰۰ سال توسط آدمها نه یهوه. امیدوارم حداقل خوانندگان توانسته باشند از دستورات آقا «پولس رسول» که تقریباً هزار نصدو پنجاه سال پیش مطرح کرد برای پراتیک کردن راه حلی بدست آورده باشند. ما متوجه نشدیم بالاخره طبق دستورات او آیا برقراری رابطه جنسی «گناه» است یا «صواب»؟ یهوه یک جمله گفت: برقراری رابطه جنسی در خارج قرارداد «ازدواج» ممنوع، هم برای زن و هم برای مرد. آقا پولس با این جمله (حکم) داستان نوشت.

چرا «غیر مالکان» مثل «خریداران» نباشند؟ نوشته های او جالب است. پیشنهاد میکنم یک بار دیگر نوشته او («باب هفتم») را بخوانید. به هر رو من هم میگویم «وقت تنگ است» «آمین آمین»!

باب هشتم

۱ اما دربارهٔ قربانیهای بتها میدانیم که همه علم داریم، علم باعث تکبر است لکن محبت بنا میکند. ۲ اگر کسی گمان برد که چیزی میداند هنوز هیچ نمیداند بطوریکه باید دانست. ۳ اما اگر کسی خدا را محبت نماید نزد او معروف مییابد. ۴ پس دربارهٔ خوردن قربانیهای بتها میدانیم که بت در جهان چیزی نیست و اینکه خدائی دیگر جز یکی نیست. ۵ زیرا هر چند هستند که بخدایان خوانده میشوند چه در آسمان و چه در زمین چنانکه خدایان بسیار و خداوندان بسیار میباشند. ۶ لکن ما را یک خداست یعنی پدر که همه چیز از اوست و ما برای او هستیم و یک خداوند یعنی عیسی مسیح که همه چیز از اوست و ما از او هستیم. ۷ ولی همه را این معرفت نیست زیرا بعضی تا بحال به اعتقاد اینکه بت هست آنرا چون قربانی بت میخورند و ضمیر ایشان چون ضعیفست نجس میشود. ۸ اما خوراک ما را مقبول خدا نمیسازد زیرا که نه بخوردن بهتریم و نه به ناخوردن بدتر.

* احتمالاً در نزدیکی آقا پولس یهودیان حضور نداشتند و به همین دلیل او با خیال راحت عیسی را «خداوند» معرفی کرد (بند ۶).

باب دهم

۱۸ اسرائیل جسمانیرا ملاحظه کنید، آیا خورندگان قربانیها شریک قربانگاه نیستند. ۱۹ پس چه گویم آیا بت چیزی میباشد یا که قربانی بت چیز است. ۲۰ نی، بلکه آنچه امتهای قربانی میکنند برای دیوها میگذرانند نه برای خدا و نمیخواهم شما شریک دیوها باشید. ۲۱ محالست که هم از پیالۀ خداوند و هم از پیالۀ دیوها بنوشید و هم از مایدهٔ خداوند و هم از مایدهٔ دیوها نمیتوانید قسمت برد. ۲۲ آیا خداوند را بغیرت میآوریم یا از او توانا تر میباشیم. ۲۳ همه چیز جایز است لیکن همه مفید نیست، همه رواست لیکن همه بنا نمیکند. ۲۴ هر کس نفع خود را نجوید بلکه نفع دیگر را. ۲۵ هر آنچه را در قصابخانه میفروشند بخورید و هیچ مپرسید بخاطر ضمیر.

باب یازدهم

۱ پس اقتدا بمن نمائید چنانکه من نیز بمسیح میکنم. ۲ اما ای برادران شما را تحسین مینمایم از اینجهت که در هر چیز مرا یاد میدارید و اخبار را بطوریکه بشما سپردم حفظ مینمائید. ۳ اما میخواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد و سر مسیح

خدا. ۴ هر مردیکه سر پوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا مینماید. ۵ اما هر زنیکه سر برهنه دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا میسازد زیرا این چنانست که تراشیده شود. ۶ زیرا اگر زن نمیپوشد موی را نیز ببرد و اگر زنرا موی بریدن یا تراشیدن قبیح است باید بپوشد. ۷ زیرا که مرد را نباید سر خود را بپوشد چونکه او صورت و جلال خداست اما زن جلال مرد است. ۸ زیرا که مرد از زن نیست بلکه زن از مرد است. ۹ و نیز مرد بجهت زن آفریده نشد بلکه زن برای مرد. ۱۰ از اینجهت زن میباید عزتی برسر داشته باشد بسبب فرشتگان. ۱۱ لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند. ۱۲ زیرا چنانکه زن از مرد است همچنین مرد نیز بوسیله زن لیکن همه چیز از خدا. ۱۳ در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند. ۱۴ آیا خود طبیعت شما را نمیآموزد که اگر مردی موی دراز دارد او را عار مییابد. ۱۵ و اگر زن موی دراز دارد او را فخر است زیرا که موی بجهت پرده بدو داده شد. ۱۶ و اگر کسی ستیزه گر باشد ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.

* هر گاه مردم دوروبر آخوندها و کشیشان جمع نمی شوند به آنان هر قدر دلشان بخواهد ناسزاء میگویند ولی به محض اینکه کسی نزدیکشان آمد فوراً میخواهند به آنان حکمرانی کنند. و برای اینکه بتوانند مزخرفات خود را به مردم تحمیل کنند فوراً «خدا» و «پیغمبر» را شاهد میگیرند. اینهم آغاز سرکوب زنان که به مرور زمان توسط «پولس رسول» فرموله شد. بی دلیل نبود که او در «باب هفتم» برقراری رابطه جنسی را یک پا در هوا فرموله کرده بود.

۳. رساله دوم پولس رسول بقرنتیان

باب یازدهم

۵ زیرا مرا یقین است که از بزرگترین رسولان هرگز کمتر نیستم. ۶ اما هر چند در کلام نیز امی باشم لیکن در معرفت نی، بلکه در هر امری نزد همه کس بشما آشکار گردیدیم. ۷ آیا گناه کردم که خود را ذلیل ساختم تا شما سرافراز شوید در اینکه به انجیل خدا شما را مفت بشارت دادم. ۸ کلیساهای دیگر را غارت نموده اجرت گرفتم تا شما را خدمت نمایم و چون بنزد شما حاضر بوده محتاج شدم بر هیچکس بار ننهادم. ۹ زیرا برادرانیکه از مکادونیه آمدند رفع حاجت مرا نمودند و در هر چیز از بار نهادن بر شما خود را نگاه داشته و خواهم داشت. ۱۰ براستی مسیح که در من است قسم که این فخر در نواحی اخاتیه از من گرفته نخواهد

شد. ۱۱ از چه سبب، آیا از اینکه شما را دوست نمی‌دارم، خدا میداند.

۲۱ از روی استحقار می‌گویم که گویا ما ضعیف بوده ایم اما در هر چیزیکه کسی جرأت دارد از راه بیفهمی می‌گویم من نیز جرأت دارم. ۲۲ آیا عبرانی هستند من نیز هستم، اسرائیلی هستند من نیز هستم از ذریت ابراهیم هستند من نیز می‌باشم. ۲۳ آیا خدام مسیح هستند، چون دیوانه حرف می‌زنم من بیشتر هستم، در محنتها افزونتر در تازیانه‌ها زیادتر در زندانها بیشتر در مرگها مکرر. ۲۴ از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیانه خوردم. ۲۵ سه مرتبه مرا چوب زدند یک دفعه سنگسار شدم سه کت شسته کشتی شدم شبانه روزی در دریا بسر بردم. ۲۶ در سفرها بارها در خطرهای نهرها در خطرهای دزدان در خطرهای از قوم خود و در خطرهای از امتهای در خطرهای در شهر در خطرهای در بیابان در خطرهای در دریا در خطرهای در میان برادران کذب. ۲۷ در محنت و مشقت در بیخوابیها بارها در گرسنگی و تشنگی در روزه‌ها بارها در سرما و عریانی. ۲۸ بدون آنچه علاوه بر اینها است آن باریکه هر روزه بر من است یعنی اندیشه برای همه کلیساها. ۲۹ کیست ضعیف که من ضعیف نمی‌شوم، که لغزش می‌خورد که من نمی‌سوزم. ۳۰ اگر فخر می‌باید کرد از آنچه بضعف من تعلق دارد فخر می‌کنم. ۳۱ خدا و پدر عیسی مسیح خداوند که تا بآید متبارک است میداند که دروغ نمی‌گویم. ۳۲ در دمشق والی حارث پادشاه شهر دمشقینرا برای گرفتن من محافظت مینمود. ۳۳ و مرا از دریچه در زنبیلی از باره قلعه پائین کردند و از دستهای وی رستم.

* واقعاً دست یهودیان درد نکند. مردیکه زن ستیز. مزخرف می‌گویی می‌خواهی کتک نخوری. در اینجا نیز یادآور شوم بعضی از قسمتهای تورات و انجیل را که تاکنون بازنویسی کردم، صرفاً بخاطر کمی تنوع و خندیدن میباشد. بنابراین اگر زیاد از حد خندیدید من مقصر نیستم. ولی به هر رو عرض کنم که رویهمرفته با خواندن داستان زندگی این «خدا پرست» شجاع، از خود راضی، خودبزرگ بین، سخت جان، طراح زن ستیزی، دزد، دروغگو، کتک خور، همه فن حریف و همه کاره، دلم به حالش سوخت. چه سختیهایی که بخاطر دیگر کشیشان و خودش نکشید! سعی می‌کنم تمام مطالبی که در مورد مسئله زنان توسط «پیغمبران» (کشیشان) نوشته شده است را بازنویسی کنم تا با سیاستهای آخوندها و کشیشان فعلی نیز مقایسه شود.

۴. رساله پوئس رسول بغلاطیان

باب پنجم

۶ و در مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد نه نامختونی بلکه ایمانیکه بمحبت عمل میکند. ۷ خوب میدویدید پس کیست که شما را از اطاعت راستی منحرف ساخته است. ۸ این ترغیب از او که شما را خوانده است نیست. ۹ خمیرمایه اندک تمام خمیر را مخمر میسازد.

* عیسی در رابطه با ضرر و یا فایده نامختونی و مختونی بهیچ وجه حرفی نزد بلکه گفته بود که چرا از من ایراد میگیرید وقتی که کسی را در روز سبت شفا میدهم، در صورتی که مختون کردن که قبل از موسی بوده شما خودتان در روز سبت افراد را مختون میکنید، یعنی شما در روز سبت خونریزی میکنید ولی من شفا میدهم. کدام یک باارزش تر است؟ و یا اگر در روز سبت کار کردن «گناه» محسوب میشود پس شما چرا خودتان کار میکنید؟

باب ششم

۱۱ ملاحظه کنید چه حروف جلی بدست خود بشما نوشتم. ۱۲ آنانیکه میخواهند صورتی نیکو در جسم نمایان سازند ایشان شما را مجبور میسازند که مختون شوید محض اینکه برای صلیب مسیح جفا نبینند. ۱۳ زیرا ایشان نیز که مختون میشوند خود شریعترا نگاه نمیدارند بلکه میخواهند شما مختون شوید تا در جسم شما فخر کنند. ۱۴ لیکن حاشا از من که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا. ۱۵ زیرا که در مسیح عیسی نه ختنه چیزست و نه نامختونی بلکه خلقت تازه. ۱۶ و آنانیکه بدین قانون رفتار میکنند سلامتی و رحمت بر ایشان باد و بر اسرائیل خدا. ۱۷ بعد از این هیچکس مرا زحمت نرساند زیرا من در بدن خود داغهای خداوند عیسی را دارم. ۱۸ فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما باد ای برادران آمین.

* بالاخره همان اشتباهی که یهودیان میکردند، یعنی میگفتند هر کسی که مختون شده باشد یهودی است، مسیحیان نیز مرتکب همین نوع اشتباه شدند و میگویند هر کسی که نامختون باشد مسیحی است. در صورتی که منظور عیسی در رابطه ختنه شده بعنوان مدرکی که کسی تورات را پذیرفته اشتباه است، زیرا شما که ختنه شده کاتبان، مشایخ و صدوقیان هستید ریاکار، دروغگو و دزد هستید. بنابراین یهودی بودن اجرای احکام تورات است نه فقط ختنه شدن.

حجت برزگر

۵. رسالهٔ پولس رسول به افسسیان

باب پنجم

۲۲ ای زنان شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را. ۲۳ زیرا که شوهر سر زن است چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات دهندهٔ بدنست. ۲۴ لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح است همچنین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند. ۲۵ ای شوهران زنان خود را محبت نمائید چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشترا برای آن داد. ۲۶ تا آنرا بغسل آب بوسیلهٔ کلام طاهر ساخته تقدیس نماید.

* این آقا از زنان طلب میکند «کنیز» شوهران خود باشند و از مردان میخواهد «غیور» باشند یعنی «قتل ناموسی» کنند. به هر حال این نوع مزخرفات هیچ ربطی به احکام یهوه ندارند.

باب ششم

۵ ای غلامان آقایان بشری خود را چون مسیح با ترس و لرز با ساده دلی اطاعت کنید. ۶ نه بخدمت حضور مثل طالبان رضامندی انسان بلکه چون غلامان مسیح که ارادهٔ خدا را از دل بعمل میآورند. ۷ و به نیت خالص خداوند را بندگی میکنند نه انسانرا. ۸ و میدانند هر کس که عمل نیکو کند مکافات آنرا از خداوند خواهد یافت خواه غلام و خواه آزاد. ۹ و ای آقایان با ایشان بهمین نسق رفتار نمائید و از تهدید کردن احتراز کنید چونکه میدانید که خود شما را هم آقائی هست در آسمان و او را نظر بظاهر نیست.

* لطفاً خودتان سخنان «پولس رسول» را تفسیر کنید! یهوه یک قوم را از بردگی رها کنید برای مبارزه با برده داری، ولی این آقا میخواهد مجدداً برده داری را احیاء کند.

۶. رسالهٔ پولس رسول به کولسیان

باب سوم

۱۸ ای زنان شوهران خود را اطاعت نمائید چنانکه در خداوند میشاید. ۱۹ ای شوهران زوجهای خود را محبت نمائید و با ایشان تلخی مکنید. ۲۰ ای فرزندان والدین خود را در

همه چیز اطاعت کنید زیرا که این پسندیده است در خداوند. ۲۱ ای پدران فرزندان خود را خشمگین مسازید مبادا شکسته دل شوند. ۲۲ ای غلامان آقایان جسمانی خود را در هر چیز اطاعت کنید نه بخدمت حضور مثل جویندگان رضامندی مردم بلکه به اخلاص قلب و از خداوند بترسید.

۷. رسالهٔ دوم پولس رسول بتسالونیکیان

باب سوم

۸ و نان هیچکسرا مفت نخوردیم بلکه بمحنت و مشقت شبانه روز بکار مشغول میبودیم تا بر احدی از شما بار ننهیم. ۹ نه آنکه اختیار نداریم بلکه تا خود را نمونه برای شما سازیم تا بما اقتداء نمائید. ۱۰ زیرا هنگامیکه نزد شما هم میبودیم اینرا بشما امر فرمودیم که اگر کسی خواهد کار نکند خوراک هم نخورد. ۱۱ زیرا شنیدیم که بعضی در میان شما بینظم رفتار میکنند که کاری نمیکنند بلکه فضول هستند. ۱۲ اما چنین اشخاصرا در خداوند ما عیسی مسیح حکم و نصیحت میکنیم که بآرامی کار کرده نان خود را بخورند. ۱۳ اما شما ای برادران از نیکوکاری خسته خاطر مشوید. ۱۴ ولی اگر کسی سخن ما را در این رساله اطاعت نکند بر او نشانه گذارید و با وی معاشرت مکنید تا شرمنده شود.

۸. رسالهٔ اول پولس رسول به تیموتاؤس

باب دوم

۹ و هم چنین زنان خویشان را بیارایند بلباس مزین بحیا و پرهیز نه بزلفها و طلا و مروارید و رخت گران بها. ۱۰ بلکه چنانکه زنانی را میشاید که دعوی دین داری میکنند به اعمال صالحه. ۱۱ زن با سکوت بکمال اطاعت تعلیم گیرد. ۱۲ و زن را اجازت نمیدهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند. ۱۳ زیرا که آدم اول ساخته شد و بعد حوا.

* استدلال این آقا را در سرکوبی زنان بخوانید. «زیرا که آدم اول ساخته شد و بعد حوا.» (بند ۱۳).

باب پنجم

۱ مرد پیر را توییخ منما بلکه چون پدر او را نصیحت کن و جوانانرا چون برادران. ۲ زنان پیر را چون مادران و زنان جوانرا مثل خواهران با کمال عفت. ۳ بیوه زنانرا اگر فی الحقیقه بیوه باشند محترم دار. ۴ اما اگر بیوه زنی فرزندان یا نواده ها دارد آموخته بشوند که خانه خود را با دینداری نگاه دارند و حقوق اجداد خود را ادا کنند که این در حضور خدا نیکو و پسندیده است. ۵ اما زنیکه فی الحقیقه بیوه و بی کس است بخدا امیدوار است و در صلوات و دعاها شبانروز مشغول میباشد. ۶ لیکن زن عیاش در حال حیات مرده است. ۷ و باین معانی امر فرما تا بی ملامت باشند. ۸ ولی اگر کسی برای خویشان و علی الخصوص اهل خانه خود تدبیر نکند منکر ایمان و پست تر از بی ایمانست. ۹ بیوه زنیکه کمتر از شصت ساله نباشد و یک شوهر کرده باشد باید نام او ثبت گردد. ۱۰ که در اعمال صالح نیک نام باشد اگر فرزندانرا پرورده و غرباء را مهمانی نموده و پایهای مقدسین را شسته و زحمت کشانرا اعانتی نموده و هر کار نیکو را پیروی کرده باشد. ۱۱ اما بیوه های جوانتر از این را قبول مکن زیرا که چون از مسیح سرکش شوند خواهش نکاح دارند. ۱۲ و ملزم میشوند از اینکه ایمان نخست را برطرف کرده اند. ۱۳ و علاوه بر این خانه بخانه گردش کرده آموخته میشوند که بیکار باشند و نه فقط بی کار بلکه بیهوده گو و فضول هم که حرفهای ناشایسته میزنند. ۱۴ پس رایی من این است که زنان جوان نکاح شوند و اولاد بزایند و کدبانو شوند و خصم را مجال مذمت ندهند. ۱۵ زیرا که بعضی برگشتند به عقب شیطان. ۱۶ اگر مرد یا زن مؤمن بیوه ها دارد ایشانرا پرورد و بار بر کلیسا نهد تا آنانیرا که فی الحقیقه بیوه باشند پرورش نماید. ۱۷ کشیشانیکه نیکو پیشوائی کرده اند مستحق حرمت مضاعف میباشند علی الخصوص آنانیکه در کلام و تعلیم محنت میکشند. ۱۸ زیرا کتاب میگوید گاو را وقتیکه خرمن را خورد میکند دهن مبند و مزدور مستحق اجرت خود است.

باب ششم

۱ آنانیکه غلامان زیر یوغ میباشند آقایان خویش را لایق کمال احترام بدانند که مبادا نام و تعلیم خدا بد گفته شود. ۲ اما کسانیکه آقایان مؤمن دارند ایشانرا تحقیر نمایند از آنجا که برادرانند بلکه بیشتر خدمت کنند از آنرو که آنانیکه در این احسان مشارک اند مؤمن و محبوبند و باین معانی تعلیم و نصیحت فرما. ۳ و اگر کسی بطور دیگر تعلیم دهد و کلام صحیح خداوند ما عیسی مسیح و آن تعلیمی را که بطریق دینداری است قبول ننماید. ۴ از غرور مست شده هیچ نمیداند بلکه در مباحثات و مجادلات دیوانه گشته است که از آنها

پدید میآید حسد و نزاع و کفر و ظنون شرّ.

* بیچاره «غلامان» دیگر برای آنان فرقی نمیکرد که «آقایان» ظالم و یا «آقایان مؤمن» داشته باشند. در هر صورت میبایستی طبق گفته آقا پولس مسیحی «بیشتر خدمت کنند» یعنی زیر «یوغ» قرار گیرند. و اگر کسی غیر از دستورات او فرمان صادر کند «عیسی مسیح» را نفهمیده است «بلکه در مباحثات و مجادلات دیوانه گشته است» (بندهای ۳ و ۴).

۹. رسالهٔ پولس رسول بتیطس

باب اول

۱ پولس غلام خدا و رسول عیسی مسیح برحسب ایمان برگزیدگان خدا و معرفت آن راستیکه در دینداری است.

۳ اما در زمان معین کلام خود را ظاهر کرد بموعظهٔ که برحسب حکم نجات دهندهٔ ما خدا بمن سپرده شد.

۵ بدینجهت ترا در کَرِیت واگذاشتم تا آنچه را که باقی مانده است اصلاح نمائی و چنانکه من بتو امر نمودم کشیشان در هر شهر مقرر کنی.

۹ و متمسک بلام امین برحسب تعلیمیکه یافته تا بتواند بتعلیم صحیح نصیحت کند و مخالفانرا توبیخ نماید. ۱۰ زیرا که یاهو گویان و فریبندگان بسیار و متمرد میباشند علیالخصوص آنانیکه از اهل ختنه هستند. ۱۱ که دهان ایشانرا باید بست زیرا خانه ها را بالکل واژگون میسازند و برای سود قبیح تعالیم ناشایسته میدهند.

۱۳ این شهادت راست است از اینجهت ایشانرا بسختی توبیخ فرما تا در ایمان صحیح باشند.

۱۴ و گوش نگیرند به افسانه های یهود و احکام مردمانیکه از راستی انحراف میجویند.

* آقا «پوس رسول» براستی که شجاعانه از «احکام» تورات دفاع میکرد. به نظر می آید بخاطر مالداران چند شمشیر هم به کمر خود بسته بود.

باب دوم

۳ همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند و نه غیبت گو و نه بندهٔ شراب زیاده بلکه معلمات تعلیم نیکو. ۴ تا زنان جوانرا خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند. ۵

و خرداندیش و عقیفه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که مبادا کلام خدا متهم شود. ۶ و بهمین نسق جوانانرا نصیحت فرما تا خرداندیش باشند.

۹ غلامانرا نصیحت نما که آقایان خود را اطاعت کنند و در هر امر ایشانرا راضی سازند و نقیض گو نباشند. ۱۰ و دزدی نکنند بلکه کمال دیانت را ظاهر سازند تا تعلیم نجات دهنده ما خدا را در هر چیز زینت دهند.

۱۲ ما را تأدیب میکند که بی دینی و شهوات دنیویرا ترک کرده با خرداندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم.

۱۵ اینرا بگو و نصیحت فرما و در کمال اقتدار توییخ نما و هیچکس ترا حقیر نشمارد.

* آن چیزی که بدنبالش بودیم یافتیم، یعنی احیای برده داری کامل و فرموله شدن احکام زن ستیزی در دوران «پولس رسول» مسیحی، یعنی آغاز دوران «اقتدار» کلیساها، زمینداران و مالداران. در هرصورت ما متوجه نشدیم که «شوهر دوستی»ای که این همه از آن صحبت شد چه ربطی به «فرزند دوستی» زن دارد. این ابله‌ها برای اینکه سودجوئی خود را به پیش ببرند سعی میکنند طوری مطالب خود را فرموله کنند که کسی نتواند از آنان ایراد بگیرد. بعبارت دیگر اگر بخواهند زنی را مجازات کنند به بهانه مثلاً آزار به فرزندان مجازات میکنند نه اینکه بخاطر نپذیرفتن حرفها و اعمال «شوهر» خود. بنابراین ظهور محمد بی دلیل نبوده است. زیرا پس از آزاد شدن قوم یهود و برده‌ها از دست پادشاه مصر (فرعون)، با گذشت زمان تقریباً بیش از ۱۲۰۰ سال مجدداً بطور گسترده و کامل برده داری توسط «رسولان» در جوامع برقرار شده بود که تا دوران محمد ادامه داشت. حال باید نشان دهیم که محمد نیز همان اهدافی را دنبال میکرد که موسی و عیسی (یهوه) برای برقراری آن در جوامع تلاش کردند.

۱۰. رساله بعبرانیان

باب دهم

۱۹ پس ای برادران چونکه بخون عیسی دلیری داریم تا بمکان اقدس داخل شویم. ۲۰ از طریق تازه و زنده که آنرا بجهت ما از میان پرده یعنی جسم خود مهیا نموده است. ۲۱ و کاهنی بزرگ را بر خانه خدا داریم.

۲۶ زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی اگر عمداً گناهکار شویم دیگر قربانی گناهان باقی نیست. ۲۷ بلکه انتظار هولناک عذاب و غیرت آتشی که مخالفانرا فرو خواهد برد. ۲۸ هر

که شریعت موسی را خوار شمرد بدون رحم بدو یا سه شاهد کشته میشود. ۲۹ پس به چه مقدار گمان میکنید که آنکس مستحق عقوبت سختتر شمرده خواهد شد که پسر خدا را پایمال کرد و خون عهدی را که بآن مقدس گردانیده شد ناپاک شمرد و روح نعمترا بیحرمت کرد. ۳۲ افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است.

۳۶ زیرا که شما را صبر لازمست تا اراده خدا را بجا آورده وعده را بیابید. ۳۷ زیرا که بعد از اندک زمانی آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد نمود. ۳۸ لکن عادل به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من با وی خوش نخواهد شد.

* جالب تر از این نمیشود. کشیشان اعمال جنایتکارانه خود را با نام موسی انجام میدادند که یهودیان نتوانند از آنان ایراد بگیرند. «آن آینده» هنوز هم نیامده است. آیا پس از ده ها قرن آن «اندک زمانی» تمام نشد؟ آیا باز هم مردم منتظر باشند؟ نه خیر، بلکه باید با تمام نیرو بدون کوچکترین تزلزلی مالکیت اشتراکی و لغو کار مزدی را برقرار کنند.

۱۱. رساله یعقوب

باب دوم

۵ ای برادران عزیز گوش دهید، آیا خدا فقیران اینجهانرا برنگزیده است تا دولتمندان در ایمان و وارث آن ملکوتی که به مسحبان خود وعده فرموده است شوند. ۶ لکن شما فقیر را حقیر شمرده اید آیا دولتمندان بر شما ستم نمیکنند و شما را در محکمه ها نمیکشند. ۷ آیا ایشان بآن نام نیکو که بر شما نهاده شده است کفر نمیگویند. ۸ اما اگر آنشریعت ملوکانه را برحسب کتاب بجا آورید یعنی همسایه خود را مثل نفس خود محبت نما نیکو میکنید. ۹ لکن اگر ظاهر بینی کنید گناه میکنید و شریعت شما را بخطاکاری ملزم میسازد. ۱۰ زیرا هر که تمام شریعترا نگاه دارد و در یک جزو بلغزد ملزم همه میباشد. ۱۱ زیرا او که گفت زنا مکن نیز گفت قتل مکن پس هر چند زنا نکنی اگر قتل کردی از شریعت تجاوز نمودی. ۱۲ همچنین سخن گوئید و عمل نمائید مانند کسانی که بر ایشان داوری بشریعت آزادی خواهد شد. ۱۳ زیرا آن داوری بیرحم خواهد بود بر کسیکه رحم نکرده است و رحم بر داوری مفتخر میشود. ۱۴ ای برادران من چه سود دارد اگر کسی گوید ایمان دارم وقتی که عمل ندارد آیا ایمان میتواند او را نجات بخشد. ۱۵ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد. ۱۶ و کسی از شما بدیشان گوید سلامتی بروید و گرم و سیر شوید لیکن

مایحتاج بدن را بدیشان ندهد چه نفع دارد. ۱۷ همچنین ایمان اگر عمل ندارد در خود مرده است.

۲۶ زیرا چنانکه بدن بدون روح مرده است همچنین ایمان بدون اعمال مرده است.

* این هم اعترافی است به زبان ساده که یکی از کشیشان از اعمال جنایتکارانه مسیحیان در آن دوران نمود.

باب پنجم

۱ هان ای دولتمندان بجهت مصیبت‌هاییکه بر شما وارد می‌آید گریه و ولوله نمائید. ۲ دولت شما فاسد و رخت شما بید خورده میشود. ۳ طلا و نقره شما را زنگ می‌خورد و زنگ آنها بر شما شهادت خواهد داد و مثل آتش گوشت شما را خواهد خورد، شما در زمان آخر خزانه اندوخته اید. ۴ اینک مزد عمله‌هاییکه کشته‌های شما را درویده اند و شما آنرا بفریب نگاه داشته اید فریاد برمی‌آورد و ناله‌های دروگران بگوشه‌های ربّ الجنود رسیده است. ۵ بر روی زمین به ناز و کامرانی مشغول بوده دل‌های خود را در یوم قتل پروردید. ۶ بر مرد عادل فتوی دادید و او را بقتل رسانیدید و با شما مقاومت نمی‌کند. ۷ پی‌ای برادران تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید اینک دهقان انتظار میکشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر میکند تا باران اولین و آخرینرا بیابد. ۸ شما نیز صبر نمائید و دل‌های خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است. ۹ ای برادران از یکدیگر شکایت مکنید مبادا بر شما حکم شود، اینک داور بر در ایستاده است. ۱۰ ای برادران نمونه زحمت و صبر را بگیرید از انبیائیکه بنام خداوند تکلم نمودند. ۱۱ اینک صابرانرا خوشحال می‌گوئیم و صبر ایوبرا شنیده‌اید و انجام کار خداوند را دانسته‌اید زیرا که خداوند بغایت مهربان و کریم است. ۱۲ لکن اول همه ای برادران من قسم مخورید نه بآسمان و نه بزمین و نه به هیچ سوگند دیگر بلکه بلی شما بلی باشد و نی شما نی مبادا در تحکم بیفتید. ۱۳ اگر کسی از شما مبتلای بلائی باشد دعا بنماید و اگر کسی خوشحال باشد سرود بخواند. ۱۴ و هر گاه کسی از شما بیمار باشد کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را بنام خداوند بروغن تدهین کنند. ۱۵ و دعای ایمان مریضرا شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد از او آمرزیده خواهد شد. ۱۶ نزد یکدیگر بگناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد. ۱۷ الیاس مردی بود صاحب حواس مثل ما و بتمامی دل دعا کرد که باران نبارد و تا مدت سه

سال و شش ماه نبارید. ۱۸ و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را رویانید. ۱۹ ای برادران من اگر کسی از شما از راستی منحرف شود و شخصی او را باز گرداند. ۲۰ بداند هر که گناهکار را از ضلالت راه او برگرداند جانیرا از موت رها کرده و گناهان بسیار را پوشانیده است.

* آقا یعقوب کشیش صالح پس از برشمردن جنایات یک سری توصیه های صبر و حوصله به زحمتکشانش نمود و توصیه های اخلاقی به کشیشان جانی میکند، یعنی دعا کنند تا اعمال جنایتکاری آنان که با همکاری زمینداران و مالداران صورت گرفته بود شاید «بخشوده شود». کشیش ها و آخوندهای امروزی نیز به مردم در مقابل جنایاتی که خودشان جزو شریک و همدستان سرمایه داران هستند دعا کردن را توصیه میکنند تا شاید روزی «خداوند» برای نجاتشان بیاید. این هم کلام «خداوند»: مبارزه تا برقراری کامل مالکیت اشتراکی و لغو کار مزدی!

۱۲. رساله اول پطرس رسول

باب سوم

۱ همچنین ای زنان شوهران خود را اطاعت نمائید تا اگر بعضی نیز مطیع کلام نشوند سیرت زنان ایشانرا بدون کلام دریابد. ۲ چونکه سیرت طاهر و خداترس شما را بینند. ۳ و شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس. ۴ بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاست. ۵ زیرا بدینگونه زنان مقدسه در سابق نیز که متوکل بخدا بودند خویشتنرا زینت مینمودند و شوهران خود را اطاعت میکردند. ۶ مانند ساره که ابراهیم را مطیع میبود و او را آقا میخواند و شما دختران او شده اید اگر نیکوئی کنید و از هیچ خوف ترسان نشوید. ۷ و همچنین ای شوهران با فطانت با ایشان زیست کنید چون با ظروف ضعیفتر زنانه و ایشانرا محترم دارید چون با شما وارث فیض حیات نیز هستند تا دعاهاى شما باز داشته نشود. ۸ خلاصه همه شما یک رای و همدرد و برادر دوست و مشفق و فروتن باشید.

* اینهم دروغ از نوع دروغهای کشیشی و آخوندی. «ساره» مطیع ابراهیم نبود بلکه برعکس ابراهیم از او اطاعت میکرد تا جایی که وقتی کنیز خودشان را فراری داد ابراهیم به ساره

هیچ نگفته بود، رجوع شود به «سفر پیدایش» (باب شانزدهم). یکی از دلائلی که این فاکتها را بازنویسی کردم این است که تا چهره واقعی یک عده «انسان دوست» که تحت عنوان «کمونیست» «برابری طلب» یعنی «سوسیال مسیحی» باز هم یعنی وقتی که در جریان عمل قرار گیرند مانند کشیشان گذشته و حال و آخوندها جنایت خواهند کرد، باصطلاح علیه دستورات محمد (ببخشید!) «اسلام سیاسی» حمله ور میشوند بدون اینکه کوچکترین حمله ای به مذهب مسیحی یا بطور کلی مذاهب نمایند. در صورتی که زن ستیزی را مسیحیان فرموله کردند. هنوز هم در اروپای «مدرن» و «سکولار» شما طلاق گرفتن ممنوع است نتنها این بلکه به زن همچون برده ای نگاه میکنند که نتنها برده خاندار بلکه بردگی بیرون خانه را هم به آن اضافه کردن. بفرمائید بروید کمی به واقعیات نگاه کنید یعنی رجوع کنید به مدارک نه اینکه از اربابانتان پول بگیرید و شب روز مزخرف بگوئید.

خوانندگان محترم! به دیگر دروغهای این رسولان (مسیحی) نیز ملاحظه فرمائید! چند نمونه از آنها را بازنویسی میکنم.

۱۳. مکاشفه یوحنا رسول

باب اول

۱ مکاشفه عیسی مسیح که خدا باو داد تا امور را که میباید زود واقع شود بر غلامان خود ظاهر سازد و بوسیله فرشته خود فرستاده آنرا ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا.

۴ یوحنا به هفت کلیسائیکه در آسیا هستند فیض و سلامتی بر شما باد از او که هست و بود و میآید و از هفت روح که پیش تخت وی هستند. ۵ و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخستزاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است، مراورا که ما را محبت مینماید و ما را از گناهان ما بخون خود شست. ۶ و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال و توانائی باد تا ابدالآباد آمین. ۷ اینک با ابرها میآید و هر چشمی او را خواهد دید و آنانیکه او را نیزه زدند و تمامی امتهای جهان برای وی خواهند نالید، بلی آمین. ۸ من هستم الف ویا، اول و آخر میگوید آن خداوند خدا که هست و بود و میآید قادر علی الاطلاق. ۹ من یوحنا که برادر شما و شریک در مصیبت و ملکوت و صبر در عیسی مسیح هستم بجهت کلام خدا و شهادت عیسی مسیح در جزیره مسمی بیطمس شدم. ۱۰ و در روز خداوند در روح شدم و از عقب خود آوازی بلند چون صدای صدر شنیدم. ۱۱ که میگفت من الف ویا و اول و آخر هستم، آنچه میبینی در کتابی بنویس و آنرا به هفت کلیسائیکه در

آسیا هستند یعنی به افسس و اسمیرنا و پَرغامس و طیانیرا و ساردس و فیلاذلفیه بفرست. ۱۲ پس رو برگردانیدم تا آن آوازیرا که با من تکلم مینمود بنگرم و چون رو گردانیدم هفت چراغدان طلا دیدم. ۱۳ و در میان هفت چراغدان شبیه پسر انسانرا که ردای بلند دربر داشت و بر سینه وی کمربندی طلا بسته بود. ۱۴ و سر و موی او سفید چون پشم مثل برف سفید بود و چشمان او مثل شعله آتش. ۱۵ و پایهایش مانند برنج صیقلی که در کوره تابیده شود و آواز او مثل صدای آبهای بسیار. ۱۶ و در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری دو دمه تیز بیرون میآمد و چهره اش چون آفتاب که در قوتش میتابد. ۱۷ و چون او را دیدم مثل مرده پیش پایهایش افتادم و دست راست خود را بر من نهاده گفت ترسان مباش، من هستم اول و آخر و زنده. ۱۸ و مرده شدم و اینک تا ابدالابد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است. ۱۹ پس بنویس چیزهائیرا که دیدی و چیزهائیکه هستند و چیزهائیرا که بعد از این خواهند شد. ۲۰ سر هفت ستاره را که در دست راست من دیدی و هفت چراغدان طلا را، اما هفت ستاره فرشتگان هفت کلیسا هستند و هفت چراغدان هفت کلیسا میباشند.

* بهر حال عیسی به یک تشکر ناقابل بخاطر پادشاه کردن آن یازده نفر زنده نیاز داشت که آقا یوحنا که مطالب بامزه نسبت به بقیه رفقای خود نوشت نثار عیسی کرد. گویا عیسی قول داده بود که شخص نجات دهنده ای بعد از او میآید منتها سروکله اش پیدا نشده بود و به همین دلیل آقا یوحنا به مرور زمان قاطعی کرده بود و شروع کرد به داستانویسی. «هفت ستاره» در «دست راست». «شمشیر دو دمه تیز» در «دهان». و بعد هم با همان دست راستی که ستاره را حمل میکرد گذاشت بر او و گفت «ترسان مباش، من هستم اول و آخر و زنده.» یعنی با آن شمشیر در دهان حرف هم میزد. به حق چیزهای نشنیده.

باب دوم

۱۲ و بفرشته کلیسای در پَرغامس بنویس، اینرا میگوید او که شمشیر دو دمه تیز را دارد. ۱۴ لیکن بحث کمی برتو دارم که در آنجا اشخاصیرا داری که متمسکند بتعلیم بلعام که بالاآرا آموخت که در راه بنی اسرائیل سنگی مصادم بیندازد تا قربانیهای بتها را بخورند و زنا کنند. ۱۵ و همچنین کسانیرا داری که تعلیم نقولویانرا پذیرفته اند. ۱۶ پس توبه کن والا بزودی نزد تو میآیم و بشمشیر زبان خود با ایشان جنگ خواهم کرد. ۱۷ آنکه گوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میگوید و آنکه غالب آید از من مخفی بوی خواهم داد و سنگی

سفید باو خواهم بخشید که بر آن سنگ اسمی جدید مرقوم است که احدی آنرا نمیداند جز آنکه آنرا یافته باشد. ۱۸ و بفرشته کلیسای در طیاتیرا بنویس اینرا میگوید پسر خدا که چشمان او چون شعله آتش و پایهای او چون برنج صیقلی است. ۱۹ اعمال و محبت و خدمت و ایمان و صبر ترا میدانم و اینکه اعمال آخر تو بیشتر از اول است. ۲۰ لکن بحثی بر تو دارم که آن زن ایزابل نامی را راه میدهی که خود را نبیّه میگوید و بندگان مرا تعلیم داده اغوا میکند که مرتکب زنا و خوردن قربانیهای بتها بشوند. ۲۱ و باو مهلت دادم تا توبه کند اما نمیخواهد از زناي خود توبه کند. ۲۲ اینک او را بر بستری میاندازم و آنانیرا که با او زنا میکنند به مصیبتی سخت مبتلا میگردانم اگر از اعمال خود توبه نکنند. ۲۳ و اولادشرا بقتل خواهم رسانید آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که منم امتحان کننده جگرها و قلوب و هر یکی از شما را برحسب عمالش خواهم داد.

۲۶ و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد او را بر امته قدرت خواهم بخشید. ۲۷ تا ایشانرا بعصای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه های کوزه گر خورد خواهند شد چنانکه من نیز از پدر خود یافته ام. ۲۸ و باو ستاره صبح را خواهم بخشید. ۲۹ آنکه گوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میگوید.

* می بینید که کشیش ها تنها در کلیساها نیستند بلکه برای فریب دادن مردم حتی کارگردان شرکت فیلم سازیهای همچون هالی وود (Hollywood) هم هستند و فیلم های به اصلاح «مدرن» ولی بعاریت گرفته از انجیل میسازند.

باب سوم

۱۴ و به فرشته کلیسای در لاودکیه بنویس که اینرا میگوید آمین و شاهد امین و صدیق که ابتدای خلقت خداست. ۱۵ اعمال ترا میدانم که نه سرد و نه گرم هستی، کاشکه سرد بودی یا گرم. ۱۶ لهذا چون فاتر هستی یعنی نه گرم و نه سرد ترا از دهان خود قی خواهم کرد. ۱۷ زیرا میگوئی دولت مند هستم و دولت اندوخته ام و بهیچ چیز محتاج نیستم و نمیدانیکه تو مستمند و مسکین هستی و فقیر و کور و عریان. ۱۸ ترا نصیحت میکنم که زر مصفی بآتشرا از من بخری تا دولت مند شوی و رخت سفید را تا پوشانیده شوی و ننک عریانی تو ظاهر نشود و سرمه را تا بچشمان خود کشیده بینائی یابی. ۱۹ هر کرا من دوست میدارم توبیخ و تادیب مینمایم پس غیور شو و توبه نما.

۲۲ هر کس گوش دارد بشنود که روح بکلیساها چه میگوید.

* آیا «روح» زر فروش هم بود؟ یا منظور آقا یوحنا به رفیق کشیش خود است که با تهدید میخواست مجبورش کند که «زر»ی را که بدست آورده بود (البته با زحمات زیاد کشیشانه) بخرد چونکه نتوانسته بود بخاطر گرانی «زر مصفی» برایش مشتری پیدا کند. و تنها مشتری میتوانست رفیق خودش که «دولتمند» است باشد.

باب چهارم

۱ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه در آسمان باز شده است و آن آواز اولرا که شنیده بودم که چون کزنا با من سخن میگفت دیگر باره میگوید باینجا صعود نما تا اموریرا که بعد از این باید واقع شود بتو بنمایم. ۲ فی الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده. ۳ و آن نشیننده در صورت مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که بمنظر شباهت بزمرد دارد. ۴ و گرداگرد تخت بیست و چهار تخت است و بر آن تختها بیست و چهار پیر که جامه سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرین. ۵ و از تخت برقها و صداها و رعدها برمیآید و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا میباشند. ۶ و در پیش تخت دریائی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس بچشمان پر هستند. ۷ و حیوان اول مانند شیر بود و حیوان دوم مانند گوساله و حیوان سیم صورتی مانند انسان داشت و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده. ۸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد گرداگرد و درون بچشمان پر هستند و شبانه روز باز نمایستند از گفتن قدوس قدوس قدوس خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و میآید.

باب پنجم

۶ و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران بره چون ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که بتمامی جهان فرستاده میشوند. ۱۱ و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرور و هزاران هزار بود. ۱۲ که باآواز بلند میگویند مستحق است بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و توانائی و اکرام و جلال و برکترا بیابد. ۱۳ و هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست و آنچه در آنها میباشد شنیدم که میگویند تخت نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانائی باد تا ابدالاباد. ۱۴ و چهار

حیوان گفتند آمین و آن پیران بروی درافتادند و سجده نمودند.

باب ششم

۵ و چون مهر سیم را گشود حیوان سیمرا شنیدم که میگوید بیا (و ببین) و دیدم اینک اسبی سیاه که سوارش ترازویی بدست خود دارد. ۶ و از میان چهار حیوان آوازی را شنیدم که میگوید یک هشت یک گندم بیک دینار و سه هشت یک جو بیک دینار و بروغن و شراب ضرر مرسان.

۹ و چون مَهر پنجمرا گشود در زیر مذبح دیدم نفوس آنانیرا که برای کلام خدا و شهادتیکه داشتند کشته شده بودند. که بآواز بلند صدا کرده میگفتند ای خداوند قدوس و حق تا بکی انصاف نمینمائی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمیکشی. ۱۱ و بهر یکی از ایشان جامه سفید داده شد و بایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نمایند تا عدد همقطاران که مثل ایشان کشته خواهند شد تمام شود.

باب هشتم

۱ و چون مهر هفتم را گشود خاموشی قریب بنیم ساعت در آسمان واقع شد. ۲ و دیدم هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده اند که ایشان هفت کرتا داده شد.

۵ پس آن فرشته مجمر را گرفته از آتش مذبح آنرا پر کرد و بسوی زمین انداخت و صداها و رعدها و برقها و زلزله حادث گردید. ۶ و هفت فرشته که هفت کرنا را داشتند خود را مستعد نواختن نمودند. ۷ و چون اولی بنواخت تگرگ و آتش با خون آمیخته شده واقع گردید و بسوی زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته شد. ۸ و فرشته دوم بنواخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ بآتش افروخته شده بدریا افکنده شد و ثلث دریا خون گردید. ۹ و ثلث مخلوقات دریائیکه جان داشتند بمردند و ثلث کشتیها تباہ گردید.

۱۲ و فرشته چهارم بنواخت و بثلث آفتاب و ثلث ماه و ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنها تاریک گردید و ثلث روز و ثلث شب همچنین بینور شد. ۱۳ و عقابیرا دیدم و شنیدم که در وسط آسمان میپرد و بآواز بلند میگوید وای وای بر ساکنان زمین بسبب صداها و دیگر کرنای آن سه فرشته که میباید بنوازند.

باب نهم

۱ و چون فرشته پنجم نواخت ستاره را دیدم که بر زمین افتاده بود و کلید چاه هاویه بدو داده

شد. ۲ و چاهِ هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت.

۱۳ و فرشته ششم بنواخت که ناگاه آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلائی که در حضور خداست شنیدم. ۱۴ که بآن فرشته ششم که صاحب کرنا بود میگوید آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته اند خلاص کن. ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین مهیا شده اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند خلاصی یافتند. ۱۶ و عدد جنود سواران دویست هزار هزار بود که عدد ایشانرا شنیدم. ۱۷ و باینطور اسبان و سواران ایشانرا در رؤیا دیدم که جوشنهای آتشین و آسمانجونی و کبریتی دارند و سرهای اسبان چون سر شیران است و از دهانشان آتش و دود و کبریت بیرون میآید. ۱۸ از این سه بلاء یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان برمیآید ثلث مردم هلاک شدند. ۱۹ زیرا که قدرت اسبان در دهان و دم ایشان است زیرا که دمهای آنها چون مارهاست که سرها دارد و بآنها اذیت میکنند. ۲۰ و سائر مردم که باین بلایا کشته نگشتند از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها و بتهای طلا و نقره و برنج و سنگ و چوبرا که طاقت دیدن و شنیدن و خرامیدن ندارند ترک کنند. ۲۱ و از قتلها و جادوگریها و زنا و دزدیهای خود توبه نکردند.

باب دهم

۱ و دیدم فرشته زورآور دیگر را که از آسمانها نازل میشود که ابری دربر دارد و قوس قزحی بر سرش و چهره اش مثل آفتاب و پایهایش مثل ستونهای آتش. ۲ و در دست خود کتابچه گشوده دارد و پای راست خود را بر دریا و پای چپ خود را بر زمین نهاد. ۳ و باواز بلند چون غرش شیر صدا کرد و چون صدا کرد هفت رعد بصداهای خود سخن گفتند. ۱۰ پس کتابچه را از دست فرشته گرفته خوردم که در دهانم مثل عسل شیرین بود ولی چون خورده بودم درونم تلخ گردید. ۱۱ و مرا گفت که میباید تو اقوام و امتهای زیانها و پادشاهان بسیار را نبوت کنی.

باب دوازدهم

۱ و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد، زنی که آفتابرا دربر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. ۲ و آبستن بوده از درد زه و عذاب زائیدن فریاد برمیآورد. ۳ و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتشگون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر. ۴ و دمش ثلث ستارگان آسمانرا کشیده آنها را بر

زمین ریخت و اژدها پیش آنزن که میزائید بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد.
۱۷ و اژدها بر زن غضب نموده رفت تا با باقی ماندگانِ ذریت او که احکام خدا را حفظ میکنند و شهادت عیسی را نگاه میدارند جنگ کند.

* چرا اژدهای بیچاره بچه را قبل از زایمان زن نمی خورد؟ لابد خیلی بزرگ بودند؟

باب چهاردهم

۳ و در حضور تخت و چهار حیوان و پیران سرودی جدید میسرایند و هیچکس نتوانست آن سرود بیاموزد جز آنصد و چهل و چهار هزار که از جهان خریده شده بودند. ۴ اینانند آنانیکه با زنان آلوده نشدند زیرا که باکره هستند و آنانند که بره را هر کجا میروند متابعت میکنند و از میان مردم خریده شده اند تا نویر برای خدا و بره باشند. ۵ و در دهان ایشان دروغی یافت نشد زیرا که بیعیب هستند.

۱۸ و فرشتهٔ دیگر که بر آتش مسلط است از مذبح بیرون شده باآواز بلند ندا در داده صاحب داس تیز را گفت داس تیز خود را پیش آور و خوشه های موی زمینرا بچین زیرا انگورهایش ریسه است. ۱۹ پس آن فرشته داس خود را بر زمین آورد و موهای زمینرا چیده آنرا در چرخشت عظیم غضب خدا ریخت. ۲۰ و جرخشترای بیرون شهر به پا بیفشردند و خون از چرخشت تا بدهن اسبان به مسافت هزار و ششصد تیر پرتاب جاری شد.

باب نوزدهم

۱۷ و دیدم فرشتهٔ را در آفتاب ایستاده که باآواز بلند تمامی مرغانیرا که در آسمان پرواز میکنند ندا کرده میگوید بیائید و بجهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. ۱۸ تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها و سواران آنها و گوشت عمکنانرا چه آزاد و چه غلام چه صغیر و چه کبیر.

باب بیست و دوم

۸ و من یوحنا این امور را شنیدم و دیدم و چون شنیدم و دیدم افتادم تا پیش پایهای آن فرشتهٔ که این امور را بمن نشان داد سجده کنم. ۹ او مرا گفت زنهار نکنی زیرا که همخدمت با تو هستم و با انبیاء یعنی برادرانت و با آنانیکه کلام این کتابرا نگاه دارند، خدا را سجده کن. ۱۰ و مرا گفت کلام نبوت این کتابرا مَهر مکن زیرا که وقت نزدیک است. ۱۱ هر که

ظالم است باز ظلم کند و هر که خبیث است باز خبیث بماند و هر که عادل است باز عدالت کند و هر که مقدس است باز مقدس بشود. ۱۲ و اینک بزودی میآیم و اجرت من با من است تا هر کسیرا بحسب اعمالش جزا دهم. ۱۳ من الف ویا و ابتداء و انتهاء و اول و آخر هستم. ۱۴ خوشابحال آنانیکه رختهای خود را میشویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و بدروازهای شهر درآیند. ۱۵ زیرا که سکان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بتپرستان و هر که دروغ را دوست دارد و بعمل آورد بیرون میباشند. ۱۶ من عیسی فرشته خود را فرستادم تا شما را در کلیساها بدین امور شهادت دهم، من ریشه و نسل داود و ستاره درخشنده صبح هستم. ۱۷ و روح و عروس میگویند بیا و هر که میشنود بگوید بیا و هر که تشنه باشد بیاید و هر که خواهش دارد از آب حیات بیقیمت بگیرد. ۱۸ زیرا هر کسرا که کلام نبوت این کتابرا بشنود شهادت میدهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید خدا بلائی مکتوب در این کتابرا بر وی خواهد افزود. ۱۹ و هرگاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهاییکه در این کتاب نوشته است منقطع خواهد کرد. ۲۰ او که بر این امور شاهد است میگوید بلی، بزودی میآیم، آمین، بیا ای خداوند عیسی. ۲۱ فیض خداوند ما عیسی مسیح با همه شما باد آمین.

* امیدوارم از خنده روده بر نشده باشید. سعی کردم تا جایی که ممکن است مطالب را کوتاه بازنویسی کنم ولی طوری که مضمون را بیان کند. آقای یوحنا با این نوشته های خود به هر چه آدم دروغگو و داستانبویس گفت زکی. ضرب المثلی است میگوید: «هر چه دروغ بزرگتر باشد باور کردنش آسانتر است»، اما نشنیده بودیم بگویند: دروغ به این بزرگی! اینهم بخشی از سخنان «رسولان خدا» بود که بعد از عیسی آمدند و کشیشها و آخوندها سنگشان را خیلی محکم به سینه میزنند. بیچاره آدمها! گوئی این رسولان یادشان رفته بود که یهوه قسم خورده بود که بعد از «نوح» دیگر آدمها را بطور کامل ازبین نبرد. نکته دیگر اینکه آقا یوحنا با تهدید اعلام کرد که کسی حتی یک کلمه این دروغها را از جایش تکان ندهد. باشد پذیرفته شد ولی در هر صورت «خداوند» یا نماینده او که بدون کوچکترین مشکلی میتوانند از «کلام این نبوت چیزی کم» کنند یا بیفزایند یا نقد و بررسی و یا تجزیه و تحلیل کنند. بهر حال قضاوت را بعهدہ خوانندگان واگذار میکنم. تبلیغ خداپرستی چه نیازی به این همه دروغگویی داشت؟ آقای یوحنا و امثالهم بزرگترین دروغها را میگویند ولی از مردم میخواهند دروغ نگویند. به چه دلیل کارگران و زحمتکششان به سرمایه داران و دم و دستگاه دولتی و غیر دولتی شان دروغ نگویند؟ نظام سرمایه داری با دروغگویی، دزدی، غارتگری،

قتل و استثمار سرمایه داران و نوکران جیره خوارشان پابرجاست. حال از کارگران و زحمتکشان تقاضا دارید «دروغ» نگویند. مبارزه علیه نظام سرمایه داری در جهت برقراری مالکیت اشتراکی و لغو کار مزدی مرز ندارد و ما همه اشکال مبارزه را بلااستثناء برسمیت می‌شناسیم. اگر فردی چیزی برای خوردن و پوشیدن و غیره ندارد بایستی آنها را بطریقی تهیه کند. او راهی سریعتر جز «دزدی» کردن (گرچه سرمایه داران و نوکرانشان دزدی مینامند) ندارد. البته از مال سرمایه داران و نوکرانشان گرفتن به هیچوجه دزدی نیست بلکه آنان به نام خود انبار میکنند و مردمی که چیزی ندارند از انبار برداشت میکنند. در یک کلام کور شوند بنام خود انبار یا پس انداز نکنند. آیا اطلاع ندارید در یک کشور باصطلاح «پیشرفته» و «مدرن» (جامعه مدرن جامعه ایست که نتنها در آن پلیسی وجود ندارد بلکه نه مالکیت خصوصی وجود دارد نه زندان و زندانی نه اینکه در ازاء هر ۵ نفر یک نفر پلیس آنها با بکارگیری تمامی امکانات کنترلی موجود وجود داشته باشد. پلیس هایی که از ترسشان حتی مخرجشان را هم می بندند که اتفاقی برایش نیافتد (با عرض معذرت از پلیسهایی که فقط بخاطر درآمد این «شغل» یعنی نوکری سرمایه داران را برگزیدند)) که کمتر از ۱۰ میلیون جمعیت دارد حداقل یک میلیون قرص «آرام بخش» مصرف میکنند و حداقل یک میلیون زیر خط فقر به نسبت هزینه های همین کشور (سوئد) وجود دارد؟ ما درآمد افراد را بنا به موقعیت شغلی افرادی که درآمدی «بالا تر» از خط فقر دارند نمی سنجم بلکه بر مبنای افرادی که مشغول کار کردن هستند ولی با درآمد کم مشغول کاراند و بیکاراند حال به هر دلیلی مشغول بکار نیستند (دانشجویان، بیکاران، بیماران، بازنشستگان، زندانیان و غیره) میسنجم زیرا اصولاً باید مبنا را بر درآمد بیکاران و کم درآمدها قرار داد. در صورتی که در همین کشور طبق آمار محققین خودشان شرکتهای سرمایه داران داخلی سالانه چند میلیارد دلار سود میبرند، جدا از آن ریخت و پاشها و درآمد بالایی که سران شرکتهای دارند. حال از کارگران و زحمتکشان طلب میکنید: «دزدی مکن» چونکه «گناه» دارد، ولی برای سرمایه داران و نوکرانشان دزدی کردن «گناه» ندارد! واقعاً عجبا. به هر حال با عرض معذرت از مسیحیانی که این مزخرفات یعنی انجیل را نخوانده اند ولی مدعی اند که مسیحی هستند باید عرض کنم که بی دلیل نیست که اکثر مسیحیانی که انجیل را خوانده اند مانند مسلمانانی که مزخرفات آخوندها را خوانده و یا شنیده اند و میپذیرند دچار بیماری روانی هستند.

بنابراین ما اعلام میکنیم:

ممنوعیت کامل آموزش افراد زیر ۱۸ سال توسط کشیشان، آخوندها و گروههای مذهبی!

کسانی که فرزندان خود را به اماکن مذهبی بفرستند مانند این را می ماند که فرزندان خود

را برای آموزش دادن در اختیار افراد روانی سپردند. بطور کلی آموزش دادن افراد توسط کشیشان و آخوندها و گروه های مذهبی بایستی جرم جنائی محسوب شود نه اینکه در کشورهای «مدرن» و «سکولار» شما تمامی و بهترین امکانات را در اختیار کشیشان با اونیفورم و بدون اونیفورم و آخوندها باز هم با اونیفورم و بدون اونیفورم به بهانه «آزادی بیان و مذهب» قرار دهند ولی حتی برای یک لحظه هم تحمل حرفهای اتحادیه مارکسیستها را نداشته باشند و شب و روز با تمام نیروی کشوری و بین المللی علیه آن اقدام کنند که البته بدون پاسخ نگذاشته ایم و نمی گذاریم. در ازاء سر سوزنی علیه اتحادیه مارکسیستها اقدام کردن ضربات ترلیونی بزرگتر زدن پاسخ ما خواهد بود. تا زمانی که این حیوانات زنده اند و آدم نشوند حتی یک لحظه خوش نخواهند دید بلکه باید دائماً در ترس و وحشت بسر ببرند. راه علاج آدم شدنشان است و باید این را نشان دهند یعنی مطالبات و خواستههای اتحادیه مارکسیستها را اجرا کنند. حال جرأت دارید به اعمال جنایتکاریتان ادامه دهید!

در خاتمه تجزیه و تحلیل و بررسی تورات و انجیل عرض کنم که ما تا پایان دوره موسی «احکام» یافتیم ولی هیچ حکم دیگری پس از وفات موسی در تورات و انجیل نیافتیم. ولی در دوره محمد احکام جدید ارائه شد.

* اسناد از:

کتاب مقدس یعنی کتب
عهد عتیق، عهد جدید
که از زبانهای اصلی عبرانی و کلدانی
و یونانی ترجمه شده است
و بهمت انجمن پخش کتب مقدسه
در میان ملل بچاپ رسید

The Holy Bible in Persian

Reproduced by photography from the Edition of 1904

63 P

1993 - 4M

۲. سوره بقره در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۲۸۶ آیه:

و مژده ده ای پیغمبر کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکار شدند بیقین آنها راست باغهایی که جاری است در آنها نهرهای آب و چون روزی دهند آنها را از میوه های بهشت (روزی آماده) گویند (مؤمنین) این مانند آن میوه هائی است که دادند ما را پیش از این (در دنیا) و هر میوه و خوردنی بر آنان بیاورند بیکدیگر مانند است و ایشانرا در بهشت جفتهای پاک و پاکیزه است و در آن بهشت همیشه جاوید خواهند زیست (۲۵).

و گفتیم که ای آدم تو با جفت خود در بهشت رایگان و بی زحمت جای گزینید و بخورید از اطعمه بهشت از هر چه میخواهید و نزدیک نشوید باین درخت (گندم یا سیب) که (اگر نزدیک این درخت شوید) از جمله ستمکاران خواهید بود (۳۵) پس شیطان آدم و حوا را بلغزش افکند و خوردند از آن درخت (گندم) و بدین عصیان هر دو را از آن (بهشت پر نعمت) بیرون کرد و گفتیم به (آدم و حوا) فرود آئید از بهشت که برخی از شما برخی را دشمنید و شما را در زمین آرامگاه و آسایش خواهد بود تا روز مرگ (۳۶).

و ایمان آورید به قرآن که فرستادم در حالتی که آن قرآن (توراة) شما را تصدیق می کند و نباشید اول کافر بآن (قرآن) و نفروشید آیات مرا ببهائی اندک و از قهر من پرهیزید (۴۱).

* به هر حال جای یک سؤال باقی است. آیا باغ در «بهشت» است یا «بهشت» در باغ؟ آقا محمد در افسانه «سفر پیدایش» که به «باغ» افسانه ای که «آدم و حوا» در آن میزیستند و بر روی زمین قرار داشت اشاره شد آن را تبدیل کرد به «بهشت» افسانه ای و گفت «آدم و حوا» در آن میزیستند. در صورتیکه به هیچوجه در «سفر پیدایش» مطلبی در مورد «بهشت» زیرزمینی یا رو زمینی نوشته نشد. و سپس در «بهشت» افسانه ای «باغ» را هم در کنار نهرهای آب، زوجهای پاک و پاکیزه، شراب و غیره قرار داد. مشاهده شد که محمد زیرکانه باغ افسانه ای که در روی کره زمین بود و باصطلاح «آدم و حوا» در آن میزیستند را به «بهشت» افسانه ای برای پیش بردن اهدافش تبدیل کرده است. در واقع او «جهنم» عیسی را که فقط در آن آتش وجود داشت تکمیل کرد، ضمن اینکه در «جهنم» عیسی نیز ابزارهای جدیدی برای مجازات کردن «گناه کاران» قرار داد. بنابراین باید به مردم گفته میشد که اگر پس از مردن جزایی هست پاداشی هم از طرف «خدا» وجود دارد که

مکانی برای «نیکو کاران» است.

من از یهوه سؤال کردم که چرا چنین کردی یا به محمد چنین چیزی گفتی، جواب داد: این تازه اول کار بود. بخش زیادی از مسائل مطرح شده را به محمد طوری گفتم که تا اهدافم که ازین بردن بت پرستی و برده داری بود پیش ببرم وگرنه غیرممکن بود. این یک نمونه ای است که در واقع برای شروع جنگ محمد با مذهب جدید (اسلام) علیه یهودیان و مسیحیان بود. زیرا یهودیان به «جهنم» و «بهشت» هیچ اعتقادی ندارند بخاطر اینکه در تورات هیچ مطلبی در مورد «جهنم و بهشت» وجود ندارد. و مسیحیان «بهشت» را قبول ندارند زیرا آنان «ملکوت آسمان» را قبول دارند. بنابراین در اینجا دو اختلاف بزرگ بوجود آوردم، اول اینکه محمد حرفهای مرا قبول داشت تا حرفهای یهودیان و مسیحیان را. از طرف دیگر یهودیان و مسیحیان تورات و انجیل را قبول داشتند، در نتیجه به محمد میگفتند که این چیزهایی که شما مطرح میکنی در تورات و انجیل نوشته نشده اند. چگونه میگویید که اینها را «خدا» گفته در صورتی که در تورات و انجیل وجود ندارند. بهمین دلیل آنان محمد را دروغگو خطاب میکردند و محمد آنان را. در واقع زمینه «جنگ» برای پیش بردن اهدافم چیدم که نهایتاً بوقوع پیوست، البته در اکثر مواقع به محمد کمک کردم مگر در شرایطی که او خیلی خوشحال میشد و مزخرف میگفت. بعنوان مثال محمد و پیروانش در جنگ (بدر) پیروز شدند ولی او اعلام کرده بود که «۳۰۰۰ فرشته» به مسلمان کمک کردند. این یک دروغ آشکار و بضرر او بود زیرا مسلمان میگفتند ما جنگیدیم و هیچ فرشته ای هم ندیدیم، پس محمد دروغ میگوید و در ثانی سست میشدند زیرا میگفتند اگر فرشتگان میجنگند دیگر نیازی به جنگیدن ما نیست. و از آنجایی که دیگر از این دروغها نگوید کاری کردم که در جنگ بعدی (احد) آنچنان شکستی خورد که برای مدتی به غار پناه برد. ازینرو اکثر آن مطالبی که در قرآن آمده است گفته های «(وحی)» من (یهوه) است برای پیش بردن اهدافم که توسط محمد مطرح میشد ولی بعد از فوت محمد هر اتفاقی که افتاد من هیچ نقشی نداشتم. بنابراین یهوه عزیز ما پاسخ خود را بطور کامل و روشن مطرح کرد، یعنی با تاکتیکهای جدید وارد میدان مبارزه شده بود. چونکه تاکتیکهای قبلی (مذهب یهودی و مسیحی) دیگر کاربردی علیه بت پرستی و برده داری در آن منطقه نداشتند.

و (بیاد آرید) هنگامی که نجات دادم شما را از ستم فرعونیان که از آنها در شکنجه سخت بودید تا بآن حد که پسرهای شما را میکشند و زنانتان را برای کنیزی می گذاشتند و در این سختی بلا و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان میآزمود (۴۹) بیاد آرید وقتی را که

(برای نجات شما از ستم فرعونیان) دریا را شکافتیم و فرعونیان را (در آن) غرق کردیم و شما (حال غرق و هلاک آنانرا) مشاهده می کردید (۵۰) و یاد آرید وقتی را که بموسی (برای نزول تورا) چهل شب وعده دادیم پس (در غیبت او) شما گوساله پرستی اختیار کردید و ستمکار و بیدادگر شدید (۵۱) پس بخشیدیم شما را وا گذاشتیم از گناه شما بعد از چنین کار زشت که شاید (از این ببعد) سپاس (و شکر نعمت) خدا بجای آرید (۵۲).

* در اینجا نیز محمد به مسائلی اشاره میکند که هم واقعی است و هم دروغ. در نتیجه یهودیها میگفتند او دروغ میگوید. احتمالاً چیزی شنیده ولی ماجرا طور دیگری بود. بعنوان مثال اولاً بخاطر گوساله یا بت درست کردن حداقل سه هزار نفر از قوم اسرائیل کشته شدند و گذشته از این یهوه اعلام کرده بود که بعداً نیز از گناه کاران انتقام میگیرم و خبری از «بخشش» دربین نبود، درثانی همه قوم اسرائیل بت درست نکرده بودند. ولی محمد در قرآن همه را متهم به «گوساله پرستی» کرد. و بخاطر این نوع دروغ ها یا اراجیفگویی یهودیها را بیشتر عصبانی میکرد. و آنچه که بیشتر از همه چیز روان یهودیان را میریخت بهم این بود که محمد پس از این همه دروغ گفتن ها با کمال افتخار به یهودیان میگفت شما دروغگو هستید. استدلال محمد: «شما بهتر می دانید یا خدا». بیچاره محمد نمیدانست که در واقع خود اوست که دروغ میگوید.

«و (یاد آرید) وقتی را که به موسی اعتراض کردید که ما بیک نوع طعام صبر نخواهیم کرد بخواه از خدای خود که بیرون بیاورد از برای ما نباتاتی که از زمین برمی آید (مانند) از خیار و سیر و عدس و پیاز موسی گفت آیا میخواهید غذای بهتری که دارید به پست تر از آن تبدیل کنید حال که تقاضای شما این است فرود آئید بشهر مصر که از برای شما هر چه خواستید مهیا است (و مقدر و حتم شد بر یهود چون چنین رفتار کردند ذلت و خواری و مسکنت و گرفتاری و بر خود گرفتند یهود غضب و خشمی از خداوند) چون باز خودسری کردند بر آنها خواری و مذلت ضرور و مقدر گردید و بخشم خدا دوباره گرفتار شدند چون به آیات خدا کافر گشتند و انبیاء را بنا حق کشتند و راه نافرمانی و ستمکاری پیش گرفتند (۶۱) محققاً هر مسلمان و یهود و نصاری و ستاره پرست که از روی حقیقت ایمان بخدا و روز قیامت آورد و عمل شایسته کند از جانب پروردگار با جروشواب رسند و هیچگاه (در دنیا و عقبی) بیمناک و اندوهگین نخواهند بود (۶۲).

* می بینید در اینجا نیز بخاطر دروغ‌گویی از جمله «انبیاء را بناحق کشتند» و «موسی گفت فرود آئید بشهر مصر»، یهودیان بیشتر تحریک شدند. اصلاً به جز موسی انبیایی در کار نبود تا یهودیان آنان را «بناحق» بکشند.

و بعضی عوام یهود که چیزی نیاموخته و نوشتن نتوانند و تورا را جز آمال و آرزوی باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و پندار بیهوده خویشند (۷۸) پس وای بر آنکسانی که (چیزی بنام) کتاب (تورا) از پیش خود نوشته آنگاه بخدای متعال نسبت میدهند تا آنرا ببهای اندک (و متاع ناچیز دنیا) بفروشند پس وای بر آنها از آنچه نوشته و آنچه بدان کسب میکنند (۷۹).

* می بینید محمد در اینجا کاملاً واضح یهودیان را متهم به فروش تورات دروغین بقیمت ارزان میکند و حتی یهودیان را تهدید میکند. البته واقعاً محمد خبر از وقایع نداشت و تصور می کرد که آن توراتی که به او نشان میدهند جعلی است و بخاطر همین با اطمینان کامل این مطالب را مطرح میکرد زیرا «وحی» از طرف «خدا» بود.

آری هر کس اعمالی زشت اندوخت و کردار بد باو احاطه نمود چنین کس اهل دوزخ است و در آن آتش بعذاب جاوید گرفتار باشد (۸۱) و آنهایی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند آنان اهل بهشتند و در بهشت جاوید همیشه متنعم خواهند بود (۸۲) و یاد آرید هنگامی را که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که بجز خدای را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و بزبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز بپای دارید و زکوة مال خود بدهید پس شما (طایفه یهود) عهد شکسته و روی گردانیدید بجز چند نفری و شمائید که از حکم و عهد خدا برگشتید (۸۳).

* او پس از ترساندن یهودیان، برای ترساندن مردم از خشم «خدا» یا «الله»، آنان را دعوت به راه «اسلام» یعنی کمک به فقرا، یتیمان و پرداخت زکات میکند که چنین مردمانی از نعمات در «بهشت» «الله» برخوردار میگردند.

سپس با این عهد و اقرار باز شما بهمان خوی زشت اسلاف خود می باشید که خون یکدیگر می‌ریزید و گروه ضعیف را از دیار خود بیرون می‌کنید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان

کمک و پشتیبان یکدیگر هستید و هرگاه اسیرانی بگیرید برای آزادی آنها فدیة می طلبید در صورتی که بحکم (توراة اخراج کردن آنان تا چه رسد بقتل آنها) محققاً شما را حرام خواهد بود چرا ببرخی از احکام کتاب (توراة که بنفع شما است) ایمان آورده و به بعضی دیگر کافر می شوید پس جزای چنین مردم بدکردار چیست بجز ذلت و خواری در زندگی این جهان و سخت ترین عذاب در روز قیامت و خدا غافل از کردار شما نیست (۸۵) اینان همان کسانی که متاع (دو روزه) دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند پس در آخرت عذاب آنها (اندک) تخفیفی نیابد و هیچکس بآنها یاری نخواهد کرد (۸۶) و هر آینه بموسی کتاب (توراة) را عطا نمودیم و از پی او پیغمبران (دیگر) فرستادیم و عیسی پسر مریم را بمعجزات و ادله روشن حجت ها دادیم و او را به روح القدس قوت و توانائی بخشیدیم آیا هر پیغمبری که از طرف خدا دستوری برخلاف هوای نفس شما آرد از راه حسد گروهی را تکذیب نموده و جمعی را بقتل میرسانید (۸۷) و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا بسوی آنها آمد که تصدیق (توراة) کتاب آنها را میکرد و با آنکه پیش (از بعثت پیغمبر(ص) و نزول قرآن آنان) خود بظهور او امید فتح و نصرت داشتند بر آنکسانی که کافر (به آمدن پیغمبر آخرالزمان) بودند پس چون آمد آن پیغمبر و شناختند (که این همان پیغمبر موعود است) بکفر از نعمت وجود او ناسپاسی کردند که خشم خدا بر کافران باد (۸۹) و چون بقوم یهود گفتند ایمان آورید بقرآنیکه خدای فرستاده پاسخ دادند که ما (بتوراتیکه) بجهت ما نازل شده ایمان آوردیم و بغیر (توراة) کافر میشوند در صورتیکه قرآن حق است و تصدیق میکند کتاب آنها را بگو (ای پیغمبر(ص) اگر شما در دعوی ایمان (بتوراة) راستگو بودید چرا میکشتید پیغمبران گذشته را (۹۱) و هر آینه موسی برای شما معجزاتی آورد (آشکار) آنگاه شما گوساله پرستی اختیار کردید که سخت نابکار و ستمگر مردمید (۹۲).

ای اهل ایمان (هنگام تکلم با پیغمبر) بکلمه را عنا تعبیر مکنید (مگوئید از ما رعایت کن) بلکه بگوئید ما را در نظر دار (لفظ را عنا بزبان یهود ناسزا بود) این سخن را بشنوید (که هر کس سخن خدا را از راه عناد نشنود کافر شود) و بدانید که کافران بعذاب دردناک گرفتار خواهند شد (۱۰۴) کافران اهل کتاب و مشرکین هرگز مایل نیستند که شما (اهل ایمان) از رحمت خدا بهره مند شوید (لیکن خدا هر که را خواهد بفضل و رحمت خویش مخصوص گرداند) و خدا صاحب فضل عظیم است (۱۰۵) هر چه از آیات قرآنرا نسخ کنیم یا حکم آنرا متروک سازیم بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم آیا مردم نمیدانند که خدا بر هر چیز قادر است (۱۰۶) آیا نمی دانند که پادشاهی آسمانها و زمین مختص خداوند است و شما را بجز خدا یار و یآوری نخواهد بود (۱۰۷). و نماز بپا دارید و زکوة بدهید و بدانید که آنچه

برای خود پیش می فرستید در نزد خدا خواهید یافت بدرستی که خداوند بهر کار شما آگاه است (۱۱۰)

* او پس از تحریک و تهدید یهودیان مزد حرفهای خود را دریافت کرد، منتها آنان را محکوم کرد که این کارهایی که میکنید در تورات نوشته نشده است. در واقع یهوه کاری کرده بود که هرکاری که یهودیان میکردند به ضرر آنان تمام میشد. یعنی اگر کاری بکار محمد نمی داشتند عملاً بضررشان تمام میشد و اگر با او میجنگیدن باز به همین ترتیب بضررشان تمام میشد. بخاطر همین دائماً فکر راه حل خلاص شدن از دست محمد بودند ولی هر کاری میکردند نمی توانستند نجات پیدا کنند. و محمد بعداً برای کمک خواستن به سراغ مسیحیان رفت ولی آنان پاسخ مثبت ندادند، یعنی از این گفته محمد که اعلام کرده بود عیسی را یهودیان کشتند تحریک نشدند. و بعد از این ماجرا تبلیغات علیه مسیحیان را نیز شروع کرد.

ای پیغمبر ما تو را بحق فرستادیم که مردم را بسعدت بهشت مژده دهی و از عذاب جهنم بترسانی و تو مسئول کافران که براه جهنم رفتند نیستی (۱۱۹) هرگز یهود و نصاری از تو راضی و خشنود نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آئین آنها کنی (چنانچه بتو اظهار آن کنند) بگو ای پیغمبر راهیکه خدا بنماید یقین راه حق تنها همانست و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را بیقین دریافتی دیگر اصلاً خدا یار و یاور تو نخواهد بود (۱۲۰).

بیاد آر هنگامیکه خداوند ابراهیم را باموری چند امتحان فرمود و او همه را بجای آورد خدا بدو گفت من ترا به پیشوائی خلق برگزینم ابراهیم عرض کرد این پیشوائی را بفرزندان من نیز عطا فرمائی فرمود (آری اگر صالح و شایسته آن باشند) که عهد من هرگز بمردم ستمکار نخواهد رسید (۱۲۴) و بیاد آر هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن (و مرجع امر دین خلق) و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را (از بت بپردازید) و از هر پلیدی پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان بطواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا بجای آرند (۱۲۵) و چون ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و روزی اهلش را که بخدا و روز قیامت ایمان آوردند فراوان گردان (خداوند خواهش ابراهیم را اجابت کرد) و فرمود هر که با وجود این نعمت سپاس نگذاشت و راه کفر پیمود گرچه او را در دنبال اندکی بهرمند کنم لیکن در آخرت ناچارش معذب بآتش دوزخ گردانم که مکان سخت

ناگواراست (۱۲۶) و وقتیکه ابراهیم و اسمعیل دیوارهای خانهٔ مکه را برافراشتند و عرض کردند پروردگارا این خدمت از ما قبول فرما توئی که دعای خلق را اجابت کنی و باسرار همه دانائی (۱۲۷) ابراهیم و اسماعیل عرض کردند پروردگارا دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را هم به تسلیم و رضای خود بدار و راه پرستش و طاعت را بما بنما و بر ما (وظیفه بندگی را) سهل و آسان گیر که تنها توئی بخشنده و مهربان (۱۲۸) پروردگارا فرزندان ما را شایسته آن گردان که برانگیزی از میان آنان رسولی که بر مردم تلاوت آیات تو کند و آنانرا علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشانرا از هر نادانی و زشتی پاک و منزه سازد توئی که (در همه عالم) هر کار خواهی بر آن قدرت و علم کامل داری (۱۲۹) هیچکس از آئین پاک ابراهیم روی نگرداند بجز ناکس و مردم بیخرد زیرا ما ابراهیم را در دنیا بشرف رسالت برگزیدیم و البته در آخرت هم از شایستگان است (۱۳۰) آنگاه گرامی گردید که خداوند باو فرمود ای ابراهیم سر بفرمان خدا فرود آور عرض کرد مطیع فرمانم (۱۳۱) ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود راجع به تسلیم بودن در فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند (بدینگونه) که ای فرزندان خدا شما را بآئین پاک برگزید پیوسته از آن آئین پیروی کنید و تا گاه جانسپردن الا تسلیم رضای خدا نباشید (۱۳۲) شما کی و کجا بودید هنگامیکه یعقوب را مرگ در رسید و بفرزندان خود گفت که شما پس از مرگ من کرا می پرستید گفتند خدای ترا و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اوئیم (۱۳۳) آن گروه که در گذشتند هر کار نیک و بد کردند برای خود و شما هم هر چه کنید برای خویش خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود (۱۳۴) یهود و نصاری به مسلمانان گفتند که به آئین ما در آئید تا راه راست یافته و طریق حق پوئید بگو ای پیغمبر در جواب آنها که ما دین اسلام را که آئین ستوده ابراهیم است پیروی میکنیم که پاک و منزه از شرک است (۱۳۵) بگوئید که ما مسلمین ایمان بخدا آورده ایم و به آنکتابی که بر پیغمبر ما فرستادند و به آنچه بر پیغمبران گذشته چون ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او و موسی و عیسی فرستادند و بهمه آنچه پیغمبران از جانب خدا آوردند (بهمه عقیده مندیم) و میان هیچیک از پیغمبران فرق نگذاریم و بهر چه از جانب خداست گرویده و تسلیم فرمان او هستیم (۱۳۶) پس اگر به آنچه شما ایمان آوردید یهود و نصاری نیز ایمان آورند راه حق یافته اند و اگر از حق روی بگردانند و آئین شما نپذیرند شک نیست که آنها بخلاف حق یعنی بر باطل خواهند بود شما دل قوی دارید که خداوند از شر و آسیب آنها شما را نگاه میدارد چه او دعای اهل ایمان میشنود و بحال همه آگاه است (۱۳۷).

* می بینید که چه دروغ های شاخرداری تحویل یهودیان و مسیحیان در مورد خاندان ابراهیم و موسی و عیسی داد. آیا فکر می کنید یهودی و مسیحی میتوانستند تحمل کنند؟ در آن دوران هیچ مذهبی وجود نداشت چه رسد به دین اسلام. ولی محمد در بندهای ۱۳۵ و ۱۳۶ اعلام میکند که «در جواب آنها که ما دین اسلام را که آئین ستوده ابراهیم است پیروی میکنیم» و غیره.

دیگر اینکه محمد در قرآن نوشت: «هنگامی که قرار دادیم خانه کعبه را محل امن (و مرجع امر دین خلق) و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را (از بت پردازید) و از هر پلیدی پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان بطواف و اعتکاف حرم بیایند» و «وقتیکه ابراهیم و اسمعیل دیوارهای خانه مکه را برافراشتند» (بندهای ۱۲۵-۱۲۸). اولاً زمانی که یهوه با ابرام ارتباط برقرار کرد خاندان او بت پرست بودند. دوماً مکه کجا، منطقه «کلدانیان» که مابین دو رودخانه دجله و فرات در نزدیکی کویت قرار داشت و یا «کنعان» (منطقه اورشلیم) کجا. در مورد محل سکونت خاندان ابرام و اعتقادات آنان قبل از ارتباط یهوه با ابرام رجوع شود به: «سفر پیدایش» «باب یازدهم» بندهای ۲۲-۳۲ و «باب دوازدهم» بندهای ۱-۱۰ و همچنین «صحیفه یوشع بن نون» «باب بیست و چهارم» بندهای ۱-۵). درضمن بیشتر از ۱۱۰۰ کیلومتر از هر دو منطقه با مکه فاصله است. کدام یهودی و مسیحی میتوانستند دروغهای به این بزرگی را قبول کنند. یهوه عجب نقشه جانانه ای برای یهودیان و مسیحیان کشیده بود. آنان میبایستی یک جنگ تمام عیار را با محمد بپذیرند. بیچاره یهودیان و مسیحیان کاری به کار کسی نداشتند فقط دارای غلامان و کنیزان بودند و مشغول چپاول کردن و داشتند کار و زندگی خودشان را میکردند که ناگهان یهوه محمد را بجانشان انداخت و چرتشان را پاره کرد.

در اینجا بندهای ۴-۷ «باب دوازدهم» از «سفر پیدایش» بازنویسی میشود: ۴ پس ابرام چنانکه خداوند بدو فرموده بود روانه شد و لوط همراه وی رفت و ابرام هفتاد و پنج ساله بود هنگامیکه از حران بیرون آمد. ۵ و ابرام زن خود سارای و برادرزاده خود لوط و همه اموال اندوخته خود را با اشخاصی که در حران پیدا کرده بودند برداشته بعزیمت زمین کنعان بیرون شدند و بزمین کنعان داخل شدند. ۶ و ابرام در زمین میگشت تا مکان شکیم تا بلوطستان موره و در آن وقت کنعانیان در آن زمین بودند. ۷ و خداوند بر ابرام ظاهر شده گفت بذریت تو این زمین را می بخشم و در آنجا مذبحی برای خداوند که بر وی ظاهر شد بنا نمود.»

بنابراین این اولین محلی است که ابرام برای یهوه کبابخانه یا «مذبح» ساخت. این محل با

«خانه کعبه» بیش از ۱۱۰۰ کیلومتر فاصله دارد. از این گذشته در این تاریخ ابرام بچه نداشته است و اسماعیل که اولین فرزند ابرام با کنیز اوست مدتها بعد از ارتباط یهوه با ابرام متولد شد که ابرام در آن زمان هشتاد و شش ساله بود (رجوع شود به: «سفر پیدایش») (باب شانزدهم). آیا هنوز هم فکر میکنید محمد حق بجانب بود؟ آیا یهودیان و مسیحیان جز جنگیدن با او راه حل دیگری داشتند؟ یهوه عزیز عجب زمینه چینی ای برای جنگیدن با محمد را آماده کرده بود.

بگو ای پیغمبر باهل کتاب که شما را با ما در موضوع خدا چه جای بحث و جدال است در صورتیکه او پروردگار ما و شما است و ما مسئول کار خود و شما مسئول کردار خویش هستید چیزیکه هست مائیم تنها ملتی که خدا را بیکتائی شناخته و او را از روی خلوص پرستش میکنیم (۱۳۹) یا اگر شما اهل کتاب در موضوع انبیا با مسلمین بجدل برخاسته و گوئید که ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او بر آئین یهودیت بودند یا نصرانیت (خدا مرا فرماید که در جواب) بگو که شما بهتر میدانید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه شهادت خدا را درباره این انبیا کتمان کند و خدا غافل از آنچه میکنید نیست (۱۴۰) هر کسی را راهی است بسوی حق (یا قبله ایست در دین خود) که بدان راه یابد و بآن قبله روی آورد پس بشتابید بخیرات و عبادات که هر کجا باشید همه شما را خداوند بعرضه محشر خواهد آورد محققاً خدا بر هر چیز قادر و تواناست (۱۴۸) و از هر کجا و بسوی هر دیار بیرون شدی (ای پیغمبر) روی بطرف کعبه آور چون این دستور قبله بر وجه ثواب و بامر خدا است و خداوند از کار شما غافل نیست (۱۴۹).

* مشاهده کردید که چگونه او با تعجب پس از این همه دروغ که فقط اسامی افراد درست هستند، در جواب آنان گفت: «شما بهتر می دانید یا خدا» (بند ۱۴۰). درضمن نه یهودیان و نه مسیحیان هیچ کدام دارای «قبله» نبودند. موسی در حین کوچ کردن فوت کرد و عیسی نیز به شاگردانش گفت برای تبلیغ در مناطق دیگر پخش شوید.

نیکوکاری بدان نیست که روی بجانب مشرق و مغرب کنید چه این چیز بی اثری است (این آیه رد بر یهود و نصاری است) لیکن نیکوکار کسی است که بخدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آرد و دارائی خود را در راه دوستی خدا بخویشاوندان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم خود را در آزاد کردن بندگان

صرف کند و نماز بپا دارد و زکوة مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختیها صبور و شکیبا باشد و بوقت رنج و تعب صبر پیشه کند کسانیکه بدین اوصاف آراسته اند آنها بحقیقت راستگویان (عالم) و آنها پرهیزکارانند (۱۷۷).

* دروغهای محمد کم بود که آخوندها هم در داخل پراوتز دروغ به قرآن اضافه کردند. او نیز مثل عیسی سنت شکن شده بود. عیسی میگفت آیا هر کسی پوست سر «قلفه اش» بریده باشد یهودیست یا آنکه اگر کسی دروغ نمی گوید، دزدی و قتل نمیکند؟ محمد به مرور زمان شروع کرد به اصل ماجرا پرداختن یعنی اینکه نماز خواندن اصل نیست بلکه «دارائی خود را در راه دوستی خدا بخویشاوندان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم خود را در آزاد کردن بندگان صرف کند» (و زکوة مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند) است.

ای اهل ایمان برای شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد را در مقابل و بنده را بجای بنده و زن را بزن قصاص توانید کرد و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد بدون دیه یا بگرفتن دیه کاریست نیکو پس دیه را قاتل در کمال رضا و خوشنودی ادا کند در اینحکم تخفیف و آسانی امر قصاص و رحمت خداوندی است پس از این دستور هر که از آن سرکشی کند (و بقاتل ظلم و تعدی روا دارد) او را عذاب سخت خواهد بود (۱۷۸) و قصاص برای حیوة شما است ای خردمندان تا مگر از قتل یکدیگر پرهیزید (۱۷۹) دستور داده شد که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان بقدر متعارف اینکار سزاوار مقام پرهیزکاران است (۱۸۰)

ای اهل ایمان بر شما هم روزه داشتن فرض گردید چنانکه امم گذشته را نیز فرض شده و این دستور برای آنستکه شما پرهیزکار شوید (۱۸۳) روزهائی بشماره معین روزه دارید (تمام ماه رمضان) و هر کس از شما مریض باشد یا مسافر بشماره آن از روزههای غیر ماه رمضان روزه دارد و کسانیکه توانند روزه داشت بزحمت و مشقت عوض هر روز فدا دهند آنقدر که فقیر گرسنه ای سیر شود و هرکس بر نیکی بیفزاید این بسی بهتر است برای او و بی تعلل روزه داشتن شما را بهتر خواهد بود اگر (فوائد بی شمار این عمل را) بدانید (۱۸۴). حلال شد برای شما در شبهای ماه رمضان مباشرت با زنان خود که آنها جامه ستر و عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید و خدا چون دانست که شما در کار مباشرت زنان بنافرمانی نفس خود

را در ورطه گناه می افکنید لذا از حکم حرمت (مواقع در شبهای رمضان) در گذشت و گناه شما را بخشید از اکنون در شب رمضان رواست که با زنها بحلال مباشرت کنید و از خداوند آنچه مقدر فرموده بخواهید و رواست که بخورید و بیاشامید تا آنگاه که خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد پس از آن روزه را بپایان رسانید تا اول شب و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت مکنید این احکام حدود دین خداست زنهار در آن راه مخالفت مپوئید خدا اینگونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید تا باشد که پرهیزکار شوند (۱۸۷).

* همانطور که مشاهده کردید او در این قسمت از «سوره بقره» احکام جزائی و ارثیه را مطرح کرد که در تورات نیز نوشته شد. ولی روزه گرفتن در مذهب یهودی و مسیحی اینچنین نیست. این آئین جدید را محمد برای مشخص شدن زمان خوردن مطرح کرد.

مال یکدیگر را بناحق مخورید و کار را به محاکمه قاضیان نیفکنید که بوسیله رشوه و زور پاره مال مردم را بخورید با اینکه شما بطلان دعوی خود را می دانید (۱۸۸) ای پیغمبر (ص) از تو سؤال کنند که سبب بدر و هلال ماه چیست جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است و نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار بخانه درآئید چه اینکار ناشایسته است (قبل از اسلام چون کسی برای حج محرم می شد از درب خانه اش وارد نمی شد تا حش تمام شود این آیه آمد) نیکوئی آنستکه پارسا باشید و بهرکار از راه آن داخل شوید و تقوی پیشه کنید باشد که رستگار شوید (۱۸۹). از مال خود در راه خدا انفاق کنید لیکن نه بحد اسراف و خود را بمهلکه (خطر و بیچارگی) نیفکنید و نیکوئی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۱۹۵) ای پیغمبر از تو سؤال کنند در راه خدا چه انفاق کنیم بگو هر آنچه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و فقیران و راه گذران رواست و هر نیکوئی کنید خدا بر آن آگاه است (۲۱۵).

ای پیغمبر از تو از حکم شراب و قمار میپرسند بگو در این دو کار گناه بزرگی است و سودهائی ولی زیان گناه آن بیش از منفعت آنست و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند جواب ده آنچه زائد بر ضروری زندگانی است خدا بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند باشد که تفکر کنید و عقل بکار بندید (۲۱۹) با زنان مشرک ازدواج مکنید مگر آنکه ایمان آرند و همانا کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از حسن او بشگفت آئید و زن بمشکران مدهید مگر آنکه ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از

آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش بشگفت آئید مشرکان شما را بآتش جهنم خوانند از راه جهل و ضلالت و خداوند ببهشت و مغفرت خود خواند از راه لطف و عنایت و خداوند برای مردم آیات خویش بیان فرماید باشد که هشیار و متذکر گردند (۲۲۱) سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان بگو آن رنجی است برای زنان در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید تا آنگاه که پاک شوند چون طهارت یافتند از آنجا که خدا دستور داده به آنها نزدیک شوید که همانا خدا آنانرا که پیوسته بدرگاهش توبه و انابه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آلایش را دوست می دارد (۲۲۲) زنان شما کشتزار شمایند پس برای کشت بدانها نزدیک شوید هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی (برای ذخیره آخرت) پیش فرستید و خداترس باشید و بدانید که محققاً نزد خدا خواهید رفت و ای رسول تو (به نعمتهای بهشت) بشارت ده اهل ایمان را (۲۲۳) آنانکه با زنان خود ایلاء کنند (یعنی سوگند خورند بر ترک مباشرت با آنها) چهار ماه انتظار کشند اگر بازگشتند (از قسم خود) خداوند آمرزنده و مهربانست (۲۲۶) و اگر عزم طلاق نمودند خداوند بگفتار و کردارشان شنوا و دانا است (۲۲۷) زناهاییکه طلاق داده شدند از شوهر نمودن خودداری کنند تا سه پاکی بر آنان بگذرد و حیض یا حملی که خدا در رحم آنها آفریده کتمان نکنند اگر بخدا و روز قیامت ایمان دارند و شوهران آنها در زمان عده حق دارند که آنها را بزنی خود باز رجوع دهند اگر که نیت خیر و سازش دارند (نه آزار و ناسازگاری) و زنان را نیز حقوقی است بر شوهران چنانچه شوهران را بر آنها حقوقی مشروع است لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود و خدا بر هر چیز توانا و بهمه امور عالم داناست (۲۲۸) طلاقیکه شوهر رجوع در آن تواند کرد دو مرتبه است پس چون طلاق داد یا رجوع و نگهداری زن کند بخوشی و سازگاری یا رها کند ببنیکی و خیراندیشی و حلال نیست که چیزی از مهر آنان بجور بگیرید مگر آنکه بترسید که حدود دین خدا را راجع باحکام ازدواج نگاه ندارند در چنین صورت زن هر چه از مهر خود بشوهر ببخشد روا باشد این احکام حدود دین خداست از آن سرکشی مکنید کسانیکه از احکام خدا سرپیچند آنها بحقیقت خود ستمکارانند (۲۲۹) پس اگر زن را طلاق (سوم) داد روا نیست که آنزن و شوهر دیگر بار رجوع کنند تا اینکه زن بدیگری شوهر کند اگر آن شوهر دوم زنا طلاق داد زن با شوهر اول که سه طلاق داده توانند بزوجیت باز گردند اگر گمان برند که از این پس احکام خدا را راجع به امر ازدواج نگاه خواهند داشت این است احکام خدا که برای مردم دانا بیان میکند (۲۳۰) هرگاه زنان را طلاق دادید بایستی تا نزدیک بی پایان زمان عده یا آنها را بخوشی و سازگاری نگاه دارید و یا به نیکی رها کنید و روا نیست که آنان را بآزار نگاه داشته تا بر آنها ستم کنید (یعنی تعدی بحقوق و کابین آنها کنید) هرکس چنین کند همانا ستم بر خود

کرده و آیات خدا را فسوس و سخریه نگیرید و بیاد آورید نعمت خدا را که بشما لطف فرمود و خصوص نعمت بزرگ کتاب آسمانی و حکمت الهی را که بشما فرستاد تا شما را به پند و اندرز آن بهرمند گرداند و خداترس باشید و بدانید که خدا بهمه چیز آگاهست (۲۳۱) و چون زنان را طلاق دادید و زمان عده آنان پایان رسید نباید که آنها را از شوهر کردن منع کنید هرگاه بطریق مشروع بازدواج با مردی تراضی کنند بدین سخن پند گیرد هر کس ایمان بخدا و روز باز پسین آورده این دستور برای تزکیهٔ نفوس شما بهتر و نیکوتر است چه آنکه خدا بمصلحت شما داناست و شما خیر و صلاح خود نمی دانید (۲۳۲) و مادران بایست دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند آنکس که خواهد فرزند را شیر تمام دهد و بعهدهٔ صاحب فرزند (یعنی پدر) است که خوراک و لباس مادر را بحد متعارف بدهد هیچکس را تکلیف جز باندازهٔ طاقت نکنند نباید مادر در نگهبانی فرزند بزبان و زحمت افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودکی متضرر شود و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در نگهداری او بمتعارف قیام کند (که ضرر بطفل نرسانند) و هرگاه زن و شوهر برضایت خاطر یکدیگر و مصلحت دید هم (بطلاق جدائی اختیار کنند) طلاق هر دو را رواست آنگاه اگر خواهند که مادران فرزندان را شیر دهند آن هم روا باشد در صورتیکه مادر را حقوقی بمتعارف بدهید و از خدا بترسید و بدانید که خدا از کردار شما آگاهست (۲۳۳) مردانیکه بمیرند و زنانشان زنده مانند آن زنان باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد پس از انقضاء این مدت بر شما گناهی نیست که آنان در حق خویش کاری شایسته نمایند (از زینت کردن و شوهر نمودن اگر کردارشان بخوبی و قانون شرع باشد) (یعنی با دیگری ازدواج کند) و خداوند از کردارشان آگاهست (۲۳۴) باکی نیست برای شما که بخواستگاری آنزنان برآئید یا نیت ازدواج را در دل پنهان دارید بدون هیچ اظهار تنها خدا داند که از این پس از دل بزبان خواهید آورد لیکن با آنها پنهان قرار و پیمانی نگذارید مگر آنکه سخنی بمیزان شرع گوئید ولی عزم عقد و ازدواج مکنید تا زمان عده آنها منقضی شود و بدانید که خداوند از نیت درونی شما آگاهست از او بترسید و بدانید که خدا آمرزنده و بردبار است (۲۳۵) باکی برای شما نیست اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته اید ولی آنها را بجیزی بهره مند سازید دارا بقدر خود و نادار بقدر خویش به بهره ای شایستهٔ او (این بخشش و بهره که بزنان دهید به نیکویی و خوبی باشد) که این سزاوار مقام نیکوکاران است (۲۳۶) و اگر زنها را طلاق دهید پیش از آنکه با آنها مباشرت کرده باشید در صورتیکه بر آنان مهر مقرر داشته اید بایستی نصف مهری را که معین نموده اید بآنها بدهید مگر آنکه آنها خود یا کسیکه امر نکاح بدست اوست یعنی (پدر و جد) گذشت کنند و اگر

درگذرند بتقوی و خداپرستی نزدیک تر است و فضیلت هائیکه در نیکوئی بیکدیگر است فراموش مکنید و بدانید که خداوند بهر کار نیک و بد شما آگاهست (۲۳۷) مردانیکه بمیرند و زنانشان باقی مانند وصیت کنند که آنها را تا یکسال نفقه دهند و از خانه شوهر بیرون نکنند پس اگر زنها خارج شوند شما را گناهی نیست از آنچه آنها درباره خود در حدود شرع بگزینند (یعنی از کسب و کار حلال و یا اختیار شوهر منعشان مکنید) و خدا بر هر کار توانا و بمصالح امور خلق داناست (۲۴۰) مردان زنانی را که طلاق دهند بچیزی بهرمنند کنند این کار سزاوار مردم پرهیزکار است (۲۴۱).

* شامل بخشی از احکامی بود که در تورات و انجیل وجود ندارند. در هر صورت مسئله این است که احکامی که او در مورد مسئله زنان مطرح کرد مربوط به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه آن دوران میباشد. نکته ای که باید به آن توجه شود مسئله «زنان شما کشتزار شماینند» میباشد (بند ۲۲۳). حتی اگر محمد (یهوه) این «آیه» را مطرح نمیکرد در عمل چنین بود، یعنی زنان سالانه حامله میشدند و زایمان داشتند. بنابراین در عمل این آیه چیزی را تغییر نداده بود. مسلماً او پاسخی به سئوال سئوال کنندگان را داده بود. بنظر میآید که اگر او این پاسخ را نمی داد زنان نتنها می بایستی خانه داری و بچه داری کنند بلکه میبایستی همچون مردان در بیرون خانه نیز مشغول کار کردن شوند. درنتیجه این پاسخ بار مضاعف در مضاعف را از دوش زنان آن دوران برداشت.

این پیغمبران را برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم بعضی با خدا سخن گفته و بعضی رفعت مقام یافته و عیسی پسر مریم را معجزات آشکار دادیم و او را بروح القدس نیرو بخشیدیم و اگر خدا میخواست پس از فرستادن پیغمبران و معجزات آشکار مردم (امم و ملل) با یکدیگر در مقام خصومت و خونریزی برنمی آمدند لیکن آنان برخلاف یکدیگر برخاستند که برخی ایمان آورده و بعضی کافر شدند و اگر خدا میخواست با هم برسر جنگ و نزاع نبودند و لیکن خدا بمصلحتی که داند هر چه مشیتش تعلق گیرد خواهد کرد (۲۵۳)

* این دیگر نیازی به توضیح ندارد بلکه حقیقتی است که یهوه هر کاری بخواهد بکند (اما نه همه کارها، فرضاً نمی تواند «آسمانها و زمین و همه لشگر آنها» را در عرض «شش روز» بسازد) در توانای اش است همانطور که بعد از اتمام کار، موسی را به بهانه ای «که شما در میان بنی اسرائیل نزد آب مرییا قادیش در بیابان صین بمن تقصیر نمودید چونکه مرا در میان

بنی اسرائیل تقدیس نکردید» (بند ۵۱ «سفر تشبیه») برداشت برد و بعد عیسی را برای اشاعه تورات نیرو بخشید و سپس برداشت برد و همچنین محمد را برای پیش بردن اهدافش انتخاب کرد، و تا پایان کارش همینطور ادامه خواهد داد. بنابراین هرچه زودتر «شریعت» اش یعنی «همانا من نان از آسمانها برای شما بارانم و قوم رفته کفایت هر روز را در روزش گیرند» (بند ۴ «سفر خروج») برقرار شود بهتر است، یعنی کمونیسیم در جوامع برقرار گردد.

آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند و در پی انفاق (بمستحقان) منتهی نگذارده و آزاری نکنند آنها را پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود و از هیچ پیش آمدی بیمناک نباشند و هرگز (در دنیا و عقبی) اندوهناک نخواهد بود (۲۶۲) بزبان خوش و طلب آمرزش فقیر سائل را رد کردن بهتر است تا آنکه صدقه دهند و از پی آن آزار کنند خداوند از (اطاعت و صدقه) خلق بی نیاز و بر (عصیان و بخل) آنان بردبار است (۲۶۳).

هر چه انفاق کنید و یا بنذر صدقه دهید همانا خداوند (ولی اگر در حق مسکینان ستم کنید) ستمکاران را در دو جهان یار و معینی نخواهد بود (۲۷۰) اگر بمستحقان انفاق صدقات آشکارا کنید کاری نیکوست ولی اگر در پنهانی به فقیران (آبرومند) رسانید نیکوتر است و خدا بیاداش آن گناهان شما را مستور دارد و خدا از آشکار و نهان شما آگاه است (۲۷۱).

آن کسانی که ربا خورند (از قبرها در قیامت) برنخیزند جز بماند آن که بوسوسه و فریب شیطان مخبط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت (ربا خوردن) اند که گویند هیچ فرق میان معامله تجارت و ربا نیست و حال آنکه خداوند تجارت را حلال کرده و ربا را حرام هر کس پس از آنکه پند و اندرز کتاب خدا بدو رسید از این عمل (ربا خوردن) دست کشد خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت کار او با خدای مهربان باشد و کسانی که از این کار دست نکشند آنان اهل جهنم اند و در آن جاوید معذب خواهند بود (۲۷۵) خداوند سود ربا را نابود گرداند و صدقات را افزونی بخشد و خدا دوست ندارد مردم سخت بی ایمان گنه پیشه را (که رباخوار و حریص و بخیلند) (۲۷۶) همانا آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز بپا دارند و زکوت بدهند آنان را نزد پروردگار پاداش نیکو خواهد بود و هرگز ترس از آینده و اندوه از گذشته نخواهند داشت (۲۷۷). پس اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که بجنگ خدا و رسول او برخاسته اید و اگر از اینکار پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست بکسی ستمی نکرده اید و ستمی نکشیده اید (۲۷۹) اگر از کسی که طلب کار هستید تنگدست شود بدو مهلت دهید تا توانگر گردد و اگر در هنگام تنگدستی برسم صدقه ببخشید (که عوض در آخرت یابید) برای شما بهتر است اگر (بمصلحت خود) دانا باشید (۲۸۰).

ای اهل ایمان چون بقرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین سند و نوشته در میان باشد و بایست نویسنده درست کاری معامله میان شما را بنویسد و از نوشتن ابا نکند که خدای به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد و مدیون امضاء کند و از خدا بترسد از آنچه مقرر شده چیزی نکاهد (و نیفزاید) و اگر مدیون سفیه و یا صغیر است و صلاحیت امضا ندارد ولی او بعدل و درستی امضا کند (یا نتواند اقرار کند) دو تن از مردان گواه آرید و اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن هر که را طرفین راضی شوند گواه گیرند که اگر یک نفر آنها فراموش کند دیگری را در خاطر باشد و هر گاه شهود را (بمجلس و یا بمحکمه بخوانند) امتناع از رفتن نکند و در نوشتن آن تاریخ معین مسامحه نکنید چه معامله کوچک و چه بزرگ باشد این درست تر است نزد خدا و محکمر برای شهادت و نزدیکتر باین که شک و ربیبی در معامله پیش نیاید که موجب نزاع شود مگر آنکه معامله نقد حاضر باشد که دست بدست میان شما برود در این صورت باکی نیست که ننویسید و هرگاه معامله کنید در آن گواه گیرید و نبایست بنویسنده و گواه (در حال و کارشان) ضرری رسد (و بی اجر مانند اگر چنین کنید نافرمانی کرده اید از خدا بترسید) نافرمانی حکم او نکنید خداوند بشما تعلیم مصالح امور کند و خدا بهمه چیز دانا است (۲۸۲). رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه بخدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و (گفتند) ما میان هیچیک از پیغمبران خدا فرق نگذاریم و همه یک زبان و یک دل (در قول و عمل) فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم پروردگارا ما آمرزش تو را میخواهیم و میدانیم که بازگشت همه بسوی تو است (۲۸۵)

* در مورد این احکام (بندهای ۲۶۲-۲۸۵) باید از سران رژیمهای اسلامی پاسخ خواست یعنی با اعمال خود مقایسه کنند.

۳. سوره آل عمران در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۲۰۰ آیه:

(آن خدائی) که قرآن بسوی تو برآستی فرستاد که دلیل راستی کتب آسمانی پیش از او باشد و (پیش از قرآن) کتاب تورا و انجیل را فرستاد (۳) برای هدایت مردم و کتاب (کامل) جدا کننده میان حق و باطل (قرآن) را فرستاد همانا آنانکه بآیات خدا (با اتمام حجت این کتب آسمانی باز) کافر شدند بر آنها عذاب سخت است و خدا قوی و تواناست و انتقام ستمکاران با اوست (۴). کافران را هرگز مال و فرزندانشان از عذاب خدا نرهاند و آنان خود برافروخته

آتش جهنمند(۱۰). همانا دین پسندیده نزد خدا آئین اسلام است و اهل کتاب در آن راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آن که بحقانیت آن آگاه شدند و این خلاف را از راه رشک و حسد در میان آوردند و هر کس به آیات خداوند کافر شود بترسد که محاسبه خدا زود خواهد بود(۱۹).

بدین سبب (مطیع حکم خدا نشوند) که (بخیال باطل خود) گویند که ما را هرگز در آتش جز اندک زمانی (هفت روز یا چهل روز که زمان گوساله پرستی آنها است) عذاب نکنند (و این سخنان باطل) آنها را در دین مغرور گردانیده که بدروغ بر خود بسته اند(۲۴) بگو ای پیغمبر(ص) اگر خدا را دوست می دارید مرا پیروی کنید که خدا شما را دوست دارد و گناه شما بخشد که خداوند آمرزنده و مهربانست(۳۱) بگو فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر از آنان روی گردانید (و کافر شوید) همانا خدا کافران را هرگز دوست نخواهد داشت(۳۲).

* استفاده از تاکتیکهای دوران عیسی، بندهای ۳۱ و ۳۲.

چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا ترا بکلمه ای که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است بشارت می دهد که او در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداست(۴۵) و با خلق در گهواره سخن گوید (بدانگونه) که در بزرگی و او از جمله نیکویان جهان است(۴۶) مریم عرض کرد پروردگارا مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آنکه با من مردی نزدیک نشده گفت چنین است کار خدا بی نیاز از هرگونه سببی است هر چه بخواهد (بدون اسباب) می آفریند چون مشیت او بخلقت چیزی قرار گیرد بمحض اینکه گوید موجود باش همان دم موجود شود(۴۷) و خداوند بعیسی تعلیم کتاب و حکمت کند و توریة و انجیل آموزد(۴۸).

پس چون عیسی بیقین دریافت که قوم ایمان نخواهند آورد گفت کیست که با من دین خدا را یاری کند حواریون (خواص شاگردان عیسی) گفتند ما یاری کنندگان دین خدائیم و ایمان بخدا آورده ایم گواهی ده که ما تسلیم فرمان اوئیم(۵۲). یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد و از همه کس خدا بهتر مکر تواند کرد(۵۴).

این داستان بحقیقت سخن حق است و جز آن خدای یکتا خدائی نیست و خداست که بر همه کار توانا و بهمه حقایق داناست(۶۲). ای اهل کتاب چرا در آئین ابراهیم با یکدیگر مجادله میکنید (که هر یک بخود نسبت میدهند او را) و حال اینکه فرستاده نشد توراة و انجیل مگر بعد از ابراهیم (بقرنها فاصله) آیا تعقل نمی کنید(۶۵) گیرم در آنچه میدانید شما را

مجادله روا باشد چرا در آنچه عالم نیستید باز جدل و گفتگو بمیان آورید و خدا همه چیز میداند و شما نمیدانید (باید از کتاب و پیغمبر او بیاموزید) (۶۶).
و گروهی از اهل کتاب گفتند که به دین و کتابی که برای مسلمانان نازل شده اول روز (بخدعه) ایمان آرید و آخر روز کافر شوید شاید بدین حيله آنها نیز از دین اسلام برگردند (۷۲).

بگو ای پیغمبر (ص) ما ایمان آورده ایم بخدای عالم و شریعت و کتابیکه بما نازل شده و آنچه بابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان نازل شد و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگار آمد بهمه ایمان آورده ایم فرقی میان هیچیک از پیغمبران خدا نگذاریم زیرا ما مطیع فرمان خدا هستیم (۸۴) هر کس غیر اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است (۸۵)

(بدانید) اول خانه ای که برای مکان عبادت خلق بنا شده همانخانه بکه است (بکه نام زمین کعبه و طواف گاه است چون محل ازدحام مردم است و مکه نام شهر است (آنخانه را خیر بسیار است برای مردم) که در آن برکت و هدایت است عالمیان را (۹۶) در آنخانه آیات ربوبیت هویدا است مقام ابراهیم خلیل است هر که در آنجا داخل شود ایمن باشد و مردم را حج و زیارت آنخانه واجب است بر هر کسی که توانائی یافته و بران راه یابد و هر که (بسبب انکار و جوب حج) کافر شود تنها بخود زیان رسانیده که خداوند از طاعت خلق بی نیاز است (۹۷).

ای کسانی که به دین اسلام گرویده اید اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب را کنید شما را بعد از ایمان بکفر برمیگردانند (۱۰۰)

* مشاهده نمودید که چگونه دروغ به ناف مسیحیان بست. راجع به تولد عیسی چیزهایی گفت که خود مسیحیان حاج و واج ماندند. راجع به «مکر» هم آیه نازل شد تا کاملاً یهودیان و مسیحیان را خاطر جمع کند که اگر علیه او حرف بزنند با این نوع دروغها روزگارشان را سیاه خواهد کرد. و به تناقضات بندهای ۸۴ و ۸۵ توجه کنید. هم به نعل می گوید هم به میخ. نکته ای که بسیار مهم است این است که یهوه گفت: «۳ ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد. ۴ صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمانست و از آنچه پائین در زمین است و از آنچه در آب زیر زمینست برای خود مساز. ۵ نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما زیرا من که یهوه خدای تو میباشم خدای غیور هستم که انتقام گناه پدرانرا از پسران تا پشت سیم و چهارم از آنانیکه مرا دشمن دارند می گیرم. ۶ و تا هزار پشت بر آنانیکه مرا دوست

دارند و احکام مرا نگاه دارند رحمت می کنم.» («تورات») «سفر خروج» (باب بیستم) و همچنین فرمود: «۲۳ با من خدایان نقره و خدایان طلا برای خود مسازید.» («سفر خروج»)، «باب بیستم»). این سخنان یهوه بعد از قرن‌ها وفات ابراهیم است و او هیچ اشاره‌ای به خانه یا «زیارت گاه» برای خود در مکه نمی‌کند، ولی محمد اعلام می‌کند که «اول خانه‌ای که برای مکان عبادت خلق بنا شده همان‌خانه بکه است» در مکه است. یعنی اینکه ابرام برای یهوه بخاطر «سجده» کردن ساختمان ساخت. در اینجا آقا محمد کاملاً درست فرموده بود منتها خانه کعبه اولین خانه عمومی بتها بود و آن را ابرام و اسماعیل نساخته بودند بلکه بت پرستان ساخته بودند و ابرام هم در مکه زندگی نمی‌کرد. «خانه کعبه» هیچ ربطی به یهوه ندارد حتی برای «قربانی گذراندن»، یعنی جمعی غذا صرف کردن چه رسد به «سجده کردن».

(ای رسول بیاد آر) آنگاه که بمؤمنین گفتی آیا خداوند بشما مدد نفرمود که سه هزار فرشته بیاری شما فرستاد (۱۲۴) بلی اگر شما صبر و ایستادگی در جهاد پیشه کنید و پرهیزکار باشید چون کافران بر سر شما شتابان و خشمگین بیایند خداوند پنج هزار فرشته را (با پرچی که نشان مخصوص سپاه اسلام است) بمدد شما فرستد (۱۲۵) خدا آن فرشتگانرا نفرستاد مگر برای آن که مژده فتح بشما دهند و دل شما را بنصرت خدا مطمئن کنند و فتح و فیروزی نصیب شما نگشت مگر از جانب خداوند توانای دانا (۱۲۶) تا گروهی از کافران را هلاک گرداند یا ذلیل و خوار کند که از مقصود خود (که از میان بردن اسلام و مسلمین است) ناامید باز گردند (۱۲۷).

از حکم خدا و رسول او فرمان برید باشد که مشمول رحمت و لطف خدا شوید (۱۳۲).

* اینهم دروغهای محمد در مورد جنگ اول. حال بینیم در جنگ دوم ۵۰۰۰ «فرشته» می‌آیند یا نه. البته بدون سفینه فضایی که نمی‌توانستند بیایند زیرا در خارج جو کارشان ساخته بود در نتیجه اگر قرار بود که به کمک مسلمانان بیایند می‌بایستی سفینه‌ای داشته باشند که حداقل به اندازه یک شهر بزرگ باشد یا با چندین سفینه مجزا به کره زمین سفر کنند.

اگر بشما (در جنگ احد) آسیبی رسید به دشمنان شما نیز (در بدر) شکست و آسیب سخت رسید چنانکه آنها مقاومت کردند شما نیز باید مقاومت کنید این روزگار را باختلاف میان خلائق میگردانیم که مقام اهل ایمان بامتحان معلوم شود تا از شما مؤمنان هر که ثابت در

دین است (مانند علی «ع»)) گواه دیگران کند و خداوند ستمکارانرا دوست ندارد (۱۴۰) و تا آنکه اهل ایمانرا از هر عیب و نقص پاک و کامل کند و کافرانرا به کیفر ستمکاری محو و نابود گرداند (۱۴۱) گمان میکنید ببهشت داخل خواهید شد بدون آنکه خدا امتحان کند و آنانکه جهاد در راه دین کرده و آنها که در سختی ها صبر و مقاومت کنند مقامشانرا معلوم گرداند (۱۴۲) شمائید که با کمال شوق آرزوی کشته شدن در راه دین میکردید پیش از آنکه دستور جهاد برای مسلمین بیاید پس چگونه امروز که بجهاد مأمور شدید سخت از مرگ نگران میشوید (۱۴۳) و محمد(ص) نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و از اینجهان درگذشتند اگر او نیز بمرگ یا شهادت درگذشت باز شما به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد پس هر که مرتد شود بخدا ضرری نخواهد رسانید خود را بزیان انداخته و هر کس شکر نعمت دین گذارد و در اسلام پایدار ماند البته خداوند جزای نیک اعمال بشکرگذاران عطا خواهد کرد (۱۴۴) ای اهل ایمان اگر پیروی کافران کنید شما را از دین اسلام باز بکفر برمیگردانند آنگاه شما هم از زیان کاران خواهید گشت (۱۴۹) (ای مسلمین) از کافران یاری مجوئید که خدا یار شماست و او بهترین یاری کنندگان است (۱۵۰) دل کافران را بیمناک و هراسان کنیم زیرا که چیزی را برای خدا شریک قرار دادند که اصلاً بر آن حقیقتی و دلیلی نبود و منزلگاه آنها آتش دوزخ است و بدا بآرامگاه ستمکاران (۱۵۱) آیا کسیکه بایمان در راه رضای خدا قدم بردارد مانند کسی است که بکفر راه غضب خدا پیماید که منزلگاه او جهنم است و بسیار بدجایگاهی است (۱۶۲) آیا هر گاه بشما مصیبتی رسد (در جنگ احد) در صورتیکه دو برابر آن آسیب بدشمنان رسید (در جنگ بدر) باز از روی تعجب گوئید چرا بما که اهل ایمانیم رنج رسد بگو ای پیغمبر(ص) این مصیبت از دست خود کشیدید که نافرمانی کردید نه آنکه خدا قادر بر نصرت شما نبود که ایزد متعال بر هر چیز تواناست (۱۶۵) آنچه در روز احد هنگام مقابله دو صف کارزار بشما رسید بقضای خدا و مشیت نافذ او بود تا آنکه بیازماید اهل ایمان را تا معلوم شود که ثابت قدم در ایمانست (۱۶۶) و تا نیز معلوم شود حال آنانکه در دین نفاق و دورویی کردند و چون به آنها گفته شد بیائید در راه خدا جهاد و یا دفاع کنید عذر آوردند که اگر ما بفنون جنگی دانا بودیم از شما تبعیت نموده و بکارزار می آمدیم اینان با آنکه دعوی مسلمانی دارند بکفر نزدیک ترند تا بایمان بزبان چیزی اظهار کنند که در دل خلاف آن پنهان داشته اند و خدا بر آنچه پنهان میدارند آگاه تر است (۱۶۷) آنکسانیکه گفتند اگر خویشان و برادران ما نیز سخنان ما را شنیده و بجنگ احد نرفته بودند کشته نمیشدند ای پیغمبر(ص) (بچنین منافق مردم) بگو پس شما (که برای حفظ حیات دیگران چاره توانید کرد) مرگ را از جان خود دور

کنید اگر راست میگوئید (۱۶۸) البته نپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده بحیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود (۱۶۹).

این سخنان شیطان است که می ترساند بدان دوستارانش را شما مسلمانان از آن بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید اگر اهل ایمان هستی (۱۷۵) ای پیغمبر (ص) تو اندوهناک مباش که گروهی براه کفر میشتابند آنها بخداوند هرگز زیان نرسانند (بلکه خود زیان کنند) و خدا میخواهد که آنانرا هیچ نصیبی در عالم آخرت نباشد و نصیبتشان عذاب سخت (دوزخ) خواهد بود (۱۷۶).

* خوانندگان حرفهای متناقض او را در مورد دو جنگ (بدر و احد) و قول پنج هزار فرشته که بعد از پیروزی در جنگ اول (بدر) را به پیروانش داده بود، ولی در جنگ احد خبری از آنان نبود را متوجه شدند. گویا محمد برای شکست خوردن میجنگید. و دیدم که چگونه حتی یک کلمه هم راجع به ۵۰۰۰ فرشته خیالی خود حرفی نزد بلکه شروع کرد به توجیه کردن شکست خودشان. بنابراین محمد در مورد جنگ «بدر» دروغ بزرگی گفته بود. ضروری بود که یهوه او را گوشمالی دهد تا حساب کار بیاید دستش. و در جنگ دوم آنچنان گوشمالی شده بود که برای مدتی به غار پناه برد و بعد از پیدا شدن سروکله اش برای مدتی مشغول توجیه کردن شکستشان برای پیروان زنده مانده خود بود.

پس ای پیغمبر اگر تو را تکذیب کردند غمگین مباش که پیغمبران پیش از تو را هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن بر آنها آوردند نیز تکذیب کردند (۱۸۴).

دنیا متاعی اندک است و پس از این جهان منزلگاه آنان جهنم است و چه بد آرامگاهیست (۱۹۷) لیکن آنانکه خداترس و یا تقوی شدند منزلگاهشان بهشتهائی است که در زیر درختانش نهرها جاریست و بهشت منزل جاودانی آنهاست در حالتیکه خدا بر آنها خوان احسان خود بگسترده و آنچه نزد خداست برای نیکان از هر چیز بهتر است (۱۹۸).

* این هم موقعیتی بود که محمد بعد از دروغ گفتن ها پیدا کرده بود. بالاخره مجبور شد آهسته آهسته تاکتیک های یهوه را بکار گیرد نه اینکه از خود دروغ بسازد و بگوید که «خدا» فرمود.

۴. سوره زنان در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۱۷۶ آیه:

اگر بترسید که مبادا در بارهٔ یتیمان مراعات عدل و داد نکنید پس آنکس از زنان را به نکاح خود آرید که مر شما را نیکو و مناسب با عدالت است دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نپیموده و بآنها ستم کنید پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید بآن اکتفا کنید که این نزدیکتر بعدالت و ترک ستمکاری است (۳) و مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر آنها بپردازید پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خوشنودی بشما بخشیدند برخوردار شوید که آن شما را حلال و گوارا خواهد بود (۴) اموالی که خدا قوام زندگانی شما را بآن مقرر داشته سفیهان را بتصرف دهید و از مالشان (بقدر لزوم و احتیاج) نفقه و لباس بآنها دهید (و برای آنکه از سفاهت آنها آزار نبینید) بگفتار خوش آنها را خرسند کنید (۵) یتیمانرا آزمایش کنید تا هنگامیکه بالغ شده و تمایل بنکاح پیدا کنند آنگاه اگر آنها را دانا بدرک مصالح زندگانی خود یافتید اموالشانرا بآنها باز دهید و باسراف و عجله مال آنها را حیف و میل نکنید بدین اندیشه که مبادا کبیر شوند (و اموالشانرا از شما بگیرند) و هر کس از اولیای یتیم داراست بکلی از هر قسم تصرف در مال یتیم خودداری کند و هر که فقیر است در مقابل نگهبانی او از مال یتیم بقدر متعارف ارتزاق کند پس آنگاه که یتیمان بالغ شدند و مالشانرا رد کردید بر رد مال به آنها باید گواه گیرید (برای حکم ظاهر ولی در باطن علم حق) و گواهی خدا برای محاسبه خلق کافیست (۶) برای اولادان ذکور سهمی از ترکه ابویان و خویشان است و برای فرزندان اناث نیز سهمی از ترکه چه مال اندک باشد یا که بسیار نصیب هر کس از آن (در کتاب حق) معین گردیده است (۷) و چون در تقسیم ترکه میت از خویشان و یتیمان و فقیران اشخاصی حاضر آیند بجیزی از آن مال آنها را روزی دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوئید (۸) و باید بندگان از مکافات عمل خود بترسند (و با یتیمان مردم نیک رفتار باشند) کسانیکه می ترسند کودکان ناتوان از آنها باقی ماند و زیردست مردم شوند پس باید از خدا بترسند و سخن باصلاح و درستی گویند (و راه عدالت پویند) (۹) آنانکه اموال یتیمانرا بستمگری میخورند در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می برند و بزودی (بدوزخ) در آتش فروزان خواهند افتاد (۱۰) حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف و فرض هر یک از پدر و مادر یک سدس ترکه است در صورتیکه میت را فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر بپدر و مادر باشد در این صورت مادر یک ثلث میبرد (و باقی بپدر رسد) و اگر میت را برادر باشد در این فرض مادر سدس خواهد برد پس

از آن که حق وصیت و دین که بمال تعلق گرفته است ثنا شود شما این را که پدران یا فرزندان و خویشان کدام یک بخیر و صلاح و بارش بردن بشما نزدیکترند نمی دانید (تا در حکم ارث مراعات کنید) (این احکام) فریضه ایست که خدا باید معین فرماید زیرا خداوند بهر چیز دانا و بهمه مصالح خلق آگاهست (۱۱) سهم ارث شما مردان از ترکه زنان نصف است در صورتیکه آنها را فرزند نباشد و اگر فرزند باشد ربع خواهد بود پس از خارج کردن حق وصیت و دینی که بدارائی آنها تعلق گرفته و سهم ارث زنان ربع ترکه شما مردانست اگر دارای فرزند نباشد و چنانچه فرزند داشته باشید ثمن خواهد بود پس از اداء حق وصیت و دین شما و اگر مردی بمیرد که وارثش کلاله او باشد (برادر و خواهر امی یا هر خواهر و برادری) یا زنی بمیرد که وارثش یک برادر و یا خواهر او باشد در این فرض سهم ارث یکنفر از آنها سدس خواهد بود و اگر بیش از یکنفر باشند همه آنها ثلث ترکه را باشتراک ارث برند بعد از خارج کردن دین و حق وصیت میت در صورتیکه وصیت بحال ورثه بسیار زیان آور نباشد (یعنی زاید بر ثلث نباشد) این حکمی است که خدا سفارش فرموده و خدا بهمه احوال بندگان دانا و بهر چه کنند بردبار است (۱۲) آنچه مذکور شد احکام و اوامر خداست و هر کس پیرو امر خدا و رسول اوست او را بیبشتهائی درآورند که در زیر درختانش نهرها جاری است و آنجا منزل ابدی مطیعان خواهد بود و اینست سعادت و فیروزی بزرگ (۱۳) و هر که نافرمانی خدا و رسول کند و تجاوز از حدود احکام الهی نماید او را به آتشی درافکنند که همیشه در آن معذب است و همواره در عذاب خواری و ذلت خواهد بود (۱۴) زنانی که عمل ناشایسته کنند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید چنانچه شهادت دادند در این صورت آنانرا در خانه نگه دارید تا زمان عمرشان پایان رسد یا خدا برای آنها راهی پدیدار گرداند (یعنی توبه یا حد مقرر شود) (۱۵) هر کس از مسلمانان عملی ناشایسته مرتکب شوند چه زن و چه مرد آنانرا به سرزنش و توبیخ بیازارید چنانچه توبه کردند دیگر متعرض آنها نشوید که خدا توبه خلق می پذیرد و نسبت به آنها مهربانست (۱۶) محققاً خدا توبه آنها را می پذیرد که عمل ناشایسته را از روی نادانی مرتکب شوند پس از آنکه زشتی آن عمل دانستند بزودی توبه کنند پس خدا آنها را می بخشد و خدا (بامور عالم) دانا و بمصالح خلق آگاهست (۱۷) کسی که به اعمال زشت تمام عمر اشتغال ورزد تا آنگاه که مشاهده مرگ کند در آن ساعت پشیمان شود و گوید اکنون توبه کردم توبه اش پذیرفته نخواهد شد چنانکه هر کس بحال کفر بمیرد نیز توبه اش قبول نشود بر این گروه مهیا ساختیم عذابی بس دردناک (۱۸) ای اهل ایمان برای شما حلال نیست که زنانرا به اکراه و جبر بمیراث گیرید و بر زنان سختگیری و بهانه جوئی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده اید بجور بگیریید مگر آنکه عمل زشتی و مخالفتی

از آنها آشکار شود و با آنها در زندگانی با انصاف و خوش رفتار باشید و چنانکه دلپسند شما نباشد (اظهار کراهت نکنید) که بسا چیزها ناپسند شما است و حال آنکه خدا در آن خیر بسیاری برای شما مقدر فرموده (۱۹) اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر بجای او اختیار کنید و مال بسیاری مهر او کرده اید البته نباید چیزی از مهر او باز گیرید آیا بوسیله تهمت زدن بزن مهر او را میگیرید و این گناهی فاش و زشتی این کار آشکار است (۲۰) و چگونه مهر آنانرا خواهید گرفت در صورتیکه هر کسی بحق خود رسیده (مرد بلذت و آسایش و زن به نفقه و مهر خود رسیده) و در صورتیکه آن زنان مهر را از شما در مقابل عقد زوجیت و عهد محکم حق از شما گرفته اند (۲۱) زن پدر را نباید به نکاح درآورید بعد از نزول این حکم الا آنچه از این پیش (در زمان جاهلیت) کرده اید که خدا از آن درگذشت زیرا این کاریست زشت و مبعوض خدا و عملی بس قبیح است (۲۲) حرام شد برای شما ازدواج با مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادرزن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند اگر با زن مباشرت کرده باشید و اگر دخول با زن نکرده (طلاق دهید) باکی نیست که (با دختران او) ازدواج کنید و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی (نه زن پسر خوانده شما) و نیز حرام شد جمع میان دو خواهر (یعنی که در یک وقت هر دو را بزنی گیرند) مگر آنچه پیش از نزول این حکم (در عصر جاهلیت) کرده اند که خدا از آن درگذشت زیرا خداوند در حق بندگان بخشنده و مهربانست (۲۳) و نکاح زنان محصنه (شوهردار) نیز بری شما حرام شد مگر آن زنان که (در جنگهای با کفار بحکم خدا) متصرف و مالک شده اید (با زنهاییکه بحرمت یاد شد نکاح میکنند) بر شما است که پیرو کتاب خدا باشید و هر زنی غیر آنکه ذکر شد شما را حلال است که بمال خود بطریق زناشوئی بگیرید نه آنکه زنا کنید پس چنانکه شما از آنها بهره مند شوید آن مهر معین که مزد آنهاست بآنان بپردازید و باکی نیست بر شما که بعد از تعیین مهر هم بجیزی با هم تراضی کنید (و بدانید که) البته خدا دانا و بحقایق امور (عالم) آگاه است (۲۴) و هر که را وسعت و توانائی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان (و آزاد) گیرد پس کنیزان مومنه که مالک آن شدید بزنی اختیار کنید خدا آگاه تر است بمراتب ایمان شما که شما اهل ایمان همه (از زن و مرد) بعضی از جنس بعضی دیگر (یعنی همه مؤمن) و در رتبه یکسانید پس با کنیزکان مؤمنه با اذن مالکش (بی هیچ کبر و نخوت) ازدواج کنید و مهر آنها بدان چه معین شده بدهید کنیزکانی که عقیف باشند نه زناکار و نه رفیق و دوستدار پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سرزند بر آنها نصف عذاب زنان پارسای آزاد است این حکم (کنیز را بزنی گرفتن) درباره کسی است که بترسد مبادا برنج افتد (یعنی

بزحمت عزوبت یا گناه زناکاری افتد) و اگر صبر کنید (تا وسعت یافته و زنی آزاد بگیرید) برای شما بهتر است و خدا بخشنده و مهربان است (۲۵) خدا میخواهد راه سعادت را برای شما بیان کند و شما را بآداب (و باخلاق ستوده) آنانکه پیش از شما بودند (یعنی پیغمبران و نیکان امم سابقه) رهبر گردد و بر شما ببخشد و خدا (باحوال حق) دانا و بحقایق امور آگاه است (۲۶) و خدا میخواهد بر شما بازگشت برحمت و مغفرت فرماید و مردم هوسناک پیرو شهوات میخواهند که شما مسلمین از راه حق و از رحمت الهی بسیار دور و منحرف گردید (۲۷) خدا میخواهد کار بر شما آسان کند که انسان ضعیف خلق شده است (۲۸) ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یکدیگر را نکشید که البته خدا بسیار بشما مهربان است (۲۹) و هر کس چنین کند (یعنی بمال و جان مردم دست ظلم دراز کند) از روی دشمنی و ستمگری پس او را بزودی در آتش دوزخ درآوریم و این کار (یعنی انتقام کشیدن از ظالمان) برای خدا آسان است (۳۰) چنانچه از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده اند دوری گزینید (یعنی گناهان کبیره) ما از گناهان دیگر شما درگذریم و شما را (در دو عالم) بمقام بلند و نیکو برسانیم (۳۱) آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیتی که خدا بآن بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید (یعنی در اموریکه موهبت خداست و اکتسابی نیست مانند نعمت نبوت ولایت هوش حسن جمال و نطق فصیح و غیره طمع نکنید و بر صاحبانش حسد مورزید) که هر که از مرد و زن از آنچه اکتساب کنند بهره مند شوند و هر چه خواهید از فضل خدا درخواست کنید نه از خلق (تا بشما اعطا کند) که خدا بهمه چیز دانا است (۳۲) ما برای هر کس از ارث برها از قبیل پدر و مادر و خویشان حقی قرار داده ایم (و بترتیب مقدم و مؤخر ارث و مقدار حق هر وارث را بیان کردیم بآن عمل کنید) و با هر که عهد و پیمان حقوقی بسته اید بهره آنان را بدهید (و نقض نکنید) که خدا بر هر چیز گواه است (۳۳) مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود باید بزن نفقه دهند پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا بحفظ آن امر فرموده نگهدارند و زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنان بیمناکید باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را بزدن تنبیه کنید چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشان است (۳۴) چنانچه بیم آن دارید که نزاع و خلاف سخت بین آنها (یعنی میان زن و شوهر) پدید آید از طرف کسان مرد و کسان زن داوری برگزینید که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا ایشان را بر آن بتوافق رساند که

خدا بهمه چیز دانا و از همه سرائر آگاهست (۳۵) خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت پیدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه خویش و همسایه که بیگانه است و دوستان موافق و رهگذریان و بندگان (و پرستاران که زیر دست تصرف شمایند) در حق همه نیکی و مهربانی کنید که خدا مردم خودپسند متکبر را دوست ندارد (۳۶).

* معلوم شد که محمد پس از گوشمالی شدن سر عقل آمد و دیگر مزخرف نگفت. همانطور که مشاهده کردید آیات قسمت به قسمت میباشد، یعنی بعد از صدور یک سری احکام پشت سرهم، آیه یا آیتی آمده که در شکر «الله» میباشد. این به این معنی است که او این احکام را در زمانهای متفاوت نوشته است. ضمناً توجه شود که این مقررات مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش با شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان تنظیم شده است و هیچ خوانایی با شرایط زندگی انسانهای امروزی با شرایط اقتصادی کنونی ندارد.

ای کسانی که برای شما کتاب آسمانی فرستاده شده ایمان آورید بقرآنی که فرو فرستادیم (برای پیغمبر اسلام) که مصدق تورات و انجیل شماست پیش از آنکه برویتان از اثر ضلالت خط محو و خذلان کشیم یا گونه ها را واژگون کنیم یا آنکه بر شما بمانند اصحاب سبت لعنت و عذاب فرستیم و (بترسید که) قضای خدا البته واقع شدنی است (۴۷).

آنانکه به آیات ما کافر شدند بزودی به آتش دوزخشان درافکنیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد بیپوست دیگرش مبدل سازیم تا بچشند سختی عذاب را که همانا خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است (۵۶) آنانکه ایمان آوردند و نیکوکار شدند بزودی در بهشتی درآوریم که نهرها از زیر درختانش جاری است و در آن زندگانی جاوید کنند و بر آنها در بهشت جفتهای پاکیزه است و آنانرا بسایه رحمت ابدی خود درآوریم (۵۷) خدا بشما امر میکند که امانت را البته بصاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید داوری بعدالت کنید همانا خدا شما را پند نیکو میدهد که خدا بهر چیز آگاه و بصیر است (۵۸).

پس (ای پیغمبر) (ص) تو خود تنها در راه خدا بکارزار برخیز که جز شخص تو بر آن مکلف نیست و مؤمنان را نیز ترغیب کن باشد که خدا آسیب کافران را از شما باز دارد که قدرت خدا (از کمک مردم) بیشتر و عذاب و انتقامش سخت تر خواهد بود (۸۴).

* گویا مردم پس از شنیدن دروغهای محمد در مورد ۵۰۰۰ فرشته حاضر به جنگیدن نبودند

که محمد به خودش میگوید «تو خود تنها در راه خدا بکارزار برخیز».

مشرکان غیر خدای عالم هر چه را خدا بخوانند یا جمادی است (مانند بت‌های لات منات عزیزی) یا شیطنی سرکش و (فریبنده) است (۱۱۷).

(ای پیغمبر «ص») در باره زنان از تو فتوی خواهند بگو خدا و آنچه از آیات کتاب خدا برای شما تلاوت شود هم در حق زنان و دختران یتیمشان که مهر و حقوق لازمه آنان را نداده خواهید بنکاح خود درآورد و هم در حق فرزندان ناتوان فتوی خواهد داد و دستور می‌دهد که در باره یتیمان عدالت پیشه گیرید و در نیکی کوشید که هر کار خوب بجا آرید خدا برآن آگاه است (۱۲۷) (این آیه در ترجمه‌های دیگر به گونه دیگر معنی شده است، مراجعه شود) و اگر زنی از شوهرش بیم آن داشت که با وی راه مخالفت و بدسلوکی پیش گیرد یا از او دوری گزیند باکی نیست که هر دو طریق مصالحت و سازگاری به پیمایند (صلحی برضای طرفین) که صلح بهر حال بهتر است و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته و اگر درباره یکدیگر نیکوئی کرده و پرهیزکار باشند خدا بهر چه کنند آگاهست (۱۲۸) شما هرگز نتوانید میان زنان بعدالت رفتار کنید و هر چند راغب و حریص بر عدل و درستی باشید پس بتمام میل خود (حتی در نفقه و کسوه دادن که اختیاریست) یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او معلق و بلا تکلیف ماند (نه بحظ شوهردار و نه بحکم بی شوهر باشد) و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید همانا خدا بخشنده و مهربان است (۱۲۹) و اگر از یکدیگر (بطلاق) جدا شوید باز خدا هر یک را از دیگری برحمت واسع خود بی نیاز خواهد نمود که خدا را رحمت بی منتهاست و بحق و حقیقت هر چیز دانا است (۱۳۰). ای مردم خدا اگر بخواهد همه شما را (که مالک دنیا خود را می‌پندارید) میبرد و قومی دیگر می‌آورد و البته خدا بر این کار مقتدر و توانا است (۱۳۳).

ای پیغمبر از تو در باره کلاله (یعنی برادر و خواهر پدري یا پدري و مادري) فتوی خواهند بگو خدا چنین فتوی میدهد که هرگاه کسی بمیرد فرزند نداشته و او را خواهری باشد وی را نصف ترکه است و او نیز از خواهر ارث برد اگر خواهر را فرزند نباشد و اگر میت را دو خواهر باشد آنها را دو ثلث ترکه است و اگر میت را چندین برادر و خواهر است در این صورت ذکور دو برابر انثا ارث برند خدا احکام را (برای هدایت شما) بیان کند که مبادا گمراه شوید و خدا بهمه مصالح خلق داناست (۱۷۶).

۵. سوره مائده در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۱۲۰ آیه:

برای شما مؤمنان گوشت مردار و خون و خوک و آن ذبیحه ای را که بنام غیر خدا کشتند همه حرام شد و نیز حرام است هر حیوانی که بخفه کردن یا به چوب زدن یا از بلندی افکندن یا بشاخ زدن بهم بمیرند و نیز نیم خورده درندگان جز آنرا که قبلاً تزکیه کرده باشید حرام است و نیز آنرا که برای بتان میکشید و آنرا که به تیرها قسمت میکنید ﴿رسمی بود در جاهلیت که چون در امری مردد میشدند به تیری مینوشتند (خدا امر کرد) و به تیری دیگر مینوشتند (خدا نهی کرد) آنگاه تیرها درهم ریخته و یکی بقرعه بیرون آورده مطابق آن رفتار میکردند﴾ که این کار فسق است امروز کافران از این که به دین شما دست برد زنند و اختلالی رسانند طمع بریدند پس شما از آنان بیمناک نگشته و از من بترسید امروز (بعقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی «ع» مراد است) دین شما را بحد کمال رسانیدم و بر شما نعمت را تمام کردم و بهترین آئین را که اسلام است برایتان برگزیدم پس (هرگاه کسی در ایام مجاعت و سختی از روی اضطرار نه بقصد گناه چیزی از آنچه حرام شده مرتکب شود حق بر او سخت نگیرد که) خدا بسیار بخشنده و مهربانست (۳).

امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلالست و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتیکه شما اجرت و مهر آنان را بدهید و آنها هم زناکار نباشند و رفیق و دوست نگیرند و هر کس به دین اسلام کافر شود عمل خود را تباه کرده و در آخرت از زیان کاران خواهد بود (۵).

آیا ندانستی که ملک آسمان و زمین خدا راست هر که را خواهد عذاب کند و از هر که خواهد درگذرد و او بر هر چیز تواناست (۴۰). و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنند و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را بگوش و دندان را بدندان و هر زخمی را قصاص خواهد بود پس هرگاه کسی بجای قصاص بصدقه (ودیه) راضی شود نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد شد و هر کس خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند (و از حد قصاص یا دیه تعدی و ظلم کند) چنین کس از ستمکاران خواهد بود (۴۵).

ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گروبندی (که رسم بود در جاهلیت) همه اینها پلید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید (۹۰) شیطان قصد آن دارد بوسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد پس شما آیا از آن دست برمیدارید (تا بفتنه شیطان مبتلا نشوید) (۹۱).

* او برای اینکه جلوی شراب نوشیدن را بگیرد آن را با حکمی در مورد قمار قاطی میکند. در صورتی که این دو هیچگونه فصل مشترکی باهم ندارند.

۶. سوره انعام در مکه نوشته شد، مجموعاً ۱۶۵ آیه:

چقدر پیغمبران پیش از تو را هم تکذیب کردند که آنها با همه اذیتهای منکران صبر و تحمل کردند تا آنگاه که عنایت و یاری ما شامل حال آنها شد هیچکس کلمات خدا را تغییر نتواند داد و اخبار پیغمبران پیش بتو رسید (۳۴) (ای پیغمبر) چنانچه انکار و اعتراض آنها تو را سخت می آید اگر توانی نقبی در زمین بساز یا نردبانی بر آسمان برفراز تا آیتی بر آنها آوری و اگر خدا میخواست همه را مجتمع بر هدایت میکرد پس تو البته از آن جاهلان مباش (۳۵) و کافران گفتند چرا بر او معجزه و حجتی از خدا فرو نیامد بگو ای پیغمبر خدا بر اینکه آیتی فرستد قادر است ولیکن بیشتر مردم نمیدانند (۳۷). و برای خدا از روئیدنیها و حیوانات که آفریده نصیبی معین کردند و بگمان خودشان گفتند این سهم برای خدا و این سهم دیگر شریکان و بتان ما را پس آن سهمی که شریکانرا بود بخدا نمیرسد و آنکه برای خدا بود بشریکان میرسد و حکمی سخت جاهلانه و ناشایسته میکردند (۱۳۶) و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان عمل کشتن فرزندان را بتهای ایشان نیکو نموده تا آنکه آنان را باین کار زشت هلاک سازد و اگر خدا میخواست چنین نمیکرد پس آنها را به آنچه از خرافات می بافند واگذار (۱۳۷) و گفتند این چهارپایان و زراعتها بر همه ممنوع و مخصوص بتان است نباید از آن بخورد مگر آنکس که ما کنیم و سواری بعضی چهارپایان بر آنها حرام بود و چهارپایانی را نیز بدون ذکر نام احکام بخدا دروغ بستند بزودی خدا بدان دروغ آنان را مجازات خواهد کرد (۱۳۸) و گفتند آنچه در شکم این چهارپایانست مخصوص بمردانست و بر زنان ما حرام خواهد بود و اگر مرده باشد همه زنان و مردان در آن شریک باشند آنها بمجازات این گفتار زشت و توصیفات باطل بزودی میرسند که خدا بکیفر خلق درست کردار و داناست (۱۳۹) البته آنها که فرزندان خود را بسفاهت و نادانی کشتند زیانکارند و بی بهره از آنچه خدا نصیبشان کرد چون افتراء بخدا بستند سخت گمراه شده و هدایت نیافتند (۱۴۰) او آن خدائست که برای شما بستانها از درختان داربستی (و درختان آزاد) چون سایر درختان و درختان خرما و زراعتها که میوه و دانه های گوناگون آرند و زیتون و انار و میوه های مشابه یکدیگر و نامشابه بیافرید شما هم از آن میوه هرگاه برسد تناول کنید و حق زکات فقیران را بروز درو کردن بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمیدارد (۱۴۱) و از بعض

حیوانات استفاده باربری و سواری کنید و از آنچه رزق شما کرده بخورید و از پی اغوای شیطان مروید که او شما را دشمن آشکاریست (۱۴۲) و نیز از جنس شتر دو صنف نر و ماده و از جنس گاو هم نر و ماده هر دو حلال شده با آنها بگو که آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه ای که در شکم ماده هاست کدام حرام است یا شما شاهد هستید که خدا بر این حرمت توصیه نموده باری کیست ستمکارتر از آنکس که بخدا دروغ بدهد تا بجهل خود مردمان را گمراه کند البته خدا ستمکاران را هدایت نخواهد کرد (۱۴۴) بگو ای پیغمبر در احکامی که بمن وحی شده من چیزی را که برای خوردگان طعام حرام باشد نمی یابم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق ذبح کنند و در همین ها که حرام است نیز هر گاه کسی بخوردن آنها مضطر گردید در صورتیکه از روی ستم و از راه تعدی و تجاوز از فرمان خدا نباشد و بقدر ضرورت صرف کند باز خدا خواهد بخشید که همانا خدای تو بخشنده و مهربان است (۱۴۵) و بر جهودان هر حیوان ناخن دار (مانند طیور و غیره) و از جنس گاو و گوسفند نیز پیه را حرام کردیم مگر آنچه در پشت آنها است یا به بعض روده ها یا باستخوانها آمیخته است و آنها چون ستم کردند ما بدین حکم آنها را مجازات کردیم و البته همه سخنان ما راست خواهد بود (۱۴۶)

بگو ای پیغمبر گواهان خود را بر اینکه خدا این و آنرا (که میگوئید) حرام کرده بیاورید پس هر گاه گواهی دادند تو با آنها گواهی مده و پیروی از هوای نفس آنها مکن که آنها آیات خدا را تکذیب کرده و بقیامت ایمان نمیآورند و از خدای خود بسوی بتان برمیگردند (۱۵۰)

بگو ای پیغمبر بیائید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را (براستی) بیان کنم در مرتبه اول این که شرک بخدا بهیچوجه نیاورید و دیگر اینکه در باره پدر و مادر احسان کنید دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید ما شما و آنها را روزی میدهیم دیگر بکارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که حرام کرده جز بحق بقتل نرسانید شما را خدا بدان سفارش نموده باشد که تعقل کنید (تا از روی عقل و فهم کار بندید و سعادت یابید) (۱۵۱) و هرگز بمال یتیم نزدیک نشوید تا آنکه بحد رشد و کمال رسد و براستی کیل و وزن را تمام بدهید (و بدانید) که ما هیچ کس را جز بقدر توانائی تکلیف نکرده ایم و هر گاه سخنی گوئید بعدالت گرائید و هر چند درباره خویشاوندان باشد و بعهد خدا وفا کنید (اوامر و نواهی خدا را اطاعت کنید) اینست سفارش خدا بشما باشد که متذکر و هوشمند شوید (۱۵۲) و اینست راه راست پیروی آن کنید و از راه های دیگر که موجب تفرقه (و پریشانی) شما است جز از راه خدا متابعت نکنید این است سفارش خدا به شما باشد که پرهیز کار شوید (۱۵۳).

* تا اینجا کاملاً روشن شد که اهداف یهوه در واقع مبارزه علیه بت پرستی، برده داری و اجرای قوانین اجتماعی برای زندگی اجتماعی در شرایط اقتصادی در دوره های مختلف تاریخی بود نه برای «خدا پرستی»، بلکه خداپرستی بهانه ای برای این تغییرات در دوره جاهلیت بود. بنابراین ما این بررسی را که هدف اصلی آن ارائه فاکت از سه کتب مذهبی بوده را خاتمه یافته می دانیم ولی باوجود این باز هم از قرآن مطالبی را بعنوان سند ارائه می دهیم. بیشترین اسناد را احکام در مورد زنان شامل میشد زیرا مقایسه احکامی که محمد در زمان خود در مورد زنان و مردان ارائه داد با احکام و نظرات قبل از او مناسب است.

۷. سوره اعراف در مکه نوشته شد، مجموعاً ۲۰۶ آیه:

پروردگار شما آن خدائی است که آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد آنگاه بخلقت عرش پرداخت روز را به پرده شب درپوشاند که با شتاب در پی آن پوید و خورشید و ماه و ستارگان بامر او مسخر گردید (ای بندگان) آگاه باشید که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست که منزله و بلند مرتبه و آفریننده عالمیان است (۵۴).

۹. سوره توبه در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۱۲۹ آیه:

روزی که (آن طلا و نقره) در آتش دوزخ گداخته شود و پیشانی و پشت و پهلوی آنها را بآن داغ کنند (فرشتگان گویند) اینست نتیجه آنچه بر خود ذخیره کردید اکنون بچشید عذاب سیم و زری که اندوخته میکردید (۳۵).

مردان و زنان مؤمن همه یار و دوستدار یکدیگرند خلق را بکار نیکو وادار و از کار زشت منع می کنند نماز پیا میدارند و زکوة میدهند و حکم خدا و رسولرا اطاعت میکنند آنانرا البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است (و نیکانرا البته بنعمت و رحمت ابد میرساند) (۷۱).

۱۰. سوره یونس در مکه نوشته شد، مجموعاً ۱۰۹ آیه:

اگر تو را تکذیب کردند بگو عمل من برای من و عمل شما از شما (هر کس جزای خود را خواهد یافت) شما بری از کردار نیک من هستید و من بیزار از کردار زشت شما (۴۱) برخی

از این منکران چون قرائت قرآن کنی بظاهر گوش کنند (ولی بمعنی نمیشنوند) آیا تو کران را که هیچ عقل و ادراکی هم ندارند توانی چیزی بآنها شنوایید (۴۲).
و برای هر امتی رسولی است که هر گاه رسول آنها آمد و حجت تمام شد حکم بعدل شود و بر هیچکس ستم نخواهد شد (۴۷).
و ای رسول تو خود از وحی خدای که بر تو میرسد پیروی کن و راه صبر پیش گیر تا وقتی که خدا (میان تو و مخالفانت) حکم کند که او بهترین حکم فرمایانست (۱۰۹).

۱۴. سوره ابراهیم در مکه نوشته شد، مجموعاً ۵۲ آیه:

یاد آر وقتی که ابراهیم عرض کرد پروردگارا این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار (۳۵) پروردگارا این بتان (و بت تراشان) بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هر کس (در راه توحید و خداپرستی) پیرو من است او از من است و هر که مخالفت من کند (و راه شرک و عصیان پوید اختیارش باتست که) خدای بخشنده و مهربانی (۳۶).

۱۵. سوره حجر در مکه نوشته شد، مجموعاً ۹۹ آیه:

کافران گویند ای کسی که مدعی آنی که قرآن از جانب خدا بر من نازل شده تو بعقیده ما محققاً دیوانه ای (۶) اگر راست میگوئی چرا فرشتگان بر ما نازل نمیشوند (۷) ما فرشتگان را جز برای حق و حکمت و مصلحت نخواهیم فرستاد و آنگاه که بفرستیم دیگر کافران لحظه ای بر عذاب و هلاکتشان مهلتی نخواهد یافت (۸) و ما پیش از تو هم رسولانی بر امم سالفه فرستادیم (۱۰) ولی هیچ رسولی بر این مردم نادان نمی آید جز آنکه به استهزای او می پردازند (۱۱).

و اصحاب حجر هم رسولان ما را بکلی تکذیب کردند (۸۰) و از آیاتیکه ما بر آنان فرستادیم رو گردانیدند (۸۱) و در کوهها منزل میساختند تا از خطر ایمن باشند (۸۲) صبحگاهی صیحه عذاب آنها را نابود کرد (۸۳) و بفراز کوه هم با همه ذخایر و ثروت از هلاک ایمن نگردیدند (۸۴) محققاً پروردگار تو آفریننده دانایست (۸۶)

آنانکه با خدای یکتا خدائی دیگر گرفتند بزودی خواهند دانست (۹۶) ما میدانیم که تو از آنچه امت در طعنه و تکذیب تو میگویند سخت دلتنگ میشوی (۹۷) (غم مخور) و بذکر

اوصاف کمال پروردگارت تسبیح گو و از نمازگزاران باش(۹۸)

۱۶. سوره نحل در مکه نوشته شد، مجموعاً ۱۲۸ آیه:

و این مشرکان برای بتان از روی جهل نصیبی از رزقیکه ما به آنها دادیم قرار میدهند سوگند بخدای یکتا که البته از آنها از این دروغ و عقاید باطل بازخواست خواهد شد(۵۶) و این مشرکان فرشتگان را با آنکه خدا منزله از فرزند است دختران خدا دانسته و حال آنکه بر خود پسران را آرزو میکنند(۵۷) و چون یکی از آنها را بفرزندی دختری مژده آید از شدت غم و حسرت رخسارش سیاه شده و سخت دلتنگ میشود(۵۸) و از این عار روی از قوم خود پنهان میدارد و بفکر افتد که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگهدارد یا زنده بخاک گور کند (عاقلان) آگاه باشید که آنها بسیار بد میکنند(۵۹) اوصاف کسانی که بقیامت ایمان ندارند زشت است اما خدا را پسندیده و عالیترین اوصاف کمال است که خدا برهر کار مقتدر و بهر چیز داناست(۹۰) و این مشرکان آنچه را که بر خود نمی پسندند از دروغ بخدا نسبت میدهند و تصور میکنند که باز عاقبت نیکو دارند در صورتیکه محققاً کیفر آنها آتش دوزخ است و زودتر از دیگران هم بدروغ میروند(۶۲) بخدا سوگند که ما رسولانی پیش از تو بر امم سابقه فرستادیم (تا مگر سعادت یابند) ولی شیطان اعمال زشت آنها را در نظرشان زیبا جلوه داد پس امروز شیطان یار آنهاست و بعداب دردناک گرفتار خواهند بود(۶۳).

و بت پرستان از جهل خدا را که نعمتهای بیشمار بآنها داده نمیپرستند و بجای او بتهایی را پرستش میکنند که در آسمان و زمین مالک چیزی که روزی به مشرکان دهند اصلاً نیستند و توانائی بر هیچ کار ندارند(۷۳) پس بتها را برای خدا مثل و مانند نشمارید (و بخدای یکتا بگروید) که خدا بهمه چیز داناست و شما نادانید(۷۴).

و (تو ای رسول) برای رضای خدا بر رنج تربیت امت صبر و تحمل پیشه کن و بر آنها غمگین مشو و از مکر و حیلۀ آنان دلتنگ مباش(۱۲۷)

۱۷. سوره بنی اسرائیل در مکه نوشته شده، مجموعاً ۱۱۱ آیه:

هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید که ما رازق شما و آنها هستیم زیرا این قتل و زنده بگور کردن فرزندان بسیار گناه بزرگی است(۳۱).

و هرگز بمال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری (بمنفع یتیم) منظور دارید

تا قیامت از عهد و پیمان سؤال خواهد شد(۳۴).
آیا خدا شما را به فرزندان پسر برگزیده است و خود فرشتگان را دختران خویش قرار داده؟ این رأی و گفتار شما (مشرکان) بسیار افتزائی عظیم و گناهی بزرگ است(۴۰).
و بگو ستایش مخصوص خداست که نه هرگز فرزندی و نه شریکی در ملکش برگرفته و نه هرگز عزت و اقتدار او را نقصی رسد که بدوست و مددکاری نیازمند شود و پیوسته ذات الهی را به بزرگترین اوصاف کمال ستایش کن(۱۱۱).

۱۹. سوره مریم در مکه نوشته شد، مجموعاً ۹۸ آیه:

ای مریم خواهر هرون تو را نه پدری ناصالح بود و نه مادری بدکار(۲۸) مریم باشاره حواله بطفل کرد آنها گفتند ما چگونه با طفل گهواره ای سخن گوئیم(۲۹) آن طفل گفت همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود(۳۰) و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید و تا زنده ام بعبادت نماز و زکات سفارش کرد(۳۱).

۲۱. سوره انبیاء در مکه نوشته شد، مجموعاً ۱۱۲ آیه:

و ما پیغمبران را بدون بدن دنیوی قرار ندادیم تا به غذا و طعام محتاج نباشند و در دنیا همیشه زنده بمانند(۸). و ما هیچ رسولی را به رسالت نفرستادیم جز آنکه به او وحی کردیم که بجز من خدائی نیست تنها مرا بیکتائی پرستش کنید و بس(۲۵) و گفتند که خدای رحمان دارای فرزند است (حاشا) خدا پاک و منزله از آنست بلکه کسانی را که مشرکان فرزند خدا پنداشتند همه بندگان مقرب خدا هستند(۲۶).
و یاد کن مریم را که رحمش را پاک و پاکیزه گردانیدیم و در آن از روح خود بدمیدیم و او را با فرزندش معجز و آیت بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم(۹۱).
البته شما و آنچه را که غیر خدا میپرستیدید امروز همه آتش افروز دوزخید و در آن آتش وارد میشوید(۹۸). و چنانچه کافران از حق روگردانیدند بآنان بگو من شما را آگاه کردم و دیگر نمیدانم که آن وعده روز سخت قیامت که بشما دادند دور یا نزدیک خواهد بود(۱۰۹)

۲۲. سوره حج در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۷۸ آیه:

این کافر بدبخت خدا را رها کرده و چیزی را میپرستد که هیچ نفع و ضرری بحال او ندارد و این حقاً همان گمراهی دور از هر سعادت است (۱۲) بدبخت خدا را رها کرده و چیزی را که بضرر نزدیکتر از نفع است میپرستد وی بسیار بد معبودی یافته و بسیار بد دمسازی اختیار کرده است (۱۳). البته بین اهل ایمان و یهود و ستاره پرستان و نصاری و گبر و آنکه بخدا شرک آوردند محققاً روز قیامت میان آنها خدا جدائی افکند که او بر احوال همه موجودات عالم (بصیر و) گواه است (۱۷).

این دو گروه (مؤمن و کافر) که در دین خدا با هم بجداال برخاستند مخالف و دشمن یکدیگرند و کافران را لباسی از آتش دوزخ بقامت بریده اند و بر سر آنان آب سوزان حمیم جهنم ریزند (۱۹) تا پوست بدنشان و آنچه در درون آنهاست بآن آب سوزان گداخته شود (۲۰) و گرز گران و عمودهای آهنین بر سر آنها مهیا باشد (۲۱) هرگاه خواهند از دوزخ بدر آیند و از غم و اندوه آن نجات یابند باز فرشتگان عذاب آنان را بدوزخ برگردانند و گویند باز باید عذاب آتش سوزان را بچشید (۲۲) آنانکه ایمان بخدا آوردند و نیکوکار شدند البته خدا همه را در بهشت هائی داخل گرداند که زیر درختانش نهرها جاری است و در آنجا آراسته شوند به دست بندها از طلا و مروارید و تن بجامه حریر بیاریند (۲۳). و آنانکه بخدا کافر شده و مردم را از راه دین خدا منع میکنند و نیز از مسجدالحرامیکه ما حرمت احکامش را برای اهل آن شهر و بادیه نشینان یکسان قرار دادیم مانع (مردم) میشوند و کسی که در آنجا اراده الحاد و تعدی کرده و بخلق ظلم و ستم کند همه را عذاب دردناک می چشانیم (۲۵) و یاد آور ای رسول که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با من هیچ انباز و شریک نگیرد و به او وحی کردیم که خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگذاران و رکوع و سجود کنندگان (از لوث بتان) پاک و پاکیزه دار (۲۶). تا در آنجا منافع بسیار برای خود فراهم بینند و نام خدا را در ایامی معین یاد کنند که ما آنها را از حیوانات بهائم (شتر و گوسفند و غیره) روزی دادیم تا از آن تناول کرده و فقیران بیچاره را نیز طعام دهند (۲۸).

۲۳. سوره مؤمنون در مکه نوشته شد، مجموعاً ۱۱۸ آیه:

و آنانکه زکات مال خود را بفقرا میدهند (۴) و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می دارند (۵) مگر بر جفتهاشان یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچگونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست (۶) و کسیکه غیر این زنان حلال را بمباشرت طلبد البته

ستمکار و متعدی خواهد بود (۷) و آنکه بامانتها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا میکنند (۸) و آنانکه بر نمازهاشان محافظت دارند (۹) چنین کسان وارث مقام عالی بهشتند (۱۰).
یا آنکه (از جهل) میگویند که این رسول را جنونی عارض شده چنین نیست بلکه دین حق را بر آنها آورده ولیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند (۷۰).
آیا تو از این امت خرج و مزد خواستی؟ مزدیکه خدا بتو دهد از هر چیز بهتر است که خدا بهترین روزی دهنده خلق است (۷۲).

این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند (۸۱) که گفتند از کجا که چون ما مردیم و استخوان ما پوسیده و خاک شد باز مبعوث و زنده شویم (۸۲) از این وعده‌ها بسیار بما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها افسانه‌های پیشینیان است (۸۳) ای پیغمبر ما تو بگو که زمین و هر کس که در او موجود است بگوئید از کیست اگر شما فهم و دانش دارید (۸۴) البته جواب خواهند داد از خداست بگو چرا متذکر قدرت خدا نمیشوید (۸۵) باز بآنها بگو پروردگار آسمانهای هفتگانه و خداوند عرش بزرگ کیست (۸۶) البته باز جواب دهند آن خداست پس بگو چرا متقی و خداترس نمیشوید (۸۷).

۲۴. سوره نور در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۶۴ آیه:

مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نکاح نمیکند و زن زانیه هم جز با مرد زانی و مشرک نکاح نخواهد کرد و اینکار بر مردان مؤمن حرام است (۳) و آنانکه به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آنگاه که چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنانرا بهشتاد تازیانه کیفر دهید و دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرند که مردمی فاسق و نادرستند (۴) مگر آنهاییکه بعد از آن فسق و بهتان بدرگاه خدا توبه کردند و در مقام اصلاح عمل خود برآمدند در اینصورت خدا آمرزنده و مهربانست (۵) و آنانکه بزنان خود نسبت زنا دهند و جز خود بر آن شاهد و گواهی نداشتند باید از آن زن و مرد نخست مرد چهار مرتبه شهادت و قسم بنام خدا یاد کند که البته او در این دعوی زنا از راستگویانست (۶) و بار پنجم قسم یاد کند که لعن خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد (۷) پس (چون بر زن حد لازم آید) برای رفع عذاب حد آنزن نیز نخست چهار مرتبه شهادت و قسم بنام خدا یاد کند که البته شوهرش دروغ میگوید (۸) و بار پنجم قسم یاد کند که غضب خدا بر او باد اگر این مرد در آیین دعوی از راستگویان باشد (۹) و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما مؤمنان نبود و اگر نه این بود که خدای مهربان البته توبه پذیر و درستکار است تکلیف را چنین آسان نمیگرفت و بتوبه رفع

عذاب از شما نمی‌کرد (۱۰).

زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان زشت کار ناپاک نیز شایسته زنانی بدین وصفند و بالعکس زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه اند و این پاکیزگان از سخنان بهتانی که ناپاکان در باره آنان گویند منزهند و از خدا برایشان آمرزش و رزق نیکو است (۲۶) ای اهل ایمان هرگز بهیچ خانه مگر خانه های خودتان تا با صاحبش انس و (اجازه) ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته باهل آنخانه نخست سلام کنید که این شما را بهتر است تا باشد که متذکر شوید (۲۷) و اگر بخانه ای کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یافته آنکه درآئید (تا متهم نشوید) و چون بخانه ای درآمدید و گفتند برگردید بزودی باز گردید که این بر تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا بهر چه می‌کنید داناست (۲۸) باکی بر شما نیست که بخانه غیرمسکونی که در آن متاعی دارید بی اجازه درآئید و (بدانید که) خدا بهمه کار آشکار و پنهان شما آگاهست (۲۹) ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشانرا محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) شما اصلح است و البته خدا بهره‌چند کنید کاملاً آگاهست (۳۰) ای رسول زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا بپوشند) و فروج و اندامشانرا (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر میشود بر بیگانه آشکار نسازند و باید سینه و بر دوش خود را بمقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود و پدران و پدران شوهر و پسران خود و پسران شوهر و برادران خود و پسران برادر و خواهران خود و زنان خود (یعنی زنان مسلمه) و کنیزان ملکی خویش و اتباع (خانواده که رغبت بزنان ندارند) از زن و مرد یا طفلی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آنطور پای بزمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود و ای اهل ایمان همه بدرگاه خدا توبه کنید باشد که رستگار شوید (۳۱) البته باید مردان بی زن و زنان بی شوهر و کنیزان و بندگان خود را بنکاح یکدیگر درآورید اگر مرد و زنی فقیرند خدا بلطف خود آنان را بی نیاز و مستغنی خواهد فرمود که خدا باحوال بندگان آگاه و رحمتش وسیع است (۳۲) و آنانکه وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا خدا آنها را بلطف خود بی نیاز گرداند و از بردگانتان آنانکه تقاضای مکاتبه کنند تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید بپذیرید و از مال خدا که بشما اعطا فرمود (بعنوان زکات و صدقات در وجه مال المکاتبه) بآنها بدهید و کنیزکان خود که مایلند بعفت زنهار برای طمع مال دنیا جبراً بزنا وادار مکنید که هر کس آنها را اکراه بزنا کند خدا در حق آنها مجبور بودند آمرزنده و مهربان است (۳۳).

پاک مردانی که هیچ کسب و تجارت آنرا از یاد خدا غافل نگرداند و نماز بپا داشته و زکات فقیران دهند و از روزی که دل و دیدهها در آنروز حیران و مضطر بست ترسان و هراسانند (۳۷). (ای اهل ایمان شما) نماز را بپا دارید و زکات مال خود را بفقیران بدهید و رسول ما را اطاعت کنید باشد که مورد رحمت شوید (۵۶).

۲۵- سوره فرقان در مکه نوشته شد، مجموعاً ۷۷ آیه:

بزرگوار آن پاک خداوندیست که قرآن را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا اهل عالم را متذکر و خداترس گرداند (۱). و کافران گفتند این کتاب که محمد وحیش میشمرد جز آنکه بدروغ از خود فرا بافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز باو کمک کرده اند چیز دیگری نیست این سخن کافران ظلمی بزرگ و نسبتی ناحق است (۴) باز گفتند که این کتاب افسانه های پیشینیان و حکایات سابقین است که محمد خود برنگاشته و اصحابش صبح و شام بر او املاء قرائت میکنند (۵) (ای رسول ما) بگو این کتاب را آن خدائی فرستاد که بعلم ازلی از اسرار آسمانها و زمین آگاهست و هم او البته بسیار آمرزنده و مهربانست (۶) و باز کافران گفتند چرا این رسول غذا تناول میکند و در (کوچه) و بازار راه میرود و چرا فرشته محسوس و ظاهر بر او نازل نمیشود تا گواه صدق او باشد (۷) یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که از میوه هایش تناول کند و ستمکاران باز بمردم گفتند که شما پیروی نمیکنید مگر مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است (۸) بنگر تا امت جاهل چه داستان و مثلها برای تو زدند و چنان گمراه شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت (۹) بزرگوار آن پاک خدائست که اگر خواستی برای تو بهتر از آنچه این کافران گفتند قرار دادی و آن بهشتی است که زیر درختانش نهرها جاری است و در آن قصرهای بسیار عالی خاص تو قرار خواهد داد (۱۰).

آیا پنداری که اکثر این کافران حرفی میشنوند یا فکر و تعقلی دارند (حاشا) اینان در بی عقلی بس مانند چهارپایانند بلکه نادان و گمراه تر (۴۴).

۲۹- سوره عنکبوت در مکه نوشته شد، مجموعاً ۶۹ آیه:

و یاد کن حکایت لوط را هنگامیکه بقوم خود گفت آیا شما بعمل زشتی که هیچکس در عالم پیش از شما مرتکب نشده اقدام میکنید (۲۸) شما بشهوت خلوت کرده با مردان و راه

(فطرت زناشوئی) را قطع می کنید و در مجامع خود بی هیچ خجالت بکار قبیح میپردازید قوم لوط جز آنکه (بطعنه) گفتند اگر راست میگوئی عذاب خدا را بر ما نازل کن باو ابداً جوابی ندادند (۲۹) لوط گفت پروردگارا مرا بر محو این قوم فاسد یاری کن (۳۰) و چون رسولان ما (فرشتگان عالم قدسی) بابراهیم بشارت آوردند گفتند ما (بامر خدا) اهل این دیار را که قومی سخت ظالم و بد کارند هلاک میکنیم (۳۱) ابراهیم بفرشتگان گفت لوط هم در این دیار است پاسخ دادند که ما بهتر آگاهیم لوط را با همه اهل بیتش غیر زن وی که در میان اهل هلاکت باقی ماند البته همه را نجات خواهیم داد (۳۲).

۳۳- سوره احزاب در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۷۳ آیه:

ای پیغمبر (گرامی) با زنان خود بگو که اگر شما زندگانی و زیب و زیور دنیا را طالبید بیائید تا من مهر شما را پرداخته و همه را بخوبی و خرسندی طلاق دهم (۲۸) و اگر طالب خدا و رسول و مشتاق دار آخرت هستید همانا خدا به نیکوکاران از شما زنان (در قیامت) اجر عظیم عطا خواهد کرد (۲۹) ای زنان پیغمبر از شما هر که بکار ناروایی دانسته اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر خدا سهل و آسانست (۳۰) و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود پاداشش دوبار عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکو (در بهشت ابد) مهیا سازیم (۳۱) ای زنان پیغمبر شما مانند یکی دیگر از زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع تر است) اگر خداترس و پرهیزکار باشید پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید مبادا آنکه دلش بیمار (هوا و هوس) است بطعم افتد (بلکه متین) و درست سخن گوئید (۳۲) و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرائی نکنید و نماز بپا دارید و زکات مال بفقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید خدا چنین میخواهد که رجس هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند (آیه راجع بشخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسین علیهم السلام است (۳۳).

ای مردان با ایمان هرگاه زنان مؤمنه را بعقد خود درآورده و پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان دادید در اینصورت از شما نگه داشتن عده بر آنها نیست پس آنها را به چیزی بهرمند کنید و به نیکی رها سازید (۴۹) ای پیغمبر (گرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که بغنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن هجرت کردند

و نیز زن مؤمنه ای که خود را به رسول بیشرط و مهر ببخشد و رسول هم بنکاحش مایل باشد که اینحکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص تو است دون مؤمنان که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مؤمنانرا بعلم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم بدین سبب بود که بر وجود تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد و خدا را بر بندگان مغفرت و رحمت بسیار است (۵۰) تو ای رسول هر یک از زنان را خواهی نویتش مؤخر دار و هر که را خواهی بخود بپذیر و هم آنانرا که (بقهر) از خود راندی اگرش (بمهر) خواندی باز بر تو باکی نیست این بهتر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز هیچیک باید محزون نباشد بلکه بآنچه ایشان را عطا کردی همه خشنود باشند و خدا بهر چه در دل شماست آگاهست و خدا دانا و بردبار است (۵۱) ای رسول بعد از این (زنان) دیگر نه عقد هیچ زن بر تو حلال است و نه مبدل کردن اینزنان بدیگر زن هر چند از حسنش بشگفت آئی و بسیار در نظرت زیبا آید مگر که کنیزی مالک شوی و خدا بر هر چیز مراقب و نگهبانست (۵۲) ای کسانیکه بخدا ایمان آوردید بخانه های پیغمبر داخل مشوید مگر آنکه اذن دهد و بر سفره طعامش دعوت کند در آنحال هم نباید زودتر از وقت آمده و بطروف غذا چشم انتظار گشائید بلکه موقعی که دعوت شده آید بیایید و چون غذا تناول کردید زود از پی کار خود متفرق شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس بسخن رانی پردازید که اینکار پیغمبر را آزار میدهد و او شما از شرم اظهار نمیدارد ولی خدا را از شما بر اظهار حق خجلی نیست و هرگاه از زنان رسول متاعی میطلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دلهای شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول خدا را بیازارید و نه پس از وفات هیچگاه زنانش را بنکاح خود درآورید که این کار نزد خدا بسیار بزرگ است (۵۳) (و از خدا ترسید که) هر چیزی را اگر آشکار یا پنهان کنید بر آن و بر همه امور جهان کاملاً آگاهست (۵۴) و زنان را باکی نیست که بر پدران و فرزندان و برادرانشان و برادر و خواهرزادگان و زنان مسلمان و کنیزان ملکی بی حجاب درآیند (و از غیر اینها باید احتجاب کنند) و از خدا بترسید که خدا بر همه چیز کاملاً گواه (و آگاهست) (۵۵).

ای پیغمبر با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را بچادر فرو پوشند که این کار برای آنها (بعفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا (در حق خلق) آمرزنده و مهربان است (۵۹) البته (بعد از این) اگر منافقان و آنانکه در دلهاشان مرض و ناپاکیست و هم آنها که در مدینه دل اهل ایمانرا مضطرب و هراسان میسازند دست نکشند ما هم تو را بر (قتال) آنها برانگیزیم مسلط گردانیم تا از آن پس جز اندک زمانی در جوار تو زیست نتوانند کرد (۶۰) این مردم پلید

بدکار رانده درگاه حقند باید هر جا یافت شوند آنان را گرفته و جداً بقتل رسانید(۶۱)
خدا کافرانرا لعن کرد و بر آنان آتش دوزخ مهیا گردانید(۶۴) آنان در آندوزخ همیشه معذبند
و بر نجات خود هیچ یار و یآوری نخواهند یافت(۶۵).

۳۵- سوره فاطر در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۴۵ آیه:

خدا شما نوع بشر را نخست از خاک بیافرید و سپس از نطفه خلق کرد و بعد از آن شما را
جفت (مرد و زن) قرار داد و آنچه زنان بار گیرند و بزایند جز بعلم و اراده او نخواهد بود و
کسی عمر طولانی نکند یا از عمرش نکاهد جز آنکه همه در کتاب ثبت است و این بر خدا
بسیار آسانست(۱۱). خداست که شب را درون (پرده) روز پنهان سازد و روز را درون پرده شب
و خورشید و ماه را مسخر کرده تا هر یک بمقدار معین (و مدار معین) و مدار خاصی
میگردند او خدای آفریننده شماست که همه ملک هستی از اوست و بغیر او معبودانی را که
بخدائی میخوانید در جهان دارای پوست و هسته خرمائی نیستند(۱۳).

* بوجود آمدن شب و روز بخاطر چرخش زمین به دور خود میباشد نه به آن دلیل که محمد
گفت(بند ۱۳). البته گفته محمد در آن دوران مردم را بهتر قانع میکرد تا اینکه بیان میشد
که علت شب و روز بخاطر چرخش زمین به دور خود است. اگر او این دومی را میگفت حتماً
کتک درست و حسابی از هر طرف نوش جان میکرد.

۳۹- سوره زمر در مکه نوشته شد، مجموعاً ۷۵ آیه:

آیا آنکسی که شب را بطاعت خدا بسجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان و برحمت
الهی امیدوار است (با آنکس که بکفر مشغولست یکسانست) بگو ای رسول آنانکه اهل علم و
دانشمند با مردم جاهل نادان یکسانند (هرگز) منحصرأ خردمندان عالم متذکر این
مطلبند(۹).

ای رسول بگو که من خود مأمورم که خدا را پرستش کنم و دینم را برای او خالص
گردانم(۱۱) و باز مأمورم که در اسلام مقام اولیت را دارا باشم(۱۲) باز بگو که من اگر
خدای خود را نافرمانی کنم البته از عذاب روز بزرگ (قیامت) میترسم(۱۳) باز بگو من
خدای (یکتای) را میپرستم و دینم را خالص برای او میگردانم(۱۴) شما هم (ای مشرکان) هر

که را می‌خواهید جز خدا بپرستید (که از غیر خدا جز زیان نمی بینید) و بگو زیانکاران آنان هستند که خود و اهل بیت خود را در قیامت بخسران جاودان درافکنند این همان زیان است که بر همه آشکار است (۱۵).

۴۱. سوره حم السجدة در مکه نوشته شد، مجموعاً ۵۴ آیه:

ای رسول ما بامت بگو که من هم مانند شما بشری هستم مرا وحی میرسد که پروردگار شما خدای یکتای بی همتا است پس همه مستقیم براه دین او شتایید و از او آمرزش طلبید و وای بحال مشرکان (۶) آنانکه زکات به فقیران بینوا نمیدهند و بعالم آخرت (و جهان ابدی) بکلی کافرند (۷).

ای رسول ما بر تو هم وحی نمیشود جز آنچه برسولان پیشین گفته شد که خدا بسیار دارای آمرزش صاحب قهر و عقاب دردناکست (۴۳) و اگر ما این قرآن را بزبان عجم فرستادیم کافران میگفتند چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (بزبان عرب) نیامد ای عجب آیا کتاب عجمی برسول و امت عربی نازل میشود بآنها بگو این قرآن برای اهل ایمان هدایت و شفاست و اما آنانکه ایمان نمیآرند گوشه‌هایشان کر است بر آنها موجب کوری جهل است و آنها و آنمردم از مکانی بسیار دور باین کتاب دعوت میشوند (۴۴).

* مشاهده فرمودید که مسئله برسر «ایمان آوردن» به کتب مذهبی است نه بر مبنای درست بودن تمام نوشته‌ها. زیرا در آن دوران علم آنچنانی برای درک مسائل وجود نداشته است بلکه مردم میبایستی جوابی که دریافت میکردند بپذیرند. مسلماً چنانچه خود پاسخی نداشتند. و تنها راه وادار کردن مردم برای پذیرش این گفته این بود که گفته شود: «خدا» گفت.

۴۲. سوره شوری در مکه نوشته شد، مجموعاً ۵۳ آیه:

و آنانکه غیر خدا را معبود و محبوب خویش گرفتند خدا رقیب و نگهبان اعمال آنهاست و تو وکیل کار و مسئول کردار آنان نخواهی بود (۶) و چنین قرآن فصیح عربی را ما بتو وحی کردیم تا مردم شهر مکه ام‌القری و هر که در اطراف اوست بترسانی و هم از سختی روز قیامت که بی هیچ شک همه جمع آیند و گروهی در بهشت و گروهی در آتش روند آگاه گردانی (۷).

خدا شرع و آئینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم بآن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آنرا سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در آن مکنید و (بدانکه) مشرکان را که بخدای یگانه و ترک بتان دعوت میکنی بسیار در نظرشان بزرگ میآید خدا هر که را بخواهد بسوی خود برمیگزیند و هر که را به درگاه خدا بتضرع و دعا باز آید هدایت میفرماید (۱۳)

* این هم آیه بدون تفسیر برداری: «قرآن فصیح عربی را ما بتو وحی کردیم تا مردم شهر مکه ام القری و هر که در اطراف اوست بترسانی» (بند ۷). بنابراین گذشته از تمام تجزیه و تحلیل ها و بررسیها، خود «خدا» به محمد میگوید که قرآن را برای «مردم شهر مکه ام القری و هر که در اطراف اوست» «وحی کردیم». قرآن حتی در همان دوران برای مناطق دیگر نازل نشده بود چه رسد به زمان حال.

نکته جالب توجه دیگر این است که باز هم برای اینکه مردم پاسخی به او ندهند فوراً «نوح» و دیگران را هم با خود همراه میکند. یهوه عزیز چه کارهایی که نکردی. کاملاً اعصاب یهودیان و مسیحیان برده دار را خط خطی کرده بودی. برای تو «مکر» میکنند. حالا بیایند پاسخ «مکر» تو را بدهند. خودت از بالا تماشاگر بودی، ولی محمد بیچاره از همه جا بیخبر را با این «وحی»ها دچار چه مشکلاتی کرده بودی.

۴۳. سوره زخرف در مکه نوشته شد، مجموعاً ۸۹ آیه:

که ما قرآن را بلسان فصیح عربی مقرر داشتیم تا شما در فهم آن مگر عقل کار بندید (۳) و همانا این کتاب نزد ما در لوح محفوظ بسی بلندپایه و محکم اساس است (۴) آیا ما از متذکر ساختن شما چون بر خویش ستم میکنید صرف نظر کنیم (۵) و چقدر پیمبرانی در اقوام پیشین فرستادیم (۶) و بر مردم هیچ رسولی نیامد جز آنکه او را بمسخره (و انکار) گرفتند (۷) ما هم قویترین سرکشانشان را بعقوبت هلاک کردیم و شرح حال پیشینیان (برای عبرت مردم) گذشت (۸).

۴۹. سوره حجرات در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۱۸ آیه:

ای اهل ایمان فوق صوت پیغمبر صدا بلند مکنید (به یا محمد و یا احمد) که اعمال نیکتان محو و باطل شود و شما فهم نکنید (۲) آنانکه نزد رسول خدا بصدای آرام و آهسته سخن گویند آنها هستند که در حقیقت خدا دل‌هایشان را برای مقام رفیع تقوی آزموده و آمرزش و اجر عظیم نصیب فرموده است (۳) بحقیقت مردمیکه تو را از پشت حجره‌ات بصدای بلند میخوانند اکثر مردم بیعقل و شعوری هستند (۴) و اگر آنها صبر میکردند تا وقتی که تو بر ایشان خارج شوی بسیار بر آنها بهتر و ثوابش بیشتر بود و خدا غفور و مهربانست (۵) ای مؤمنان (عالم) هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد (تصدیق مکنید تا) تحقیق کنید مبادا بسخن چینی فاسقی از نادانی بقومی رنجی رسانید و سخت پشیمان گردید (۶)

و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم بقتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا بفرمان خدا باز آید پس هرگاه بحکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست میدارد (۹) بحقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و پرهیزکار باشید که مورد رحمت الهی گردید (۱۰) ای اهل ایمان و مؤمنان هرگز نباید قومی دیگر را مسخره کنند شاید آن قوم که مسخره میکنید بهترین مؤمنین باشند و نیز بین زنان با ایمان قومی دیگری را سخریه نکنند که بسا آن قوم بهترین آن زنانند و هرگز عیبجوئی خود مکنید و بلقهای زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان بخدا نام فسق بسیار زشت است و هر که از آن بدرگاه خدا توبه نکند بسیار ظالم و ستمکار است (۱۱) ای اهل ایمان بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس مکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید آیا شما دوست میدارید گوشت برادر مرده خود را خورید البته کراهت دارید و از خدا بترسید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربانست (۱۲).

* این سوره «حجرات» کلاً درس اخلاقیات و آموزش ادب و معاشرت به مردم آن زمان بود. چند نمونه از آیات بازنویسی شدند.

۵۲. سوره طور در مکه نوشته شد، مجموعاً ۴۹ آیه:

قسم بطور سینا (۱) قسم بکتاب مسطور قرآن (۲) در صحیفه گشوده فوقان (۳) قسم به بیت المعمور که خدا بذکر و طواف معمور گردانید (۴) قسم بطاق بلند (آسمان) (۵) قسم بدریای

آتش فروزان(۶) قسم باین امور که البته عذاب خدا (بر کافران) واقع خواهد شد(۷). خلق را متذکر ساز که تو بنعمت (وحی و رسالت) پروردگارت جنون و کهنانت در تو نیست(۲۹) یا که گویند محمد شاعر (ماهر)یست و ما حادثه مرگ او را انتظار داریم(۳۰) ای رسول بگو شما بانتظار مرگ من باشید که منم از منتظران (هلاک) شما هستم(۳۱).

۵۸. سوره مجادله در مدینه نوشته شده است، مجموعاً ۲۲ آیه:

(ای رسول ما) خدا سخن آن زن را که در باره شوهرش با تو بمجادله برخاسته و شکوه او بخدا میبرد محققاً شنید و گفتگوهای شما را نیز می شنود که خدا البته شنوا و (باحوالشان) بیناست(۱) آنانکه با زنان خود اظهار کنند (یعنی گویند تو بر من چون پشت مادری) آنها مادر شوهران نخواهند شد بلکه مادر ایشان جز آنکه آنها را زائیده نیست و این مردم سخنی ناپسند و باطل میگویند و خدا را عفو و بخشش بسیار است(۲) و آنان که از زنان خود اظهار کنند آنگاه از گفته خود برگشتند (و عزم جماع آنها کردند) پیش از تماس و مجامعت باید برده ای آزاد کنند باینعمل موعظه میشوید و خدا بتمام کردار شما آگاهست(۳) هر که برده نیابد باید پیش از جماع دو ماه پی در پی روزه بگیرد و باز اگر نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد این (حکم) کفاره برای آنست که شما بخدا و رسول ایمان آرید و این احکام حدود الهی است و کافران را عذاب دردناک (دوزخ) مهیاست(۴).

ای اهل ایمان هرگاه بخواهید که با رسول سخن سری گوئید پیش از اینکار باید صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر از فقر چیزی برای صدقه نیابید در اینصورت خدا البته آمرزنده و مهربانست(۱۲) آیا از اینکه پیش از راز گفتن با رسول صدقه دهید (از فقر) ترسیدید پس حال که (اداء صدقه) نکردید باز هم خدا شما را بخشید اینک نماز بپا دارید و زکات بدهید و خدا و رسول را اطاعت کنید و خدا بهر چه کنید آگاهست(۱۳).

۵۹. سوره حشر در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۲۴ آیه:

هرگز اهل جهنم و اهل بهشت با هم یکسان نیستند اهل بهشت بحقیقت سعادت‌مندان عالمند(۲۰) و (ای رسول) اگر ما این قرآن (عظیم الشانرا) بر کوه نازل میکردیم مشاهده میکردی که کوه از ترس خدا خاشع و ذلیل متلاشی میگشت و این امثال را (در قرآن) برای

مردم بیان میکنند باشد که اهل عقل و فکرت شوند (۲۱) اوست خدای یکتائیکه غیر او خدائی نیست که دانای نهان و آشکار عالم است و بخشنده و مهربان (در حق بندگان) است (۲۲).

* مشاهده کردید که یکی از تاکتیکهای یهوه از همان ابتدا ترسانیدن بود. منتها این ترسانیدن به مرور زمان زیر زمینی هم شد. ولی او در مرحله آخر ساختن مذهب، پاداش زیر زمینی را نیز به تاکتیکهای خود افزود که البته حداقل اگر بیشتر از تاکتیک ترس تأثیر نداشت کمتر هم نداشت.

۶۰. سوره ممتحنه در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۱۳ آیه:

و تنها شما را از دوستی کسانی نهی می کند که در دین با شما قتال کرده و از وطنتان بیرون کردند و بر بیرون کردن شما همدست شدند تا آنها را دوست نگیرید و کسانی از شما که با آنان دوستی کنند ایشان بحقیقت ظالم و ستم کارند (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید زنانیکه بعنوان اسلام و ایمان (از دیار خود) هجرت کرده و بسوی شما آمدند خدا بایمانشان دانتر است شما از آنها تحقیق کرده و امتحانشان کنید اگر با ایمانشان شناختید آنها را بشوهران کافرشان برمگردانید که هرگز این زنان مؤمن بر آن کفار و آن شوهران بر این زنان حلال نیستند ولی مهر و نفقه ایکه شوهران مخارج آنزنان کرده اند بآنها بپردازید و باکی نیست که شما با آنان نکاح کنید در صورتیکه مهرشان را بدهید و هرگز متوسل بحفاظت کافران نشوید و شما از کفار نفقه مطالبه کنید آنها هم نفقه طلبند این حکم خداست میان شما بندگان و خدا بحقایق امور دانا و آگاهست (۱۰) و اگر از زنان شما کسانی بسوی کافران رفتند شما در مقام انتقام برآئید و بقدر همان مهر و نفقه ایکه خرج کرده اید بمردانی که زنانشان رفته اند بدهید و از خدائیکه باو ایمان آورده اید بترسید و پرهیزکار شوید (۱۱) الا ای پیغمبر چون زنان مؤمن آیند که با تو بر ایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرک بخدا نیاورند و سرقت و زناکاری نکنند و اولاد خود را بقتل نرسانند و بر کس افتراء و بهتان میان دست و پای خود نبندند و با تو در هیچ امر معروفی (که بانها کنی) مخالفت نکنند بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۲)

۶۵. سوره طلاق در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۱۲ آیه:

الا ای پیغمبر گرامی (امت را بگو) هرگاه زنانرا طلاق دهید بوقت عده آنها طلاق دهید و زمان عده را بشمارید و از خدا که آفریننده شماست بترسید و آن زنان را (تا در عده اند) از خانه بیرون مکنید مگر آنکه کار زشتی آشکار مرتکب شوند این (احکام) حدود (شرع) خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند بخویشتن ستم کرده است تو ندانی شاید خدا پس از (طلاق) کاری از نو پدید آرد (یعنی میل رجوع به یکدیگر کنید) (۱) آنگاه که مدت عده را ببایان رسانند باز یا بنیکوئی نگاهشان دارید یا بخوشرفتاری رهشان کنید و نیز دو مرد مسلمان عادل گواه گیرید و برای خدا اقامه گواهی کنید بدین وعظ الهی آنکس که بخدا و روز قیامت ایمان آورد متعظ و بهره مند خواهد شد و هر کس خداترس شود خدا راه بیرون شدن (از گناهان و بلا و حوادث سخت عالم را) بر او میگذراند (۲).

و از زنان شما آنانکه از حیض نومیدند دارید عده آنان سه ماهست و نیز زنانیکه حیض ندیده (لیکن در سن حیض) باشند آنها هم سه ماه عده نگه دارند و زنان حامله مدت عده شان تا وقت زائیدنست و هر که متقی و خداترس باشد خدا (مشکلات) کار او را (در دو عالم) آسان میگرداند (۴) این (احکام) فرمان خداست که برای شما نازل کرد و هر که از خدا بترسد خدا گناهانش ببوشد و او را پاداش بزرگ (بهشت ابد) عطا کند (۵) باز آنها در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و بایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا در مضیقه و رنج درافکنید (که بناچار از حق خود بگذرند) و بزنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید آنگاه اگر فرزند شما را شیر دهند اجرتشان با قرارداد متعارف بین خود بپردازید و اگر با هم سخت گیری کنید (مادر صرف نظر کند) تا دیگری را برای شیر دادن طلبید (۶) تا مرد دارا بوسعت و فراوانی نفقه زن شیرده دهد و آنکه نادر و تنگ معیشتست هم آنچه خدا باو داده انفاق کند که خدا هیچکس را جز آنچه توانائی داده تکلیف نمیکند و خدا بزودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد (۷).

و رسول بزرگواری را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند فرستاد تا آنانکه بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمت (جهل) بسوی معرفت و ایمان باز آرد و (بدانید) هر کس بخدا ایمان آرد و نیکو شود در باغهای بهشتی درآید که نهرا زیر درختانش جاریست و همیشه در آن بهشت ابد متنعم است که آنجا رزق بسیار نیکو بر او مهیا ساخته است (۱۱).

۶۶. سوره تحریم در مدینه نازل شد، مجموعاً ۱۲ آیه:

ای پیغمبر گرامی برای چه آنرا که خدا بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام کردی تا زنان را از خود خشنود سازی در صورتیکه خدا آمرزنده و مهربانست (۱) خدا حکم کرد برای شما که سوگندهای خود را بگشائید او مولای شما و بهر چیز دانا و بحکمت آگاهست (۲) وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود سخنی (راجع بماریه یا ریاست ابوبکر و عمر) براز گفت آنزن چون خیانت کرده و دیگری را بر سر پیغمبر آگه ساخت خدا برسولش خبر داد و او بر آن زن برخی را اظهار و برخی را پرده‌داری نمود و اظهار نکرد آنزن گفت رسولا تو را که واقف ساخت گفت مرا خدای دانای آگاه خبر داد (۳) اینک اگر هر دو زن بدرگاه خدا توبه کنید رواست که البته دل‌های شما میل کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید باز خدا یار و نگهبان اوست و جبرئیل امین و مردان صالح با ایمان و فرشتگان حق یار و مددکار اویند (۴) امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زنانی بهتر از شما بجایتان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع و اطاعت اهل توبه و عبادت رهسپار (طریق معرفت) باشند چه بکر چه غیربکر (۵).

خدا برای کافران زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت فرمان دو بنده صالح ما بودند و بآنها (نفاق) و خیانت کردند و آندو شخص (با وجود مقام نبوت) نتوانستند آنان را از قهر خدا برهانند و حکم شد آندو زن را با دوزخیان بآتش درافکنید (۱۰) و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامیکه (از شوهرش بیزاری جست) عرض کرد بارالها تو خانه ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش (۱۱)

۶۸. سوره قلم در مکه نوشته شد، مجموعاً ۵۲ آیه:

ن (قسم بنون که نام نور و ناصر حق است) و قسم بقلم و آنچه خواهد نگاشت (۱) که تو بلطف پروردگارت عقل و نعمت یافتی و دیوانه نیستی (۲) و البته تو را پاداشی نامحدود است (۳) و در حقیقت تو بر نیکو خلقی عظیم آراسته ای (۴) و بزودی تو و مخالفانت مشاهده می کنید (۵) که از شما کدام یک مفتون اند (۶). پس تو از مردمیکه آیات خدا را تکذیب می کنند پیروی مکن (۸) مایلند که تو با آنها مدارا کنی تا آنها با تو مدارا کنند (۹) و اطاعت مکن احدی که دائم (بدروغ) سوگند میخورند (۱۰) و دائم عیبجوئی و سخن چینی میکنند (۱۱) و خلق را از خیر باز میدارند و بظلم میکوشند (۱۲) متکبرند با آنکه حرامزاده

اند (۱۳) برای اینکه مال و فرزندان بسیار دارند (۱۴) در صورتیکه آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید افسانه پیشینیانست (۱۵) بزودی بر بینیش داغ نهیم (۱۶). نزدیک بود که کافران بچشمان بد چشم زخم ززند که چون آیات بشنوند گویند که همانا آن عجب دیوانه است (۵۱) و حال آنکه این کتاب الهی جز شرافت (و پند و حکمت) برای عالمیان هیچ نیست (۵۲).

۶۹. سوره حاقه در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۵۲ آیه:

آنروز که در پیشگاه حساب حاضر کنند هیچ کار از اسرار مخفی شما پنهان نخواهد ماند (۱۸) اما کسیکه نامه او را بدست راستش دهند گوید بیائید نامه مرا بخوانید (۱۹) من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم (۲)

اینکس در عیش و زندگانی خوش خواهد بود (۲۱) در بهشت عالی رتبه (۲۲) که میوه های آن همیشه در دسترس است (۲۳) از طعام و شرابهای گوارا هر چه خواهید تناول کنید که این پاداش اعمال ایام گذشته است که پیش فرستادید (۲۴) و اما آنکس که کتاب بدست چپ دهند گوید ایکاش نامه مرا نمیدادند (۲۵) و من از حساب اعمالم آگاه نمیشدم (۲۶) یا ایکاش مرگ مرا از چنگ این غصه نجات میداد (۲۷) وای که مال من امروز بفریادم نرسید (۲۸) حشمت محو و نابود گردید (۲۹) (و خطاب رسد) او را بگیرید زنجیر کشید (۳۰) تا بازش بدوزخ درافکنید (۳۱) آنگاه بزنجیری که طولش هفتاد ذرع است (بآتش) در کشید (۳۲) که او بخدای بزرگ ایمان نیاورده (۳۵) و هرگز مسکینی را بر سفره طعام خود برغبت نخوانده است (۳۴) امروز هیچ دوستداری که بفریادش رسند در اینجا ندارد (۳۵) و طعامی غیر از غسلین نصیبش نیست (۳۶) که آن طعام را جز اهل دوزخ نمیخورد (۳۷) قسم به آنچه (از آثار حق) میبینید (۳۸) و آنچه نمی بینید (۳۹) که قرآن بحقیقت و کلام رسول بزرگواریست (۴۰) نه سخن شاعری است اندکی مردم به آن ایمان میآورند (۴۱) و نه حرف کاهن غیب گو اندک مردم متذکر حقایق آن میشوند (۴۲) این قرآن تنزیل خدای عالمیانست (۴۳) و اگر محمد سخنانی دروغ بما می بست (۴۴) محققاً ما او را بدست راست (بقهر و انتقام) میگرفتیم (۴۵) و رگ و تینش را قطع میکردیم (۴۶).

* یکی از علل ممنوع کردن شراب در کره زمین بخاطر این بود که جزو پاداش ها قرار گیرد تا مردم بیشتری را وادار به «نیکو کاری» بخاطر نوشیدن شراب در «بهشت» کند. دوم اینکه همراهان محمد که از او زیاد عصبانی بودند کنترل را از دست ندهند و او را به قتل نرسانند.

۷۶. سوره دهر در مدینه نوشته شد، مجموعاً ۳۱ آیه:

آیا بر انسان روزگارانی نگذشت که چیزی لایق ذکر هیچ نبود (۱) ما او را از آب نطفه مختلط خلق کردیم و دارای قوای چشم و گوش گردانیدیم (۲) ما بحقیقت راه را بانسان نمودیم خواهد شکر گوید و خواهد کفران کند (۳) ما برای کیفر کافران غل و زنجیرها و آتش سوزان مهیا ساخته ایم (۴) و نیکوکاران عالم در بهشت از شرابی نوشند که طبعش کافور است (۵) از سرچشمه گوارائی آن بندگان خاص خدا مینوشند باختیارشان جاری میشود (۶) که آن بندگان نیکو نذر خود وفا می کنند و از قهر خدا در روزیکه شر اهل محشر را فرا گیرد میترسند (۷) و هم بر دوستی بفقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می دهند (۸) و (گویند) ما فقط برای رضای خدا بشما طعام میدهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی طلبیم (۹).

۷۷. سوره مرسلت در مکه نوشته شد، مجموعاً ۵۰ آیه:

قسم برسولانی که از پی هم فرستاده شدند (۱) قسم بفرشتگانی که بسرعت بانجام حکم حق میشتابند (۲) قسم بانانکه نیکو نثر میدهند (۳).
آنروز بندگان باتقوی در سایه درختان و نه‌های جاری متنعمند (۴۱) و از هر نوع میوه مایل باشند فراهم است (۴۲) به آنها خطاب شود که از طعام و شراب بخورید و بیاشامید گوارا باد پاداش اعمال شماست (۴۳) ما البته نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم (۴۴) وای آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۵) بخورید و تمتع برید بعمر کوتاه که بدکار هستید (۴۶) وای آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۷) و هر گاه به آنها گفته شد که طاعت خدا بجای آرید اطاعت نکردند (۴۸) وای آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۹) شما پس از آیات خدا بکدامین حدیث ایمان می‌آورید (۵۰).

۸۱. سوره تکویر در مکه نوشته شد، مجموعاً ۲۹ آیه:

قسم یاد نمیکنم بستارگان بازگردنده (۱۵) که بگردش آیند و پنهان شوند (۱۶) قسم بشب هنگامی که روی تاریک گرداند (۱۷) و قسم بصبح وقتیکه دم زند (۱۸) که همانا قرآن کلام رسول بزرگوارست (۱۹) که فرشته با قوت نزد خدای با جاه و منزلتست (۲۰) و فرمانده و امین

وحی است (۲۱) و رسول عصر شما هرگز دیوانه نیست (۲۲).
و قرآن او هرگز کلام شیطان مردود نیست (۲۵).

۸۳. سوره مطففین در مکه نوشته شد، مجموعاً ۳۶ آیه:

وای بحال کم فروشان (۱) آنانکه چون بکیل چیزی از مردم بستانند تمام بستانند (۲) و چون چیزی بدهند در کیل و وزن بمردم کم دهند (۳) آیا آنها نمیدانند که (روزی برای مجازات) برانگیخته میشوند (۴) که آن بسیار روز بزرگیست (۵) روزیست که مردم در حضور پروردگار عالم میایستند (۶). وای بحال منکران (قرآن) (۱۰) آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند (۱۱). که بر آنها چون آیات ما تلاوت شود گویند افسانه پیشینیانست (۱۳). سپس آنها را به آتش دوزخ درافکنند (۱۶). چنین نیست همانا نکوکاران با نامه اعمالشان در علیین روند (۱۸). آنجا بر تختها نعمتها را بنگرند (۲۳). به آنها شراب ناب سریمهر بنوشانند (۲۵). طبع آن شراب ناب از عالم بالاست (۲۷) سرچشمه ای که مقربان خدا از آن مینوشند (۲۸). پس امروز اهل ایمان بکفار میخندند (۳۴) و بر تختها تکیه زده مشاهده میکنند (۳۵) آیا پاداشی که به کافران میدهند جز نتیجه افعالیست که کردند (۳۶).

۹۰. سوره بلد در مکه نوشته شد، مجموعاً ۲۰ آیه:

سوگند باین بلد یاد نکنم (۱) و حال آنکه تو در این بلد منزل داری (۲) و قسم بپدر و فرزندان او (۳) که ما نوع انسانرا بحقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (۴) آیا انسان پندارد که هیچ کس بر او توانائی ندارد (۵) و میگوید من مال بسیاری تلف کردم (۶) آیا پندارد که کسی او را ندیده (۷) آیا ما باو دو چشم عطا نکردیم (۸) و زبان و دو لب باو ندادیم (۹) و راه خیروش را باو ننمودیم (۱۰) باز هم بعقبه تکلیف تن در نداد (۱۱) و چگونه توان دانست که آن عقبه چیست (۱۲) آن بنده آزاد کردنت (۱۳) و طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی است (۱۴) یا به یتیم خویشاوند خود (احسان کردن) (۱۵) یا بفقیر مضطر خاک نشین (۱۶) و آنگاه هم از آنان باشد که بخدا ایمان آورده و یکدیگر را باهمیت و صبر و مهربانی با خلق سفارش میکنند (۱۷) که آنها اهل یمن و سعادتند (۱۸) و آنانکه بآیات ما کافر شدند آنها اهل شومی و شقاوتند (۱۹) بر آن کافران آتشی سرپوشیده احاطه خواهد کرد (۲۰).

۱۰۴. سوره همزه در مکه نوشته شد، مجموعاً ۹ آیه:

وای بر هر عیبجوی هرزه زبان (۱) همانکسی که مال جمع کرده و بشماره اش سرگرم است (۲) پندارد که مال و دارائی دنیا عمر ابدش خواهد بخشید (۳) چنین نیست بلکه محققاً به آتش دوزخ سوزان درافتد (۴) آتشی که چگونه تصور سختی آن توانی کرد (۵) آن آتش را خدا برافروخته (۶) شراره آن بر دل‌های کافران شعله ور است (۷) آتشی بر آنها احاطه کرده (۹) و مانند ستونهای بلند زیانه کشیده (۹).

* می بینید که محمد هم بعد از پیروزی دچار همان مشکلی شده بود که خود بر علیه آنها جنگید. زیرا او هم تصور میکرد که علت «بدذاتی» آدمها است که فقر و فلاکت وجود دارد نه مناسبات تولیدی و توزیعی. از اینرو وقتی که مردم به او مراجعه میکردند برای آنان شعر میگفت و قسم میخورد این آیات کلام خداست، یعنی او مقصر نیست. اینکه چرا با برقراری قوانین اسلامی هنوز مال اندوز وجود دارد را درک نمیکرد و نمی توانست توضیح دهد. گرچه تغییراتی در قوانین جامعه ایجاد کرده بود ولی نمی توانست جلوی مال اندوزی را با تبلیغات «اخلاقیات نیکو» و وعده و وعید (دروغین) زیرزمینی بگیرد و بنابراین جلوی فقر و فلاکت را بگیرد. از اینرو او برای مردم قسم میخورد که «رسول عصر شما هرگز دیوانه نیست» و یا «قرآن او هرگز کلام شیطان مردود نیست» («سوره تکویر» بندهای ۲۲ و ۲۵).

۱۰۷. سوره ماعون در مکه نوشته شد، مجموعاً ۷ آیه:

آیا دیدی آنکس را که روز جزا را انکار میکرد (۱) این همان است که یتیم را از در خود (بقهر) میراند (۲) و کسی را بر اطعام فقیر ترغیب نمیکند (۳) پس وای بر آن نماز گزاران (۴) که دل از یاد خدا غافل دارند (۵) همانانکه (اگر طاعتی کنند) بریا و خودنمایی کنند (۶) و زکات و احسانرا از فقیران منع کنند (۷).

۱۰۹. سوره کافرون در مکه نوشته شد، مجموعاً ۶ آیه:

بگو که ای کافران مشرک (۱) من آن (بتان) را که شما میپرستید هرگز نمی پرستم (۲) و شما هم آنخدائیکه پرستش میکنم پرستش نمیکنید (۳) نه من خدایان شما را عبادت

میکنم (۴) و نه شما معبود مرا عبادت خواهید کرد (۵) پس دین شما برای شما و دین من برای من (۶).

* بنابراین با آیه ۶ «سوره کافران» مشخص شد که محمد (یهوه) برخلاف رژیمهای استبدادی اسلامی مخالف آزادی بیان، عقیده، تشکل و غیره نبوده.

* در اینجا مناسب است چند جمله ای هم در مورد فلسفه و فیلسوف اشاره ای شود. فلسفه چیست؟ طبق تعریف فلسفه یعنی «تفکر و تعمق و تفنن در مسائل علمیه، علمی که در مبادی و حقائق اشیا و علل وجود آنها بحث میکنند.» طبق این تعریف پس فیلسوف چیست و یا فیلسوف چه کسی است؟ «حکیم، دانا، عاقل، فرزانه، بردبار، حکمت دوست، کسی که به فلسفه اشتغال دارد».

بنابراین فیلسوف کسی است که در زمینه یافتن پاسخ وجود اشیا یا ماده فعالیت میکند. نکته اصلی این است که باید توجه شود که فلاسفه به دو گروه اصلی تقسیم شدند. گروه اول گروهی است که نهایتاً اعتقاد دارد که جهان را خالق ساخت. این گروه به ایده آلیسم مشهور هستند و نظراتشان از این چهارچوب خارج نمی شود.

گروه دوم گروهی است که در این زمینه فعالیت میکنند اما اعتقادی به خالق ندارند بلکه ماده را مبنا می دانند. این گروه به ماتریالیست مشهور هستند و نظراتشان از این چهارچوب خارج نمی شود.

بعنوان مثال کارل مارکس نیز جزو فلاسفه میباشد که فلسفه او ماتریالیسم است. و در این زمینه آثار او بعنوان اسناد موجود است. بنابراین زمانی که به فلیسوفی اشاره میشود باید توجه کرد که او کیست. آیا به گروه ایده آلیست تعلق دارد یا گروه ماتریالیست. گروه دیگری نیز وجود دارند که همچون با وزش شدید باد به اینطرف و آنطرف پرتاب میشوند یا به قول معروف از خود دارای اراده نیستند.

* اقتباس شده از ترجمه فارسی:

«قرآن کریم»

ناشر: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

خطاط: سیدمحمدباقر شریف

مترجم: مهدی الهی قمشه ای

محل چاپ: تهران

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۷۵

مرکز پخش: مؤسسه انتشارات سوره تلفن: ۳۱۳۴۵۷۱

توجه شود که این ترجمه از «قرآن» توسط مترجم و «اداره نظارت بر چاپ و نشر قرآن» رژیم «جمهوری اسلامی» صورت گرفته است. کلیه مطالب داخل پراکنشها از مترجم و «اداره نظارت بر چاپ و نشر قرآن» است و کوشه‌های بدون ذکر نام هم همینطور. من از این ترجمه استفاده کردم تا هیچگونه بهانه‌ای به دست رژیم و عواملش ندهم.

با تقدیم احترامات

حجت برزگر

(پایان)